



أَيُّهَا الْعَزِيزُ... جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ...

ماه در ماه

امام زمان عليه السلام در ماه رمضان

محمد هادی ابراهیمی نژاد

سلسله تحقیقات سایت آشتی با خرد (۱۶)

سرشناسه	ابراهیمی نژاد، محمد هادی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	ماه در ماه: امام زمان علیه السلام در ماه رمضان / محمد هادی ابراهیمی نژاد.
مشخصات نشر	قم: موسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین ص، انتشارات، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۲۲۰ ص. ؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست	سلسله تحقیقات سایت آشتی با خرد؛ ۱۶.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۸۰۲۳-۲۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیپا :
عنوان دیگر	امام زمان علیه السلام در ماه رمضان.
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق - Muhammad ibn Hasan , Imam XII
موضوع	رمضان Ramadan شب قدر Laylat al-Qadr
رده بندی کنگره	PB۱۵ :
رده بندی دیویی	۹۵۹/۷۹۲ :
شماره کتابشناسی ملی	۹۵۶۵۱۲۶ :
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیپا :

ماه در ماه (امام زمان علیه السلام در ماه رمضان)

نویسنده: محمد هادی ابراهیمی نژاد

ناشر: موسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین علیه السلام

چاپ اول: بهار ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۰۲۳-۲۸-۱

مرکز پخش قم: خیابان صفائیه، کوچه ۳۷، انتشارات خاتم النبیین علیه السلام، تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۲۱۴۰۹

www.nashrekhatam.com

مرکز پخش مشهد: خیابان آخوند خراسانی ۲۰/۱، جنب مسجد حضرت زهرا علیه السلام، کتابفروشی طالبیان

شریف، تلفن: ۰۹۱۵۲۵۵۳۷۰-۰۵۱۳۸۵۵۵۹۴۷

آن چه در این کتاب می خوانید:

- ✓ ویژگی های ماه رمضان
- ✓ رابطه احکام و اعمال ماه رمضان با امام زمان علیه السلام
- ✓ رابطه روزه با امام زمان علیه السلام
- ✓ رابطه دعا و امام زمان علیه السلام
- ✓ ارزش نیابت و شراکت با امام زمان علیه السلام
- ✓ استغفار امام زمان علیه السلام در ماه رمضان برای ما
- ✓ هدیه ختم قرآن به امام زمان علیه السلام در ماه رمضان
- ✓ اوج پاکی در ماه رمضان، برانت از دشمنان
- ✓ انتظار فرج، شرط تمامیت روزه
- ✓ رابطه شب قدر با امام زمان علیه السلام
- ✓ لیلة القدر، شب شگفتی ها
- ✓ تفسیرهای شب قدر
- ✓ لایه های عمیق تر شب قدر
- ✓ ویژگی های مشترک قرآن و امام زمان علیه السلام
- ✓ نور نازل در شب قدر
- ✓ سوره قدر شناسنامه ی اسرار آمیز اهل البیت علیهم السلام

فهرست

چکیده.....	۹
سرآغاز.....	۱۵
تأویل «شهر» در قرآن.....	۱۹
ویژگی های ماه رمضان.....	۲۱
رابطه احکام و اعمال ماه رمضان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	۲۷
رابطه روزه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	۲۷
رابطه دعا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	۳۲
دعای ما و تحیت برتر امام زمان علیه السلام	۳۹
دعای ما آینه نگاه امام زمان علیه السلام	۴۱
دعای پشت سر امام زمان علیه السلام	۴۳
ارزش نیابت و شراکت با امام زمان علیه السلام	۴۴
استغفار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه رمضان برای ما.....	۴۵

- ۴۷..... هدیه ختم قرآن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه رمضان
- ۵۰..... اوج پاکی در ماه رمضان، برائت از دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۵۳..... انتظار فرج، شرط تمامیت روزه
- ۵۷..... رابطه شب قدر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۵۷..... لیلة القدر، شب شگفتی ها
- ۵۸..... انسانیت در گرو ایمان به لیلة القدر
- ۵۸..... کفر منکر شب قدر
- ۵۹..... علت پنهانی شب قدر
- ۶۱..... بقای شب قدر تا قیامت
- ۶۲..... عدم انفکاک لیلة القدر از قرآن
- ۶۳..... سوره قدر، از مسائل بزرگ دین است
- ۶۴..... تفسیر اول از شب قدر (شب ماه رمضان)
- ۶۵..... شب قدر در قرآن
- ۶۶..... طبقه بندی نکات قرآنی شب قدر
- ۶۸..... برخی از مراسم شب قدر
- ۷۰..... شب قدر و غاصبین
- ۷۲..... لایه های عمیق تر شب قدر
- ۷۳..... در شب قدر «امر» بر چه کسی نازل می شود؟
- ۷۶..... شب قدر، برگ برنده شیعه
- ۷۸..... شب قدر رازی که مخالفین تحمل آن را ندارند

شب قدر و تصرف اسرارآمیز الهی در قلب امام	۷۹
سوره قدر، شناسنامه اهل البیت علیهم السلام	۸۲
تفسیر دوم از شب قدر (فاطمه علیها السلام)	۸۸
تفسیر سوم از شب قدر (نخستین آفرینش دنیا)	۹۰
تفسیر چهارم از شب قدر	۹۳
ویژگی های مشترک قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	۹۷
ناشناختگی، ویژگی مشترک قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	۹۸
بهار خلاق، ویژگی مشترک قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	۱۰۱
قرآن، بهار دلها	۱۰۲
امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، بهار دلها	۱۰۴
نوریت، ویژگی قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	۱۰۵
نور نازل در شب قدر	۱۱۳
سوره قدر شناسنامه ی اسرارآمیز اهل البیت علیهم السلام	۱۲۱
راز ۱: گسترده ترین تقدیر جهان	۱۲۱
راز ۲: نهایى شدن تقدیرات به امضای امام زمان علیه السلام	۱۲۳
راز ۳: عظمت شب قدر نماد رحمت رحیمیه خاصه	۱۲۳
راز ۴: بداء، تنها محدودیت شب قدر	۱۲۴
راز ۵: شب قدر نماد سلطنت مطلقه امام زمان علیه السلام	۱۲۶
راز ۶: شب تقدیر تمام جهان تا روز قیامت	۱۲۷

- راز ۷: شب قدر، نخستین تقدیر آفرینش ۱۲۸
- راز ۸: ۱۳۰
- کلید اسرار شناسنامه اهل البیت علیهم السلام ۱۳۰
- پیوستها ۱۳۳
- پیوست ۱: تحیت برتر ۱۳۳
- پیوست ۲: ذکر و دعای ما، آینه نگاه رب الارباب ۱۳۹
- پیوست ۳: ارزش شگفت دعای پشت سر برای مؤمن ۱۴۲
- پیوست ۴: نیابت و شراکت در طاعات ۱۴۷
- مستندات روایی «ماه در ماه» ۱۵۵

نوشتار پیش روی شما شانزدهمین نوشتار از سلسله تحقیقات سایت «آشتی با خرد» است.

این نوشتار کنکاشی روایی برای شناخت رابطه میان ماه رمضان و امام زمان علیه السلام و نیز شناخت نقش ویژه امام زمان علیه السلام در شب قدر است. از آن جایی که سوره قدر شناسنامه اهل البیت علیهم السلام معرفی شده است، باشد که این کنکاش راهی به سوی اسرار این شناسنامه بگشاید.

« ماه در ماه، امام زمان علیه السلام در ماه رمضان » با ساختار متنی در سایت «آشتی با خرد» هم در دسترس است:

aashtee.org/page/Section.aspx?n=۹۰۹۷-۲۲۹۳۲

ما را در اینجا می توانید ببینید:

aashtee.org	aashtee.ir
shia-akhbari.com	shia-akhbari.org
aashtee.net	aashteebakherad.com
aashteebakherad.ir	aashteebakherad.org

از نظرات و انتقادات شما استقبال می کنیم:

info@aashtee.org

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد
و آله الطاهرين سيما بقية الله فى الارضين
و اللعن على اعدائهم اجمعين

چکیده

۱در قرآن از ماه رمضان با ویژگی نزول قرآن در آن ماه یاد شده است
شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ....^۱
ماه رمضان [همان ماهی] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده
است....

خداوند این ماه را به خودش اختصاص داده و از آن با تعبیر «شهر
الله» (ماه خدا) یاد کرده است.

در آیه دیگری از قرآن سخن از ماه‌های دوازده‌گانه به میان آمده

است:

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا...^۱

در حقیقت، شماره ماهها نزد خدا دوازده ماه است....

واژه «شهور» در این آیه، جمع «شهر» است که به معنی «ماه» است.

ماه‌های دوازده‌گانه، به دوازده امام الهی تأویل شده است.^۲

حاصل این دو آیه و روایات ذیل آن، اثبات رابطه‌ای عمیق میان

ماه رمضان و امامان علیهم‌السلام و از جمله امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است.

بخش نخست نوشتار به ارتباط احکام و تکالیف ماه رمضان با

امام زمان علیه‌السلام اختصاص دارد.

اول: در حوزه احکام، شاهد رابطه قبولی روزه با فرمانبرداری از امام

زمان علیه‌السلام هستیم چرا که:

امام صادق علیه‌السلام فرمود برای کسی که معصیت امام کند روزه (مورد

قبول) نیست.

دوم: از آن جایی که ماه رمضان ماه دعاست، شایسته است دعای

برای امام زمان علیه‌السلام در رأس همه دعاها قرار گیرد. چرا که:

(۱) توبه/۳۶

(۲) روایت ۳ برای دیدن متن روایات به بخش مستندات روایی مراجعه کنید.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ادب الهی «إِذَا حُيِّئْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا»^۱ سرآمد همگان است، اگر ما برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا کنیم، او بهتر و برتر و بیشتر برای ما دعا خواهد کرد.

سوم: از دیگر ویژگی‌های ماه رمضان این است که این ماه، ماه طلب مغفرت و آمرزش است.

بهترین راه طلب مغفرت، این است که کاری کنیم امام زمان برای ما استغفار نماید. چرا که استغفار او قطعاً مورد اجابت قرار می‌گیرد.

يَا أَبَاكَ اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ.^۲

ای پدر ما، برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بودیم.
چهارم: اگر همت ما در ماه مبارک رمضان دعای برای ظهور حضرتش باشد، آیا می‌شود که آن پدر مهربان برای ما دعا نکند و از خداوند طلب مغفرت ننماید؟!

پنجم: یکی از پاکی‌هایی مطلوب ماه رمضان، برائت از غیر

(۱) و هنگامی که به شما درود گویند، شما درودی نیکوتر از آن پاسخ دهید.

نساء/ ۸۶

(۲) یوسف/ ۹۷

خداست (و تبرأت إلى الله من عداه)^۱.

برجسته‌ترین نقطه براءت از غیر خداوند، براءت از دشمنان اولیاء خداوند است.

لذا شاه مصداق براءت از غیر خدا، براءت از دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

به اقتضای این روایت، شرط تمامیت روزه، براءت از هر آن چه غیر خدا و به ویژه براءت از دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ششم: یکی دیگر از جالبترین شرایطی که برای تمامیت روزه بیان شده، چشم به راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن (انتظار فرج) است. در لابلای شرایط تمامیت روزه در بخش دیگری از روایت شماره ۱۹ چنین آمده است:

متظیرین لأیامکم...

چشم به راه روزگاران خودتان باشید...

متظیرین لما وعدکم الله...

چشم به راه فرا رسیدن آنی باشید که خداوند به شما وعده داده است...

در بخش دوم نوشتار سراغ رابطه شب قدر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌رویم.

ليلة القدر، شب شگفتی‌هاست.

از شگفتی‌های شب قدر، اهمیت معرفت آن است و این که انسانیت انسان در گرو ایمان به ليلة القدر است.

امام جواد علیه السلام فرمود: اگر مؤمنی حامل (معارف و حقایق سوره)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ شود، برتری چنین مؤمنی بر کسی که چنین ایمانی

نداشته باشد، همانند برتری انسان بر چهارپایان است...^۱

از شگفتی‌های شب قدر، کفر منکر شب قدر است و این که سوره قدر، از مسائل بزرگ دین است.

در روایات شاهد چند تفسیر متفاوت از شب قدر هستیم.

همچنین در روایات از سوره قدر به عنوان برگ برنده شیعه در مقابل مخالفین یاد شده است.

اما مهم‌تر از همه، همچنان که سوره توحید، شناسنامه خداوند (نسبة الرب) نامیده شده است، سوره قدر نیز شناسنامه اهل بیت علیهم السلام نامیده شده است، اما شناسنامه‌ی بسیار اسرارآمیز!

با درایت روایات، برخی از رازهای این شناسنامه آشکار می‌شود. از جمله این که : ۱- گسترده‌ترین تقدیر جهان، در شب قدر رقم می‌خورد، ۲- همه تقدیرات به امضای امام زمان علیه السلام نهایی می‌شود، ۳- عظمت شب قدر، نماد رحمت رحیمیه خاصه است، ۴- تنها محدودیت شب قدر، بداء است، ۵- لذا شب قدر نماد سلطنت مطلقه امام زمان علیه السلام است، ۶- شب قدر علاوه بر تقدیر سالانه، شب تقدیر تمام جهان تا روز قیامت است ، ۷- در شب قدر، نخستین تقدیر آفرینش رقم خورده است و....

تردیدی نیست که اسرار شناسنامه اهل البیت علیهم السلام بسیار بیشتر از سرفصل‌های یاد شده است.

لذا گتره نیست اگر بگوییم:

همچنان که رسیدن به کنه سوره توحید (نسبة الرب) ناشدنی است،
همچنین رسیدن به کنه سوره قدر (نسبة اهل البیت علیهم السلام) نیز محال است.

سرآغاز

تنها در یک آیه از قرآن از ماه رمضان نام برده شده است:
شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ
الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ....^۱

ماه رمضان [همان ماهی] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده
است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمن] دلایل آشکار
هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است....
آیه یاد شده به یک از ویژگی‌های مهم ماه رمضان اشاره می‌کند و
آن نزول قرآن در این ماه است.

آشنایی با این آیه از قرآن، نیازمند درنگ در دو امر است:

(۱) ماه رمضان

(۲) قرآن

پیش از هر چیزی توجه به دو قانون مهم در رابطه با قرآن شایسته

است.

قانون نخست این است که: همه افراد در فهم مطالب قرآن یکسان نیستند.

امام حسین علیه السلام فرمود: کتاب خدا بر چهار چیز است: بر عبارت و اشاره و لطائف و حقائق. عبارت آن برای عوام مردم و اشاره آن برای خواص مردم و لطائف آن برای اولیاء الهی و حقائق آن برای پیامبران است.^۱

اگر لطف الهی شامل حال ما شود، آن چه برای ما ممکن است فهم عبارتهای قرآن است. البته باید توجه داشت که فهم، غیر از حفظ کردن و نقل کردن آن است. چرا که:

امام صادق علیه السلام فرمود: حدیثی با درایت بهتر از هزار روایت بدون درایت است....^۲

از ویژگی‌های برجسته ماه رمضان، وجود شب قدر در این ماه و

(۱) روایت ۱

برای دیدن روایات به بخش مستندات روایی همین نوشتار مراجعه نمایید.

(۲) روایت ۲

نزول قرآن است.

در دو جای قرآن، سوره قدر و آیات یکم تا ششم سوره دخان، سخن از شب قدر به میان آمده است:

به نام خداوند رحمتگر مهربان ما آن را (قرآن را) در شب قدر نازل کردیم و از شب قدر، چه آگاهیست کرد، شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است در آن (شب) فرشتگان، با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری (که برای سال مقرر شده است) فرود آیند، (آن شب) تا دم صبح صلح و سلام است.

به نام خداوند رحمتگر مهربان حاء، میم. سوگند به کتاب روشنگر، (که) ما آن را در شبی مبارک نازل کردیم، (زیرا) که ما هشداردهنده بودیم. در آن (شب) هر (گونه) کاری (به نحوی) استوار فیصله می‌یابد. (این) کاری است (که) از جانب ما (صورت می‌گیرد) ما فرستنده (ی فرستاده‌شدگان) بودیم. (و این) رحمتی از پروردگار توست، که او شنوای داناست.

به حول و قوه الهی و به لطف بقیة الله الاعظم در این نوشتار تلاش می‌شود که آیات یاد شده در چهارچوب درایت روایات مورد درنگ قرار گیرد.

پیدااست که شناخت ماه رمضان بدون آشنایی به شب قدر و قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن نیست.

ماه رمضان چه ماهی است؟

شب قدر چیست؟

رابطه قرآن با شب قدر چگونه است؟

رابطه امام زمان علیه السلام با شب قدر چیست؟

تأویل «شهر» در قرآن

معادل فارسی واژه عربی «شهر»، «ماه» است.

در قرآن نیز آمده است که تعداد ماه‌ها نزد خداوند دوازده ماه است.

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا
فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ....^۱

در حقیقت، شماره ماه‌ها نزد خدا، از روزی که آسمانها و زمین را
آفریده، در کتاب خدا، دوازده ماه است؛ از این [دوازده ماه]،
چهار ماه، [ماه] حرام است. این است آیین استوار، پس در اینها
بر خود ستم مکنید....

در حدیثی واژه «شهر» (=ماه) این گونه بیان شده است:

از جابر جعفی نقل شده که امام باقر علیه السلام از تأویل سخن خداوند
عزوجل که فرموده «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا...

(پرسیدم.) حضرت نفس عمیقی کشیده و سپس فرمود اما تأویل
سال، جد من ﷺ رسول خداست و ماه‌های دوازده‌گانه آن از جد
من امیرالمؤمنین عیسی‌ع تا خلف (آنها) مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است... اقرار به
این امامان همان دین قَیم است، پس درباره اینان به خودتان
ستم نکنید و آنها را مساوی بقیه مردم قرار ندهید.^۱

ویژگی های ماه رمضان

یکی از ماه های دوازده گانه، ماه رمضان است. در آیه یاد شده به یکی از مهم ترین ویژگی های ماه رمضان اشاره شد و آن نزول قرآن است. اما ماه رمضان ویژگی های دیگری هم دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

از ماه رمضان با عناوینی هم چون «شهر الله» (ماه خدا)، «شهرک» (ماه تو، خطاب به خداوند)، «شهری» (ماه من، از قول خداوند) یاد شده است.

عناوین بسیاری دیگر نیز درباره ماه رمضان آمده است که همگی نشان از اهمیت این ماه دارند. از جمله:

امام رضا علیه السلام فرمود: هنگامی که روز قیامت شود ماه ها (همچون عروسی که به خانه شوهر می برند با تشریفاتی) به محشر آورده می شوند. پیشاپیش همه ماه ها، ماه رمضان است.

بر ماه رمضان همه زینت های زیبا قرار داده شده است. آن ماه

میان سایر ماه‌ها، همچون ماه در میان ستارگان است. پس بعضی از اهل قیامت به بعضی دیگر می‌گویند دوست داشتیم اگر می‌شد این صورته‌ها را می‌شناختیم. پس منادی از جانب خداوند جل جلاله ندا می‌دهد ای معشر خلایق اینها صورتهای «ماه‌هایی هستند که از روزی که خداوند آسمانها و زمین را آفرید، تعداد آنها نزد خداوند در کتاب او دوازده تاست»^۱ آقای آنها و برتر آنها ماه رمضان است، اینها را آشکار کردم تا برتری ماه مرا بر سایر ماه‌های بشناسید و ماه رمضان برای بندگان و کنیزان روزه‌دارم شفاعت کند و من شفاعت او درباره آنان بپذیریم.^۲

نگوید رمضان و نگوید رمضان آمد، بلکه بگوید ماه رمضان چرا که شما نمی‌دانید رمضان چیست!^۳

به راستی که بهشت از این سال تا سال دیگر (تنها) یک بار (آن هم) برای دخول ماه رمضان آراسته و تزیین می‌شود.^۴

(۱) توبه/۳۶

(۲) روایت ۴

(۳) روایت ۵

(۴) روایت ۶

به راستی که رمضان نامی از نامهای خداوند عزوجل است.^۱
به راستی که ماه رمضان ماه بزرگی است.^۲
به درستی که این ماه شما (یعنی ماه رمضان) مانند بقیه ماه‌ها نیست.^۳
ماه رمضان ماهی است که نزد خداوند برترین ماه‌ها است.^۴
به راستی که برای ماه رمضان حق و حرمتی است که چیزی از ماه‌های دیگر شبیه آن نیست.^۵
روزی پیامبر ﷺ برای ما سخنرانی کرد و فرمود ای مردم به راستی که ماه خدا همراه با برکت و رحمت و مغفرت به شما رو آورده است. ماهی که نزد خدا برترین ماه‌ها و روزهایش برترین روزها و شبهایش برترین شبها و ساعت‌هایش برترین ساعتها است. او ماهی است که در آن به مهمانی خداوند فراخوانده شدید و از اهل کرامت خداوند قرار داده شدید، نفس‌های شما در این ماه

(۱) روایت ۷

(۲) روایت ۸

(۳) روایت ۹

(۴) روایت ۱۰

(۵) روایت ۱۱

تسبیح است و خواب شما در این ماه عبادت است و عمل در این ماه قبول شده است و دعای شما در این ماه مستجاب است... واقعا بدبخت کسی است که از غفران خداوند در این ماه بزرگ محروم شود... در هنگام نماز دستهایتان را به دعا بلند کنید که این زمان برترین زمانهاست خداوند عزوجل در این زمان با رحمت به بندگانش می‌نگرد هنگامی که با او مناجات کنند پاسخ آنها را می‌دهد و هنگامی که او را صدا زنند لبیک می‌گوید و هنگامی که از او درخواست کنند به آنها عطا می‌کند و هنگامی که او را بخوانند او استجابت می‌کند... برترین کارها در این ماه پرهیز از محارم خداست....^۱

ای ماه مبارک حمد خدایی که ما را به وسیله تو اکرام فرمود...^۲ امام صادق علیه السلام می‌فرمود به راستی که خداوند روزه ماه رمضان را بر احدی از امتها واجب نساخته است.

(راوی می‌گوید) به امام قول خداوند را عرض کردم که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود.

(۱) روایت ۱۳

(۲) روایت ۱۴

باشد که پرهیزگاری کنید.^۱

امام فرمود همانا روزه ماه رمضان را بر پیامبرانش واجب ساخته

نه بر امت‌های آنان. پس این امت را به روزه برتری داد و روزه‌اش را

بر رسول خدا ﷺ و بر امت او واجب ساخت.^۲

اگر بدانید آن چه برای شما در ماه رمضان است (چیست) البته

که شکر شما برای خدا بیشتر می‌شد...^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که از روزی که خداوند آسمانها

و زمین را آفرید، در کتاب خدا تعداد ماه‌ها نزد خداوند دوازده تا

است.^۴ پس برترین ماه‌ها، ماه خدا عزّ ذکره است و آن ماه

رمضان است. و قلب ماه رمضان شب قدر است و در اولین شب

از ماه رمضان قرآن نازل شده است پس با قرآن به استقبال ماه

رمضان بروید.^۵

مرحوم محمد تقی مجلسی رضوان الله علیه در باره این حدیث

(۱) بقره/۱۸۳

(۲) روایت ۱۵

(۳) روایت ۱۶

(۴) توبه/۳۶

(۵) روایت ۱۲

گفته است که:

مقصود این است که نزول قرآن از اول ماه است اما در شب قدر تکمیل می‌شود.^۱

اینک دو آیه یاد شده پیشین را با هم می‌بینیم:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ....^۲

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ....^۳

همچنین روایاتی که در تأویل «شهور» به اهل البيت (علیهم السلام) گذشت، ضمیمه کنید.

حاصل این دو آیه و روایات ذیل آن، رابطه‌ای عمیق میان شب قدر و امام معصوم است.

در ادامه از چند منظر به این روابط اشاره می‌کنیم.

(۱) لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه ج ۶ ص ۳۱۳

(۲) بقره/۱۸۵

(۳) توبه/۳۶

رابطه احکام و اعمال ماه رمضان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ماه رمضان احکام و اعمال خاص به خودش را دارد.
ببینیم کدامیک از این احکام و اعمال می‌تواند با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط داشته باشد.
از رابطه روزه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز می‌کنیم.

رابطه روزه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از مهم‌ترین احکام ماه رمضان، روزه‌داری است.
روزه بر حسب ظاهر احکام، خودداری از خوردن، آشامیدن و... است.

اما روزه‌ای که مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد شرایط فراوانی دارد.
از مجموع روایات استفاده می‌شود که روزه بازداشتن تمامی اعضای ظاهری و باطنی (جوارح و جوانح) از معاصی و قبیاح است.
بر همین اساس نیز اگر کسی تنها به شرایط ظاهری روزه بسنده کند و بقیه اعضا و جوارحش را از حرام باز ندارد، سودی از روزه

نمی‌برد.

رسول خدا ﷺ فرمود: چه بسا روزه‌داری که بهره‌اش از روزه‌اش تنها گرسنگی و تشنگی است.^۱

لذا بسیاری از کارها موجب می‌شود که روزه پذیرفته نشود.

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روزه گرفتی پس باید گوش و چشم تو نیز از حرام، روزه بگیرد و (نیز) باید تمامی اعضای تو از قبیح روزه بگیرد...^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که روزه تنها (پرهیز) از غذا و نوشیدنی نیست، همانا برای روزه شروطی است که نیاز است حفظ شود تا روزه تمام شود و (یکی از) آن شروط، صمت (و خودداری) درونی است...

پس هنگامی که روزه گرفتید زبانتان را از دروغ حفظ کنید و چشمانتان را از حرام بپوشانید...

[روزه بگیرید] در حالی که قلب از عیبه‌ها پاک شده و (باطن) پنهان‌تان از پلیدی پیراسته گردیده و جسم (ظاهر) از آلودگی‌ها تمیز باشد.

(۱) روایت ۱۷

(۲) روایت ۱۸

و در حالی که با روآوردن به سوی خدا از غیر خدا برأت جسته. در حالی که در روزهات ولایت خدا را داشته باشی به سبب صمت (و خودداری کامل) در پنهان و آشکار، از همه جهات (و اموری) که خداوند از آن نهی کرده است و در پنهان و آشکارت واقعا از خدا بترسی و در روزهای روزهات نفّس خودت را به خدا ببخشی و قلبت را برای او فارغ سازی و نفس خودت را در آنچه که خداوند تو را به آن امر کرده و به سوی آن فراخوانده، قرار دهی (یا به زحمت اندازی و یا محصور کنی).

پس هنگامی که تمام این کارها را انجام دهی تو به حقیقت روزهی او برای او روزه‌داری و تکلیفت را انجام داده‌ای و هر چه از این اموری که برایت بیان کردم ناقص کنی، پس واقعا که به همان مقدار از روزهات ناقص کرده‌ای.

و به راستی که پدرم فرمود پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که زنی در حال روزه کنیزش را دشنام می‌دهد، پس پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی خواستند (و پس از آماده شدن) به آن زن فرمود بخور، آن زن گفت من روزه دارم ای رسول خدا، حضرت فرمود چگونه روزه داری در حالی که کنیزت را دشنام دادی؟! به راستی که روزه گرفتن (تنها خودداری) از خوردنی و آشامیدنی نیست، همانا خداوند روزه را حجاب از غیر آن دو (یعنی خوردنی و نوشیدنی) از کردارها و گفتارهای

زشت قرار داده است (این امور) روزه روزه دار را باطل می کند.

چقدر روزه دار کم است و چقدر گرسنگان زیادند!^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در بعضی از سخنرانی هایش فرمود روزه پرهیز از حرامها است همچنان که مرد از غذا و آب خودداری می کند.^۲

فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود روزه دار اگر زبان و گوش و چشم و اعضایش را حفظ نکند، با روزه اش چه می کند؟! (یعنی روزه برای فایده ندارد).^۳

امام صادق علیه السلام فرمود هنگامی که روزه گرفتی پس باید گوش و چشم و شرمگاه و زبانت هم روزه بگیرند و چشمت را از آن چه که نگاه به آن حلال نیست و گوش را از آن چه شنیدن آن حلال نیست و زبانت را از دروغ و فحش، حفظ کنی.^۴

روشن شد که روزه واقعی، ابعاد فراوانی دارد و پرهیز از همه معاصی را شامل می شود.

بر همین اساس نیز معصیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب می شود که

(۱) روایت ۱۹

(۲) روایت ۲۰

(۳) روایت ۲۱

(۴) روایت ۲۲

روزه از بین برود. به این حدیث توجه کنید:

امام صادق علیه السلام فرمود برای کسی که معصیت امام کند روزه (مورد قبول) نیست و برای بنده‌ای که از مولایش فرار کند تا هنگامی که باز نگشته روزه نیست و برای زنی که مخالفت شوهر کرده تا زمانی که توبه نکند روزه نیست و برای فرزندی که عاق پدر و مادر شده تا زمانی که به آنها نیکی نکند روزه نیست.^۱

به حسب ظاهر تنها جمله نخست این حدیث، رابطه روزه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان می‌دهد، اما به حسب دقت روشن می‌شود که حتی عدم قبولی روزه بنده فراری و فرزند عاق شده نیز مرتبط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

زیرا همه مؤمنین فرزندان امام زمانشان هستند و با رنجاندن دل امام زمانشان ممکن است عاق حضرت گردند و همچنین همه بندگان خداوند در واقع غلامان امام زمان هستند و با پشت کردن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بنده فراری شمرده می‌شوند و....

در بخشی از روایت ۲۵ از قول پیامبر صلی الله علیه و آله این چنین آمده است:
به علی فرمان دادم که جار زند آگاه باشید هر کس که اجیری را

ستم کند و مزدش را ندهد، پس لعنت خدا بر او باد.
و خداوند (در این باره) می‌فرماید: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ^۱ (بگو: به ازای آن [یعنی رسالت] پاداشی از شما
خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان) پس کسی که
به ما ستم کند لعنت خدا بر او باد...
به علی فرمان دادم که جارزند آگاه باشید هر کس که پدر و
مادرش را دشنام دهد، پس لعنت خدا بر او باد.
و من خدا و شما را شاهد می‌گیرم که من و علی دو پدر این
امت هستیم، پس کسی که یکی از ما را دشنام دهد، لعنت خدا
بر او باد.

متن کامل این روایت و توضیح بیشتر آن در سرفصل بعدی خواهد
آمد.

با این دید روشن می‌شود که روزه رابطه‌ای عمیق و گسترده با
اطاعت و رضای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ دارد.

رابطه دعا و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ

یکی از اموری که همیشه، به ویژه در ماه مبارک رمضان، مورد

سفارش قرار گرفته، دعا کردن است.

پیداست که موضوعات فراوانی برای دعا، چه در ماه مبارک رمضان و چه در غیر ماه رمضان وجود دارد و در روایات نیز مطرح شده است.

اما در میان همه این موضوعات، دعای برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شکل برجسته‌ای مطرح شده است. ناگفته پیداست که چنین دعایی نیز از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار است.

مطرح شدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ادعیه، در سه سطح صریح، غیر صریح و عمیق اتفاق افتاده است.

سطح نخست، دعای صریح برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همچنان که در برخی از فقرات ادعیه و از جمله دعای افتتاح ماه رمضان مشاهده می‌کنیم.

سطح دوم دعاهاایی است که استجابات واقعی آنها بدون ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ناشدنی است.

از جمله یکی از تعقیباتی که در ماه رمضان وارد شده دعای زیر است:

خداوندا خوشحالی را بر اهل قبور وارد کن. خداوندا همه فقرا را
بی‌نیاز ساز. خداوندا همه گرسنگان را سیر گردان. خداوندا همه

برهنگان را بپوشان. خداوندا قرض همه بدهکاران را ادا فرما. خداوندا در گره همه غصه‌داران گشایش فرما. خداوندا همه غریبان را به وطن بازگردان. خداوندا همه اسیران را آزاد کن. خداوندا همه فسادها از امور مسلمانان را اصلاح نما. خداوندا همه مریض‌ها را شفا بخش. خداوندا فقر ما را با بی‌نیازی خودت برطرف ساز. خداوندا بد حالی ما را به خوبی حال خودت تغییر ده. خداوندا قرض ما را ادا فرما و ما را از فقر بی‌نیاز ساز. واقعا که تو بر هر چیزی توانایی^۱.

این دعا در نگاه نخست ربطی به امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ندارد. اما پیداست که بی‌نیازی همه نیازمندان و سیری همه گرسنگان و... جز در دوران ظهور اتفاق نخواهد افتاد. همچنین اصلاح تمامی امور مسلمین نیز منحصر به دوران ظهور است.

لذا روح این گونه دعاها، دعای برای ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف است. درنگ در حدیث زیر، افق گسترده‌ای برای دعای غیر صریح (و از جمله دعای برای امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) می‌گشاید. توجه کنید:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمان داد که

بیرون روم و در میان مردم (این چنین) جار زنم:
آگاه باشید هر کس که اجیری را ستم کند و مزدش را ندهد، پس
لعنت خدا بر او باد.

آگاه باشید هر کس که ولایت غیر موالی (و اربابان) خودش را
داشته باشد، پس لعنت خدا بر او باد.

آگاه باشید هر کس که پدر و مادرش را دشنام دهد، پس لعنت
خدا بر او باد.

بیرون رفتم و همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده بود این مطالب
را در میان مردم جار زدم.

عمر بن خطاب به من گفت آیا برای آن چه جار زدی، تفسیری
هم هست؟ گفتم خدا و رسولش آگاه تر هستند.

(برای همین) عمر و گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله برخاستند و بر
پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدند و عمر به آن حضرت گفت ای رسول
خدا صلی الله علیه و آله آیا برای آن چه که علی جار زد تفسیری هست؟

حضرت فرمود آری، به علی فرمان دادم که جار زند آگاه باشید
هر کس که اجیری را ستم کند و مزدش را ندهد، پس لعنت خدا
بر او باد.

و خداوند (در این باره) می فرماید: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا

الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ (بگو: به ازای آن [یعنی رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان) پس کسی که به ما ستم کند لعنت خدا بر او باد.

به علی فرمان دادم که جار زند آگاه باشید هر کس که ولایت غیر موالی (و اربابان) خودش را داشته باشد، پس لعنت خدا بر او باد.

و خداوند (در این باره) می‌فرماید: النَّبِيُّ أَوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ^۲ (پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است) و کسی که من مولای او هستم پس علی (هم) مولای اوست، پس کسی که ولایت غیر علی را داشته باشد لعنت خدا بر او باد.

به علی فرمان دادم که جار زند آگاه باشید هر کس که پدر و مادرش را دشنام دهد، پس لعنت خدا بر او باد.

و من خدا و شما را شاهد می‌گیرم که من و علی دو پدر این امت هستیم، پس کسی که یکی از ما را دشنام دهد، لعنت خدا بر او باد.

هنگامی که مردم از نزد پیامبر ﷺ بیرون آمدند، عمر گفت ای

(۱) شوری/۲۳

(۲) احزاب/۶

اصحاب محمد، پیامبر، نه در غدیر خم و نه در غیر آن، درباره ولایت علی شدیدتر از امروز تأکید نکرده است.

خباب بن ارت (راوی جریان) گفت این حدیث نوزده روز پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد.^۱

از شیوهی بیانی این روایت استفاده می‌شود که روح بسیاری از احکام، به ولایت اهل البیت علیهم السلام باز می‌گردد.

بر همین اساس است که مغز دعا‌های بسیاری که به ظاهر درباره موضوعات مختلف است، در واقع دعای برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. با این نگرش درمی‌یابیم در همه ادعیه، و از جمله ادعیه ماه رمضان، دعای غیر صریح برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شکل بسیار گسترده‌ای مطرح شده است.

از جمله با بررسی دعای افتتاح می‌یابیم که حدود ۱۷٪ از این دعا، دعای صریح برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اما اگر دعا‌های غیر صریح را هم به آنها بیفزاییم، نسبت آن به حدود ۳۱٪ می‌رسد. یعنی در واقع حدود یک سوم از دعای افتتاح مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.^۲

(۱) روایت ۲۵

(۲) دعای افتتاح حدود ۱۱۱۰ کلمه غیر متصل دارد. کلمات صریحی که مربوط به علیه السلام

با توضیحاتی که داده شد، روشن شد که رابطه دعا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در ماه رمضان بسیار گسترده و برجسته است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود حدود ۱۹۰ کلمه است. اما با احتساب دعا‌های غیر صریح مجموع کلماتی که مرتبط با حضرت است به حدود ۳۴۵ کلمه می رسد.

از جمله عبارتهای غیر صریح دعای افتتاح، جملات زیر است:

الحمد لله الذي يؤمن الخائفين و ينجي الصادقين و يرفع المستضعفين و يضع المتكبرين و يهلك ملوكا و يستخلف آخرين و الحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين... اللهم المم به شعنتنا و اشعب به صدعنا و ارتق به فتقنا و كثر به قلتنا و أعزز به ذلتنا و أغن به عائلنا و اقض به عن مغرنا و اجبر به فقرنا و سد به خلتنا و يسر به عسرنا و بيبض به وجوهنا و فك به أسرنا و أنجح به طلبتنا و أنجز به مواعيدنا و استجب به دعوتنا و أعطنا به سؤلنا و بلغنا به من الدنيا و الآخرة آمالنا و أعطنا به فوق رغبتنا يا خير المسئولين و أوسع المعطين اشف به صدورنا و اذهب به غيظ قلوبنا و اهدنا به لما اختلف فيه من الحق بإذنك إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم و انصرنا به على عدوك و عدونا إله الحق آمين....

پیداست که امنیت کامل و برطرف شدن ترس از ظالمین، نجات صادقین، غلبه مستضعفین، مغلوبیت متکبرین و... جز با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق نمی شود.

البته روشن است که جایگاه بلند دعا، از امور مسلم دین است که خرد نیز آن را پشتیبانی می‌کند.

پیداست که اهمیت دعا شامل همه موارد می‌گردد و هرگز اختصاص به مورد خاصی ندارد.

اما زمان و مکان و نیز حالات و شرایط دعا کننده و... نقش فوق العاده‌ای در کیفیت استجابت دعا دارد.

در ادامه از چند زاویه متفاوت به دعای برای امام زمان علیه السلام می‌نگریم تا بیشتر به اهمیت دعا برای امام زمان علیه السلام آگاه گردیم.

دعای ما و تحیت برتر امام زمان علیه السلام

در بخش «تحیت برتر»^۱ آمده است که اولیای الهی همگی در اوج ادب الهی هستند.

یکی از آداب الهی، پاسخ نیکوتر در مقابل تحیت (درود، خوش آمدگویی، ثنا، دعا، ستایش و...) است.

در برخی از روایات آمده است که هر کار نیکویی که برای شخص دیگری انجام می‌شود، مصداق تحیت به او است.

(۱) برای مطالعه این بخش به پیوست ۱ مراجعه کنید.

بر اساس همین ادب الهی، پاسخ اولیای الهی در مقابل تحیت دیگران بسیار شگفت‌انگیز است.

انس می‌گوید نزد امام حسین علیه السلام بودم. کنیزی بر حضرت وارد شد در که حالی شاخه گلی دستش بود پس آن را به عنوان احترام و خوشامدگویی به امام حسین علیه السلام داد. حضرت به او فرمود تو برای خدا آزادی (و او را از کنیزی آزاد ساخت. انس می‌گوید با تعجب) به حضرت عرض کردم این کنیز با یک شاخه گلی که ارزشی ندارد به شما احترام کرد، شما او را آزاد کردی؟! فرمود این چنین خداوند تعالی ما را مؤدب ساخته است و فرموده است: **وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ...**^۱

پس از این مقدمه درباره ادب تحیت گفتن، سراغ دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رویم.

پیدا است که اگر مؤمنی که برای او دعا می‌کنیم یا عملی را به نیابت از او انجام می‌دهیم، خود مؤدب به ادب الهی در آیهی «إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا»^۲ باشد، پاسخی به مراتب بهتر

(۱) روایت ۱۰۶

(۲) و هنگامی که به شما درود گویند، شما درودی نیکوتر از آن، یا همانندش را

پاسخ دهید؛ یقیناً خدا همواره بر همه چیز حسابرس است. نساء/۸۶

خواهد داد.

اگر این مؤمن، برترین مؤمنان، یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، که در ادب الهی نیز سرآمد همگان است، چه پاسخی به دعا کننده خواهد داد؟!!

مسلم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها از تقصیر در ادب به دور است، بلکه در اوج ادب الهی است.

بنا بر این اگر ما برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا کنیم، او بهتر و برتر و بیشتر برای ما دعا خواهد کرد.

لذا بسیار شایسته است که همیشه، به خصوص در زمان های مناسب دعا، مانند ماه مبارک رمضان، اول برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا نماییم.

دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ما، آن هم در ماه رمضان موجب می شود که بزرگترین بهره را از ماه رمضان ببریم.

دعای ما آینه نگاه امام زمان علیه السلام

در بخش «ذکر و دعای ما، آینه نگاه رب الارباب»^۱ آمده است که

(۱) برای مطالعه این بخش به پیوست ۲ مراجعه کنید.

بسیاری از توفیقات ما، ریشه در جایی دارد که ما از آن بی خبریم. از دیگر روایات برمی آید که در یاد خدا نیز ما آغازگر نیستیم، بلکه پیش از این که ما خدا را یاد کنیم او به ما نگریسته و از ما یاد کرده است.

شگفت آور این است که یاد و دعای ما برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ریشه در نگاه و عنایت پیش دستانه آن حضرت دارد.

لذا اگر ما از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کنیم و برای او دعا کنیم، یاد و دعای ما، نشان از این دارد که نگاه کریمانه او بر ما افتاده و دل ما را زنده کرده است که ما به آن حضرت توجه پیدا کرده و او را یاد نموده و به او دعا گفته ایم.

این رحمت و کرم از صاحب کرمی است که به هیچ بهایی نتوان آن را قیمت گذاری نمود.

اگر ما موفق به دعای برای او شدیم، در واقع دعای ما آینه ای است از رحمت پیش دستانه آن کریم و یاد ما نشانه ای است از بنده نوازی آن شاه.

کدامین نعمت الهی به پای این نعمت می رسد و کدامین توفیق خداوندی بالاتر از این توفیق است که پدر امت، و پادشاه آفرینش، کوچکترین بنده و غلامش را مورد تفقد قرار داده و با نگاهی از او

دلجویی کند؟!

لذا یاد و دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به حسب ظاهر، مصداق خدمت رعیت به اربابش است.

اما در باطن، یاد و دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصداق رحمت و کرم و آقایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به بندگانش است.

پس چه نیکوست در همه زمان‌ها، به خصوص زمان‌هایی چون ماه مبارک رمضان، بیشتر خود را در معرض این لطف کریمانه قرار دهیم.

دعای پشت سر امام زمان علیه السلام

در بخش «ارزش شگفت دعای پشت سر برای مؤمن»^۱ آمده است که دعای پشت سر برای برادر مؤمن، آثار و ویژگی‌های شگفتی دارد. در برخی از روایات آمده است که در دعا برای غیر، صد هزار برابر برای دعاکننده مستجاب می‌شود.

در برخی دیگر از روایات آمده است که در دعا برای غیر، سه میلیون و هشتصد هزار برابر برای دعاکننده مستجاب می‌شود! علاوه بر این که دعای برای غیر، استجابتش برای خود دعاکننده

(۱) برای مطالعه این بخش به پیوست ۳ مراجعه کنید.

ضمانت شده است، خداوند دعای در پشت سر مؤمن را، بیشتر و سریع‌تر برای خود دعاکننده مستجاب می‌کند.

ویژگی‌های یاد شده در ارتباط با دعای پشت سر هر مؤمنی است. حالا اگر مؤمنی که پشت سرش دعا می‌کنیم بقیه الله الاعظم باشد، تنها خدا می‌داند که چگونه برای دعاکننده مستجاب می‌گردد! با درنگ شایسته در مطالب یاد شده روشن می‌شود که باید در یاد و دعای برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر همت کنیم. و شایسته‌تر این که از فرصت‌های استثنایی همچون ماه مبارک رمضان، نهایت استفاده را در دعای برای حضرت داشته باشیم.

ارزش نیابت و شراکت با امام زمان علیه السلام

در بخش «نیابت و شراکت در طاعات»^۱ آمده است که اگر مؤمنین را در عمل شریک کنی برای تمامی افرادی که آنان را در عمل خودت شریک می‌کنی، ثواب کامل نوشته می‌شود. و اگر عملی به نیابت از مؤمنی انجام دهد، هیچ گاه اجر عامل را کم نمی‌کند، بلکه همیشه اجر بالاتر به خود عامل داده می‌شود.

(۱) برای مطالعه این بخش به پیوست ۴ مراجعه کنید.

علاوه بر این اگر کسی عملی به نیابت از همه مؤمنین انجام دهد، به مقتضای برخی از روایات برای تک تک مؤمنین پاداش کامل نوشته می شود و در عین حال پاداش نیابت کننده بیشتر از بقیه است.

حالا اگر کسی امام زمانش را شریک در اعمالش کند و با این شراکت، قصد صله رحم با پدر معنوی خودش، پیامبر صلی الله علیه و آله را داشته باشد، ثواب صله رحم با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بر ثواب عمل خودش افزوده می گردد.

چه خوب است در زمان ها و مکان های ویژه عبادت، مانند ماه مبارک رمضان، امام زمان مان را در کارهای خیرمان شریک کنیم و یا این که اعمال خیر را از جانب آن حضرت انجام دهیم!

استغفار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه رمضان برای ما

ماه رمضان، ویژگی های فراوانی دارد. یکی از ویژگی های مهم این ماه، مغفرت و غفران گناهان در این ماه است. لذا سفارش فراوان به توبه و استغفار در این ماه شده است.

به یک روایت بسیار جالب درباره تعداد افرادی که در این ماه رهایی از آتش جهنم پیدا می کنند توجه کنید:

واقعا که در هر روز از ماه رمضان هنگام افطار، برای خداوند

تبارک و تعالی هزار هزار (یک میلیون) نفر آزاده شده از آتش دوزخ است.

و روز جمعه در هر ساعتی از آن روز، برای خداوند، هزار هزار آزاد شده از آتش دوزخ است، که همه آنها مستحق عذاب الهی هستند.

آن هنگام که آخر ماه رمضان شود، به تعداد تمامی افرادی که از اول ماه تا آخر ماه، خداوند آنان را از آتش دوزخ آزاد کرده، به همان تعداد در این روز از آتش دوزخ آزاد می‌کند...^۱

این ویژگی ماه مبارک رمضان اقتضا می‌کند که انسان، همت بیشتری در استغفار و طلب بخشش از خداوند داشته باشد.

بهترین راه طلب مغفرت، این است که کاری کنیم امام زمان مان برای ما استغفار نماید. چرا که استغفار او قطعا مورد اجابت قرار می‌گیرد.

يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ.^۲

ای پدر ما، برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بودیم.

چه کاری بهتر از این که برای امام زمان مان دعا کنیم و فرج آن

(۱) روایت ۲۶

(۲) یوسف/۹۷

حضرت را از خداوند مسئلت نماییم.

اگر همت ما در ماه مبارک رمضان دعای برای ظهور حضرتش باشد، آیا می‌شود که آن پدر مهربان برای ما دعا نکند و از خداوند طلب مغفرت ننماید؟! هرگز!

هدیه ختم قرآن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه رمضان

پیش از این گذشت که هدیه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یا نیابت از آن حضرت، چه برکات فوق العاده‌ای دارد. یکی از کارهایی که در ماه مبارک رمضان بر آن تأکید فراوان شده، قرائت قرآن است.

حالا اگر همین قرائت قرآن، آن هم در ماه رمضان، هدیه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گردد، تنها خدا می‌داند که چه ارزشی پیدا می‌کند. به یک روایت در این زمینه توجه کنید:

علی بن مغیره گفت به امام کاظم علیه السلام گفتم: پدرم از جدّت [امام باقر علیه السلام] سؤال کرد از [حکم] ختم کردن قرآن، در هر شب؛ جدّت از او پرسید «ختم قرآن در هر شب؟» پدرم به جدّت گفته بود: [ختم قرآن در هر شب] در ماه مبارک رمضان. جدّت از پدرم

پرسید: «در ماه مبارك رمضان؟» پدرم به جدّت گفته بود که: آری، تا وقتی که بتوانم.

[برنامه] پدرم این بود که در ماه مبارك رمضان، قرآن را چهل مرتبه ختم می‌کرد، و من بعد از پدرم [مانند او قرآن] را ختم کردم. بسا بوده بیشتر از چهل ختم کردم، و بسا بوده که کمتر از چهل ختم کرده‌ام، به اندازه فراغت و کار و نشاط و کسالت‌م ختم قرآن کرده‌ام.

پس چون روز عید فطر شده، يك ختم را از برای رسول خدا ﷺ قرار دادم، و ختم دیگری را از برای علی علیه السلام، و دیگری را از برای حضرت فاطمه علیها السلام بعد از آن، برای [بقیه] امامان علیهم السلام، تا آن که به شما رسیدم. پس يك ختم را از برای شما قرار دادم.

از آن زمان که در این حال گردیدم [و برنامه‌ام این بود، پیوسته چنین کرده‌ام]؛ چه ثوابی برای من به خاطر این برنامه است؟ حضرت فرمود که: «از برایت به این عمل، آن است که در روز قیامت، با ایشان باشی». [از تعجب] گفتم: الله اکبر! از برای من به این عمل، چنین ثوابی خواهد بود؟! حضرت سه مرتبه فرمود: «آری».^۱

آیه الله العظمی وحید خراسانی دام ظلّه در رابطه با برخی از شگفتی‌های هدیه قرائت قرآن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده‌اند:

هر ماه یک ختم قرآن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشید، شب قدر که دفتر عملت را نزد آن سلیمان عالم وجود ـ که تمام آنچه ۱۲۴ هزار پیغمبر از مناقب داشتند، همه در وجود اوست ـ می‌برند؛ وقتی نگاه می‌کند که در یک سال، هر ماه برای او قرآن ختم کردی، خدا می‌داند با تو جوان چه خواهد کرد؟

این هاست که از دست ما رفته. این گوهرهاست که عمر گذشته است و ما نفهمیدیم. ختم قرآن، آن هم فقط به قصد و نیت هدیه برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قطب دائره‌ی امکان؛ آن کسی که «ییمنه رزق الورا و بوجوده ثبتت الأرض و السماء» است.

...

به دیگران هم سفارش کنید، نماز صبح را که خواندید، یازده بار سوره «قل هو الله احد» را بخوانید، وقت خواب هم یازده بار این سوره را بخوانید، بین روز هم که بیکارید، راه می‌روید، این سوره را بخوانید، شما جوانها از حالا شروع کنید، بعد روحتان می‌شود اکسیر احمر، یک روز می‌بینی شب شده، صد تا سوره «قل هو الله احد» خواندی، آن وقت این صد تا سوره چه می‌کند؟

اولاً: به حکم روایات متعدده هم از طرق عامه، هم از طرق

خاصه، قرائت یک سوره «قل هو الله احد» ثلث تورات، ثلث انجیل، ثلث زبور، ثلث قرآن، حساب می شود، آن وقت سه سوره که خواندی، خدا به رحمت و اسعهاش اجر تورات و انجیل و زبور و قرآن را به تو می دهد، این سوره را بخوانید، شروع کنید از امروز، همه را هم هدیه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کنید، آن هدیه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اثرش این است، که این سوره دیگر رد نمی شود.^۱

در این بخش برخی از احکام و اعمال مرتبط با امام زمان علیه السلام در ماه رمضان را بیان کردیم. اما پیدا است که اعمال مرتبط با حضرت بیشتر از این مقدار است.

اوج پاکی در ماه رمضان، برائت از دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از اهداف بلند دین، پاکی از همه آلودگی هایی است که مانع ترقی و تعالی انسان است.

اصلاً رشد انسانیت بدون ریشه کن ساختن آلودگی ها ناشدنی است. لذا پاکی و پاکیزگی در رتبه مقدم بر تعالی و رشد قرار دارد.

(۱) سایت رسمی دفتر حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی دام ظلّه

از آن جایی که ماه مبارک رمضان ماه ضیافت الهی است، پاکی از آلودگی‌ها در این ماه اهمیت فوق العاده‌ای دارد.

توضیح این که در احادیث متعدد بیان شده است که روزه، تنها نخوردن و نیاشامیدن نیست، بلکه روزه‌ی تمام و کامل، شرایط فراوانی دارد.

در حدیث جالبی از امام صادق علیه السلام برای تمامیت روزه ۵۸ شرط بیان شده است.^۱

بخش مهمی از شرایط تمامیت روزه، به پاکی و پاکیزگی مربوط است. در لابلای شرایط تمامیت روزه در روایت یاد شده چنین آمده است:

فإذا صمتم فاحفظوا ألسنتكم عن الكذب...

پس هنگامی که روزه گرفتید زبانتان را از دروغ حفظ کنید...

قد طهرت القلب من العیوب...

در حالی که قلب از عیبها پاک شده...

و تقدست سرائرکم من الخیث...

و (باطنی) پنهان‌تان از پلیدی پیراسته گردیده...

ونظفت الجسم من القاذورات...

و جسم (ظاهر) از آلودگی‌ها تمیز باشد...

وتبرأت إلى الله من عداة...

و (با رو آوردن) به سوی خدا از غیر خدا برائت جسته...

و والیت الله في صومك بالصمت من جميع الجهات مما قد نهاك

الله عنه في السرو العلانية...

و در روزهای ولایت خدا را داشته باشی به سبب صمت (و

خودداری کامل) در پنهان و آشکار، از همه جهات (و اموری) که

خداوند از آن نهی کرده است...

در این بخش از روایت به ابعاد مختلف پاکی از پلیدی‌ها اشاره

رفته است. از پلیدی‌های روح گرفته تا پلیدی‌های جسم، از

پلیدی‌های آشکار تا پلیدی‌های پنهان، از پلیدی‌های درونی تا

پلیدی‌های برونی و در یک جمله پاکی از همه پلیدی‌های پنهان و

آشکاری که خداوند از آن نهی کرده است.

یکی از پاکی‌هایی که بسیار جالب توجه است برائت از غیر

خداست (وتبرأت إلى الله من عداة).

برائت، به معنی دوری، بیزاری، رهایی از بدی، بهبودی از بیماری

و... آمده است.

تعبیر برائت از غیر خدا در واقع مقدمه است برای رو آوردن به خدا

و داخل شدن در ولایت او و اولیای او.

با توجه به کاربردهای برائت، تعبیر «و تبرأت إلى الله من عداة» دریایی از معارف را برای نکته سنجان می‌گشاید.

از جمله این که ولایت دشمنان خدا، تنها حرام تشریعی نیست، بلکه کوچکترین ارتباط با دشمنان خداوند، موجب پلیدی تکوینی در ذات انسان می‌گردد.

برجسته‌ترین نقطه برائت از غیر خداوند، برائت از دشمنان اولیاء خداوند است. لذا شاه مصداق برائت از غیر خدا، برائت از دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

به اقتضای این روایت، شرط تمامیت روزه، برائت از هر آن چه غیر خدا و به ویژه برائت از دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

انتظار فرج، شرط تمامیت روزه

انتظار فرج و چشم به راه ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن، یکی از تکالیف مهم ماه مبارک رمضان است که مورد غفلت قرار گرفته است. توضیح این که در احادیث متعدد بیان شده است که روزه، تنها نخوردن و نیاشامیدن نیست، بلکه روزه‌ی کامل، شرایط فراوانی دارد. در حدیث جالبی از امام صادق ع برای تمامیت روزه ۵۸ شرط

بیان شده است.

یکی از جالبترین شرایطی که برای تمامیت روزه بیان شده، چشم به راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن (انتظار فرج) است. در لابلای شرایط تمامیت روزه در روایت شماره ۱۹ چنین آمده است:

وكونوا مشرفين على الآخرة...

مشرف بر آخرت باشید (گویا هم اکنون آخرت را می بینید و به زودی وارد آن جهان خواهید شد)...

متنظرين لأيامكم...

چشم به راه روزگاران خودتان باشید...

متنظرين لما وعدكم الله...

چشم به راه فرا رسیدن آنی باشید که خداوند به شما وعده داده است...

متزودين للقاء الله...

برای ملاقات خداوند توشه بردارید.

چشم به راه روزگاران شیعه (انتظار ایام شیعه)، همان چشم به راه ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن است.

همچنین چشم به راه آن چه که خداوند وعده داده، هم، شامل وعده های آخرتی خداوند می شود و هم، شامل وعده های دنیایی

می شود.

از مهم ترین وعده های الهی در دنیا، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. لذا اطلاق این فقره نیز می تواند تأکید بیشتر بر انتظار ظهور باشد. علامه مجلسی نیز در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل می کند، ۳۷ شرط برای تمامیت روزه بیان می فرماید.^۱

از جمله از شرایطی که در این روایت بیان شده عبارت است از:

و کونوا فی انتظار الفرج و ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف ...

چشم به راه فرج و ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و سلم باشید.

انتظار الفرج، یک فریضه عقلی، انسانی و شرعی است و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

در قرآن و روایات نیز تأکید فراوانی بر آن شده است.

ان شاء الله این روایات را جداگانه بررسی می کنیم.

مهم این است که در ماه مبارک رمضان تأکید بیشتری بر این فریضه شده است.

روایاتی که به آن اشاره رفت ناظر بر این است که انتظار فرج یکی از شرایط تمامیت روزه است.

متأسفانه این شرط تمامیت روزه، مورد غفلت قرار گرفته و بهای لازم به آن داده نشده است.

ناگفته پیداست کسی که منتظر فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، در دعای برای ظهور حضرت کوتاهی نمی‌کند.

و پیداست که چنین شخصی در زمان‌های مناسب دعا، مانند ماه رمضان پافشاری بیشتری در دعای برای ظهور حضرت دارد.

رابطه شب قدر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ویژگی منحصر به فرد ماه رمضان، «شب قدر» آن است، شبی که بهتر از هزار ماه است، چنین شبی مختص به ماه رمضان است. درک این ویژگی آن گاه هوش ربا می شود که چنین شبی به قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، قائم و برپا می شود.

به سخن دیگر در دوران کنونی اگر قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف نبود، فلسفه شب قدر ماه رمضان هم باطل می گردید.

اشارات روایات به این رابطه، هم فراوان است و هم متنوع.

با هم چند نگاه به این رابطه را مرور می کنیم.

با نگاهی به شگفتی های شب قدر، به پیشواز رابطه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با شب قدر می رویم.

ليلة القدر، شب شگفتی ها

شب قدر آن چنان رازآلود است که درک آن، آن چنان که باید و شاید از ما ساخته نیست.

اما با مرور برخی از سرفصل‌های آن، شاید نمی از این یم را بچشیم.

انسانیت در گرو ایمان به لیلۃ القدر

یکی از شگفت‌ترین مطالب، مقایسه‌ی عجیبی است میان کسی که به شب قدر ایمان آورده و کسی که به شب قدر ایمان نیاورده است.

امام جواد علیه السلام فرمود: اگر مؤمنی حامل (معارف و حقایق سوره) **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** شود، برتری چنین مؤمنی بر کسی که چنین ایمانی نداشته باشد، همانند برتری انسان بر چهارپایان است...^۱

کفر منکر شب قدر

عظمت نقش شب قدر آن چنان بالاست که عدم اقرار و اعتراف نسبت به آن، مساوی با کفر است.

عمر بن زید گفت به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا می‌بینی کسی که به آن چه در شب قدر برای شما می‌آید، اقرار نکند و انکار هم نکند (چه حکمی دارد؟)

حضرت فرمود: اما هنگامی که توسط افراد مورد اعتماد در علم ما، حجت بر او اقامه شد (اما باز هم) اطمینان به آن پیدا نکرد

پس چنین شخصی کافر است....^۱

امام جواد علیه السلام فرمود: البته که خداوند جل ذکره لَیْلَةَ الْقَدْرِ را در اول آفرینش دنیا آفرید و البته که نخستین پیامبر و وصی را، در شب قدر آفرید و به تحقیق خداوند حکم کرد که در هر سالی شبی باشد که در آن شب تفسیر امور (ی را که) تا شب قدر سال آینده (باید انجام شود) نازل می‌کند. کسی که این امر را انکار کند واقعا که علم خداوند عزوجل را بر او رد کرده (و نپذیرفته) است....^۲

علت پنهانی شب قدر

تردیدی نیست که شب قدر برای ائمه علیهم السلام معین است. به سخن صریح‌تر ممکن نیست شب قدر نزد ائمه علیهم السلام معلوم نباشد. امام صلوات الله علیه فرمود: ای ابامهاجر شب قدر بر ما پنهان نمی‌ماند. به راستی که در آن شب فرشتگان بر گرد ما می‌چرخند.^۳

(۱) روایت ۳۰

(۲) روایت ۲۹

(۳) روایت ۳۱ و ۳۲

با این همه، باز هم شب قدر به صراحت معین نشده است. ممکن است این امر دلایل مختلفی داشته باشد. در اینجا به دو بیان از روایات در این زمینه اشاره می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: تقدیر (امور سال) در شب نوزدهم است و ابرام و محکم ساختن آن در شب بیست و یکم است و امضاء و قطعیت آن در شب بیست و سوم است.^۱ در روایت دیگری شب بیست و یکم، شب قضاء و شب بیست و سوم، شب ابرام گفته شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: در شب نوزدهم از ماه رمضان تقدیر است و در شب بیست و یکم قضاء است و در شب بیست و سوم ابرام آن چه است که در این سال تا شب قدر سال آینده اتفاق می‌افتد. (اما) برای خدا است که آن چه می‌خواهد در خلش انجام دهد.^۲

به امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شد به ما از شب قدر خبر ده (که) کدام شب است؟)

حضرت فرمود: من از این که شب قدر را بدانم و علمش را پنهان

(۱) روایت ۳۳

(۲) روایت ۳۴

کنم، (از این حال) بیرون نیستم و (لی) شک هم ندارم که همانا برای در نظر گرفتن (مصلحت خود) شما، خداوند شب قدر را از شما پنهان ساخته است. زیرا اگر شما شب قدر را (دقیقا) بدانید (کدام شب است، تنها) در آن شب (به عبادت خدا) عمل می‌کنید و (عبادت) در غیر آن شب را رها می‌کنید و امید دارم که (برکات) شب قدر از شما نگذرد (و برکات آن را از دست ندهید) ان شاء الله.^۱

بقای شب قدر تا قیامت

شب قدر تا روز قیامت برپاست.

ابوذر گفت به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم ای رسول خدا شب قدر چیزی است که (تنها) در دوران پیامبران است؟ امر (فقط) در شب قدر بر آنان نازل می‌شود و هنگامی که پیامبران از دنیا رفتند شب قدر هم برداشته می‌شود؟

حضرت فرمود: نه (چنین نیست) بلکه شب قدر تا روز قیامت هست.^۲

(۱) روایت ۳۵

(۲) روایت ۳۶

علت برپایی شب قدر تا روز قیامت، رابطه اسرارآمیزی است که میان شب قدر و قرآن وجود دارد. در ادامه به این رابطه اشاره می‌کنیم.

عدم انفکاک لیلة القدر از قرآن

پیش از این گذشت که شب قدر تا قیامت هست. اما آن چه شگفت است علت این امر است که روایات چنین بیان شده است:

داود بن فرق گفت شنیدم که مردی از امام صادق علیه السلام درباره شب قدر پرسید. به امام عرض کرد به من از شب قدر خبر ده که (تنها در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله) بوده است یا (همچنان) در هر سال هست؟

امام صادق علیه السلام به او فرمود: اگر شب قدر برداشته شود البته (این موجب می‌شود) قرآن برداشته شود.^۱

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود: شب قدر تا روز قیامت باقی است. زیرا واقعا چنین است که اگر شب قدر برداشته شود البته که (موجب می‌شود) قرآن برداشته شود.^۲

از این روایات روشن می‌شود که رابطه عمیقی میان شب قدر و قرآن

(۱) روایت ۳۷

(۲) روایت ۳۸

وجود دارد که بقای قرآن مستلزم بقای شب قدر است.
این رابطه چیست؟

سوره قدر، از مسائل بزرگ دین است

شب قدر در سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** مطرح شده است. اهمیت این سوره آن اندازه است که از آن با تعبیر آقا و بزرگ مسائل دین یاد شده است. در بخشی از روایت مفصلی که پس از این می‌آید چنین نقل شده است:

سوگند به خدا که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** پس از (رحلت) رسول خدا صلی الله علیه و آله، واقعا و اکیدا حجت خداوند تبارک و تعالی بر خلق است و آن سوره البته که آقا (و بزرگ مسایل) دین شما است و آن غایت (و اوج) علم ما (اهل البیت) است.^۱

پس از اشاره به اندکی از شگفتی‌های شب قدر، نگاهی به تفسیرهای متفاوتی که در روایات از شب قدر شده است می‌افکنیم. اما پیش از هر چیزی توجه به دو نکته ضروری است.

نکته نخست این که طبقه‌بندی ارایه شده در تفسیر شب قدر، با صرف نظر از تنزیل و تأویل سوره قدر است. لذا ممکن است برخی از

روایات بیان تنزیل شب قدر باشد و برخی دیگر بیان تأویل آن. نکته دوم هم این که هدف از طبقه‌بندی، تفکیک روایات برای تمرکز بیشتر بر بیانات متفاوت است. اما ممکن است همه این روایات در واقع بیان یک امر باشند و نه چند امر متفاوت.

تفسیر اول از شب قدر (شب ماه رمضان)

تفسیر نخست شب قدر که مطابق با ظاهر قرآن است و روایاتی بسیار فراوانی هم در آن وارد شده است، این است که شب قدر، یکی از شبهای ماه مبارک رمضان است. اما شبی است که از میان همه شبها برگزیده شده و عمل در آن برتر از عمل در هزار شب عادی است.

رسول خدا ﷺ فرمود: به راستی که خداوند از روزها روز جمعه و

از ماه‌ها ماه رمضان و از شبها شب قدر را برگزید.^۱

نکته‌ای که توجه به آن شایسته است این است که روز جمعه در طول سال تکرار می‌شود، اما شب قدر تک است و همتایی ندارد. اینک باید دید در یکتا شب قدر، چه مراسمی برگزار می‌گردد.

در آغاز به خود قرآن نگاه می افکنیم.

شب قدر در قرآن

به شب قدر در دو جای قرآن اشاره شده است: سوره قدر و آیه ۳ تا ۶ از سوره دخان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا
لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ
فِيهَا يَأْذِنُ رَبَّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ.

به نام خداوند رحمتگر مهربان ۱- ما [مُنزل] ۲- (قرآن را) [مُنزل]
۳- در شب قدر [ظرف نزول] ۴- نازل کردیم [حادثه]، ۵- و از
شب قدر، چه آگاهت کرد [عظمت، ویژگی یکم ظرف نزول]، ۶-
شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است [ارزش، ویژگی دوم ظرف
نزول]، ۷- در آن (شب) فرشتگان، با روح [مباشران مراسم]، ۸-
به فرمان پروردگارشان [متصدی اصلی]، ۹- برای هر کاری (که
برای سال مقرر شده است) فرود آیند [موضوع برنامه]؛ ۱۰- (آن
شب) تا دم صُبح [انتهای ظرف نزول]، ۱۱- صلح و سلام است
[سلامت، ویژگی سوم ظرف نزول].

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ
مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أَمْرًا مِنْ

عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.^۱
 به نام خداوند رحمتگر مهربان حاء، میم. سوگند به کتاب
 روشنگر، (که) ۱- ما [مُنْزِل] ۲- آن را [مُنْزِل] ۳- در شبی [ظرف
 نزول] ۴- مبارک [برکت، ویژگی چهارم ظرف نزول] ۵- نازل
 کردیم [حادثه]، (زیرا) که ما هشداردهنده بودیم. ۶- در آن
 (شب) هر (گونه) کاری [موضوع برنامه] ۷- (به نحوی) استوار
 فیصله می‌یابد. [کیفیت اجرا] ۸- (این) کاری است (که) از
 جانب ما (صورت می‌گیرد) [متصدی اصلی]. ۹- ما فرستنده (ی
 فرستاده‌شدگان) بودیم. ۱۰- (و این) رحمتی از پروردگار توست،
 که او شنوای داناست. [غایت یا عصاره برنامه]

طبقه‌بندی نکات قرآنی شب قدر

در سرفصل پیش آیات قرآن درباره شب قدر گذشت و برخی از
 نکات آن تفکیک گردید.

اینک همان نکات قرآنی را طبقه‌بندی می‌کنیم:

- ۱) خداوند، متصدی اصلی برنامه: الف- إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
 ب- إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ ج- أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

- ۲) خداوند، ناظر برنامه: **يَاذُنِ رَبِّهِمْ**
- ۳) مباشران اجرایی: **تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا**
- ۴) ظرف مراسم (یا ظرف نزول یا هر دو): الف- **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**- **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ**
- ۵) ویژگی های ظرف مراسم:
 - ۵،۱) عظمت: **وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ**
 - ۵،۲) ارزش: **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**
 - ۵،۳) سلامت: **سَلَامٌ هِيَ**
 - ۵،۴) برکت: **فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ**
- ۶) فجر، انتهای مراسم: **حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ**
- ۷) برنامه های شب قدر:
 - ۷،۱) برنامه اول: **إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ**
(۷،۱،۱) تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ
(۷،۱،۲) وَالرُّوحُ
 - ۷،۲) برنامه دوم قلب مراسم، حادثه ی انزال: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**
 - ۷،۲،۱) خداوند، فاعل حادثه: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**
 - ۷،۲،۲) قرآن، متعلق انزال: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**
 - ۷،۲،۳) کسی که قرآن بر او نازل می شود

کیفیت انزال قرآن (۷،۲،۴)

(۷،۳) موضوع برنامه: الف- مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ب- فِيهَا يُعْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

(۷،۴) کیفیت اجرای برنامه، كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

(۷،۵) عصاره و یا غایت برنامه: رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

طبقه‌بندی که گذشت هر چند ناقص بود اما برای درک آیات یاد شده سودمند است.

برخی از مراسم شب قدر

در روایات متعدد به مراسم شب قدر اشاره رفته است. از جمله:

(امام جواد علیه السلام به سائل فرمود:) این مطلب را از من بفهم که هیچ روز و شبی نیست جز این که تمام جنیان و شیاطین، امامان گمراهی را زیارت می‌کنند و به همین عدد نیز فرشتگان، امام هدایت را زیارت می‌کنند.

تا این که شب قدر آید. پس در آن شب (عده‌ای) از فرشتگان به سوی ولی امر فرود آیند، خداوند به همان تعداد از شیاطین می‌آفریند یا برمی‌انگیزاند. سپس این شیاطین، ولی گمراهی را زیارت کرده و بهتان و دروغ برای او می‌آورند. تا این که شاید صبح کند و بگویند چنین و چنان (از امور غیبی) دیدم.

(در حالی که) اگر ولی گمراهی از ولی امر از این امور بپرسد، البته که خواهد گفت شیطانی دیدی که چنین و چنان به تو خبر داد، تا این که ولی امر برای ولی گمراهی، (امور یاد شده را) به خوبی تفسیر می کند و به ولی گمراهی خبر خواهد داد که بر چه گمراهی است.

به خدا سوگند، به راستی کسی که شب قدر را بپذیرد، البته می داند که این شب مختص به ما است، به دلیل سخن رسول خدا ﷺ در زمانی که مرگش نزدیک شد، برای (اعلام جایگاه) علی علیه السلام فرمود این ولی شما پس از من است، پس اگر از او فرمان بردید هدایت خواهید یافت.

و لکن کسی که به آن چه در شب قدر (اتفاق می افتد) ایمان نیاورد، (در واقع) منکر (دین) است.

و (لذا) از مخالفین ما کسی که به شب قدر ایمان بیاورد در (مقام) راستگویی، چاره ای ندارد که بگوید شب قدر برای ما اهل بیت علیهم السلام است و کسی که چنین چیزی را اقرار نکند واقعا که دروغگو است.

چرا که خداوند عزوجل بزرگتر از این است که «امر» را همراه روح و فرشتگان، به کافر فاسقی نازل کند.

و اگر بگوید (در شب قدر) به (هر) خلیفه ای (که او) بر زمین

(حکومت می‌کند امر را) نازل می‌کند، پس این سخن، چیزی (که قابل اعتنا و پاسخگویی باشد) نیست.

و اگر بگویند «امر»، همراه با روح به کسی نازل نمی‌شود (اشکالش این است که) محال است انزال چیز (موجودی را بر غیر چیز (و امر معدوم)، (زیرا محال است انزال بدون مُنْزَلُ الیه باشد).

و اگر بگویند که (از ناچاری) به زودی چنین خواهند گفت، شب قدر چیزی نیست (و واقعیت ندارد) به راستی که گمراهی عمیقی پیدا کرده‌اند.^۱

شب قدر و غاصبین

یکی از ویژگی‌های شب قدر، وحشت سران سقیفه در شب قدر است.

امام صادق علیه السلام گفت که علی بن ابی طالب علیه السلام، زیاد (این جریان را نقل) می‌فرمود که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، همراه ابوبکر و عمر بودم و پیامبر صلی الله علیه و آله (با حالتی خاص) می‌گفت إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و (در هنگام تلاوت این آیات) خشوع می‌کرد و

می گریست.

ابوبکر و عمر می گفتند چقدر رقت قلب شما به (سبب قرائت) این سوره زیاد است! حضرت به آن دو می فرمود همانا رقت کردم به خاطر آن چه دو چشم من دید و قلبم فراگرفت و به خاطر آن چه قلب این، یعنی علی، پس از من دید. آن دو گفتند آیا (در شب قدر چیز خاصی) دیدی و چیست آنچه (علی) می بیند؟ پس پیامبر صلی الله علیه و آله به این ترتیب (ادامه سوره را) تلاوت می فرمود
تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ.

سپس می فرمود آیا پس از این سخن خداوند «كُلِّ أَمْرٍ» چیزی باقی مانده است؟! آن دو می گویند نه.

حضرت می فرماید آیا می دانید چه کسی است آن که «امر» به سوی او نازل می شود؟ می گویند ای رسول خدا، نه، سوگند به خدا.

حضرت می فرماید بله (چنین است و شما نمی دانید) پس آیا می دانید که پس از من شب قدر هست؟ می گویند آری.
حضرت گفت آیا «امر»، در شب قدر نازل می شود؟ می گویند آری.

سپس حضرت می فرماید به سوی چه کسی (نازل می شود)؟

می‌گویند نمی‌دانیم.

سپس حضرت سر مرا می‌گیرد و می‌فرماید اگر نمی‌دانید (پس بدانید که) این علی علیه السلام همانی است که پس از من (امر به او نازل می‌شود).

(در انتها) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود واقعا که این دو پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، از شدت وحشتی که در شب قدر بر قلبشان وارد می‌شد، به وحشت می‌افتادند.^۱

در پایان تفسیر نخست از شب قدر، شایسته است نگاهی به لایه‌های عمیق‌تر شب قدر بیفکنیم.

لایه‌های عمیق‌تر شب قدر

پیدا است که معارف شب قدر آن چنان بلند است که اوج خرد به کفِ آن نمی‌رسد. نیل به نخستین پله‌ی این معارف، بدون امداد و حیانی ناشدنی است.

با اندک آشنایی با منابع و حیانی، روشن می‌شود شب قدر، عمقی دارد که هر خردی توانایی غواصی در این منابع را ندارد.

اما به دلیل این که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ امر به درایت کرده اند، هر چه در فهم این منابع بیشتر تلاش شود شایسته تر است.
در این راستا بر چند محور درنگ می کنیم.

در شب قدر «امر» بر چه کسی نازل می شود؟

در روایات تصریح شده است که یکی از ارکان «نزل امر» در شب قدر، «مُنْزَلُ عَلَيْهِ» (کسی که امر بر او نازل می شود) است.

مَمَّنْ وَإِلَى مَنْ وَمَا يَنْزِلُ؟!^۱

نزل از سوی کیست؟! و به سوی کیست؟! و چه چیزی نازل می شود؟!

اما با این همه، پرسشی که هست این است که چرا در آیات شب قدر، به «مُنْزَلُ عَلَيْهِ» تصریحی نشده است؟!

این در حالی است که روایات بر این مسئله تأکید فوق العاده کرده است که نزل «امر»، بدون «مُنْزَلُ عَلَيْهِ» ناشدنی است و جز امام معصوم محال است کس دیگر شایستگی «مُنْزَلُ عَلَيْهِ» بودن را داشته باشد.

و اگر گفتند: در این شب (امر) به کسی نازل نمی شود،

(پاسخش این است که) نمی‌شود این که چیزی به سوی امر معدوم نازل شود (و ذات نزول وابسته به مُنْزَلُ علیه است)...^۱

پس پیامبر ﷺ (به ابوبکر و عمر) می‌فرماید آیا می‌دانید کسی که «امر» به سوی او نازل می‌شود کیست؟

آن می‌گویند سوگند به خدا نه یا رسول الله.

پس پیامبر ﷺ می‌فرماید آری (شما نمی‌دانید اما به من بگویید)

آیا شب قدر پس از من هست؟

آن دو می‌گویند: آری هست.

حضرت فرمود آیا امر در آن شب نازل می‌شود؟

آن دو می‌گویند: آری.

پس پیامبر ﷺ می‌فرماید: (امر شب قدر) به چه کسی نازل می‌شود؟!...^۲

در این شب هر امر استواری جدا می‌شود^۳ (و تفصیل داده می‌شود)، آن را امضا می‌کند و سپس (مراحل اجرای آن را) به پایان می‌برد. به حضرت عرض کردم قربانت گردم (نزول امر) به

(۱) روایت ۴۱

(۲) روایت ۴۲

(۳) دخان/۴

سوی چه کسی است؟ فرمود (نزول امر) به سوی صاحب و امام شماسست و اگر این نزول امر نباشد او آن چه را که در این سال اتفاق می افتد نمی داند....^۱

مخالفین امر خداوند عزوجل می گویند: با مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله شب قدر گذشت و تمام شد.

این (آزمون سخت و) فتنه ای است که تنها به مخالفین رسیده است و به خاطر همین فتنه نیز به قهقرا بازگشتند.

(علت انکار شب قدر این است که) چون آنها اگر می گفتند شب قدر نرفته و تمام نشده، چاره ای ندارند جز این که بگویند برای خداوند عزوجل در شب قدر امری هست.

و اگر به نزول امر اقرار کنند، چاره ای نیست که به صاحب این امر اقرار کنند....^۲

اینها برخی از روایاتی بود که تأکید بر ضرورت مُنْزَلِ علیه در شب قدر دارد و این پرسش را مطرح می کند که:

اگر شب قدری هست و امری نازل می شود، «امر» بر چه کسی نازل می گردد؟!

(۱) روایت ۴۴

(۲) روایت ۴۵

شب قدر، برگ برنده شیعه

از شگفتی‌های شب قدر این است که امامان علیهم‌السلام فرموده‌اند با سوره قدر با مخالفین مناظره کنید.

چرا که تنها همین سوره برای اثبات امامت و حقانیت مکتب شیعه کفایت می‌کند.

نکته آن هم از سرفصل پیشین روشن می‌شود که:

نزول امر، بدون مُنَزَّلُ علیه ناشدنی است و جز امام معصوم محال است کس دیگر شایستگی مُنَزَّلُ علیه بودن را داشته باشد.

بر همین اساس تأکید شده است که با مخالفین به سوره قدر مناظره کنید.

ای گروه شیعه به سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** با مخالفین مناظره کنید که در این صورت قطعاً پیروز می‌شوید. به خدا سوگند که پس از (رحلت) رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** واقعا و اکیدا حجت خداوند تبارک و تعالی بر خلق است و آن البته که آقا (و بزرگ مسایل) دین شما است و آن غایت (و اوج) علم ما (اهل البیت) است.

ای گروه شیعه به آیات **«حَمْدُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ**

مُبَارَكَةٌ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ^۱ با مخالفین
مناظره کنید. زیرا این آیات پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به والیان امر (و
اولو الامرها) اختصاص دارد....^۲

نکته یاد شده در این روایات، دقیقاً علت تأکید بر شناخت مُنْزَلْ
علیه (کسی که امر بر او نازل شده) است. در سرفصل پیشین روایاتی
متعددی در این باره گذشت.

مُنْزَلْ علیه (کسی که امر بر او نازل شده)، حلقه مفقوده سوره قدر
است که بر اساس حکمت، پنهان شده است. این حلقه مفقوده،
همان برگ برنده در اثبات حقانیت شیعه است.

زیرا از یک سو شب قدر در هر سال تکرار می شود و از سوی دیگر
در این شب امر نازل می شود. اما نکته طلایی اینجاست که امر بر چه
کسی نازل می شود؟!

کسی که شایستگی نزول امر و فرشتگان و روح را داشته باشد،
همانی است که شیعه از او به عنوان امام خود و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و
حجت خداوند متعال یاد می کند.

(۱) دخان/۱-۴

(۲) روایت ۳۹

شب قدر رازی که مخالفین تحمل آن را ندارند

گذشت که سوره قدر برگ برنده در اثبات حقانیت شیعه است. لذا سفارش شده است که به سوره قدر با مخالفین مناظره نمایید. اما در عین حال اشاره شده است که این سوره اسراری دارد که فوق تحمل مخالفین است.

سائل به امام جواد علیه السلام گفت: ای اباجعفر این امر (شب قدر) امر خاص و ویژه‌ای است که عموم مردم (یا مخالفین) آن را تحمل نمی‌کنند.

حضرت فرمود آری. خداوند اباء کرده است جز این که در پنهانی عبادت بشود (این امر ادامه دارد) تا مهلتش که خداوند در آن دینش را آشکار کند، فرا رسد.

همچنان که وضعیت رسول خدا صلی الله علیه و آله با خدیجه چنین بود، تا این که به آشکار کردن دعوتش امر شد.

سائل گفت: آیا سزاوار است که صاحب این دین (و حجت خدا) کتمان حق کند؟

حضرت فرمود آیا علی بن ابی طالب علیه السلام، روزی که اسلامش را به پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد، آن را از سایر مردم کتمان نکرد؟! تا این که (پس از تحقق شرایط) امرش را آشکار کرد؟! سائل گفت: آری.

حضرت فرمود امر ما نیز چنین است «تا این که کتاب (تقدیر)

به زمانش برسد»^{۲.۱}

با توجه به روایت پیشین روشن می شود که هر چند آیات شب قدر، برهان قاطع برای اثبات حقانیت شیعه است و به مناظره با آن امر شده است، اما شب قدر اسرار فراوانی دارد که مخالفان آن را تحمل نمی کنند. در برخی از روایات به گوشه ای از این اسرار اشاره شده است که در ادامه به آن می پردازیم.

شب قدر و تصرف اسرارآمیز الهی در قلب امام

گذشت که شب قدر پر از رازهایی است که درک آن در توانایی هر کسی نیست. از جمله این رازها، حدیث زیر است.

حضرت ابوعبدالله (امام صادق علیه السلام) فرمود: راستی که قلب آن کس که آشکارا آن چه را که در شب قدر نازل می شود، می بیند، چنین قلبی شأن بزرگی دارد.

گفتم: ای اباعبدالله علیه السلام این امر چگونه است؟

فرمود: به خدا سوگند البته که شکم این مرد (یعنی امام) شکافته

(۱) بقره/۲۳۵

(۲) روایت ۳۹

می‌شود سپس قلب او گرفته می‌شود و بر آن با جوهر و مرکب نور نوشته می‌شود. پس این، همه‌ی علم است (و علم واقعی همین است).

قلب، صحیفه چشم است (چشم، کتاب قلب را مطالعه می‌کند و علوم آن را می‌بیند) و زبان، آنی را که چشم از قلب خوانده، برای گوش ترجمه می‌کند. (شاید مقصود این باشد که علوم تکوینی قلب، توسط زبان، برای گوش دیگران ترجمه می‌شود). پس هنگامی که این مرد (یعنی امام) دانستن چیزی را اراده کرد، با چشم و قلبش می‌نگرد،^۱ گویا در کتابی می‌نگرد و آن را مطالعه می‌کند.

پس از این به امام عرض کردم: علم در غیر این شب (یا غیر این موارد) چگونه است؟ آیا قلب در آن شکافته می‌شود یا نه؟ فرمود: شکافته نمی‌شود. لکن خداوند به این مرد الهام می‌کند به این گونه که مطلب در دل او افکنده می‌شود تا این که...^۲

(۱) ممکن است عبارت «نَظَرَ بِبَصَرِهِ وَ قَلْبِهِ» تصحیف شده باشد و صحیح آن، به قرینه جملات پیشین این باشد «نظر بصره الی قلبه» یعنی با چشمش به دلش نگریست.

(۲) روایت ۴۶ ترجمه این حدیث دشوار بود. لذا مطابق احتمالات قوی‌تر ترجمه کردیم و جملات بعد را نتوانستیم ترجمه کنیم.

ممکن است گفته شود که روایت پیشین در واقع کیفیت نزول تکوینی امر یا نزول قرآن را در شب قدر بیان می‌کند.

امام صادق علیه السلام گفت پدرم محمد بن علی علیه السلام به من فرمود علی بن ابی طالب علیه السلام در حالی که حسن و حسین علیهما السلام نزد آن حضرت بودند سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را قرائت کرد. حسین علیه السلام به حضرت گفت ای پدر گویا به سبب قرائت این سوره در دهانت احساس شیرینی می‌کنی! حضرت به او فرمود ای پسر رسول خدا و ای پسر من! واقعا که من در این سوره چیزهایی را می‌دانم که تو نمی‌دانی. به راستی که هنگامی این سوره نازل شد، جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را به سوی من فرستاد. پس از این که نزد او حاضر شدم، این سوره را بر من قرائت کرد. سپس بر شانه راستم زد و فرمود ای بردارم و وصیم و والی اتمم پس از من و ای جنگ کننده با دشمنانم تا روزی که مبعوث می‌شوند، این سوره پس از من از آن توست و پس از تو از آن پسر تو است. واقعا که برادرم جبرئیل حوادث امت مرا در (هر) سالش برای من نقل کرده است و واقعا که او این امور را برای تو نقل خواهد کرد، همچنان که حوادث زمان نبوت را نقل می‌کرد و برای این سوره نور تابانی است که در قلب تو و اوصیای تو تا

زمان طلوع صبح قائم عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ عَلَيْهِمُ می درخشد.^۱

سوره قدر، شناسنامه اهل البيت عليهم السلام

ارتباط تنگاتنگ شب قدر با قرآن و روح القدس، آشکارتر از خورشید است.

اما باطن قرآن چیست؟ و واقعیت روح القدس کدام است؟
باطن این دو امر، از پیچیده‌ترین و اسرارآمیزترین حقائق جهان است.
آن چه امر را دشوارتر می‌کند، جایگاه تکوینی امام، در میان نزول قرآن و نزول امر بر امام عليه السلام و نزول روح القدس همراه با فرشتگان است.
پیداست که اگر خداوند معرفت شب قدر را به کسی عطا کند، آن گاه است که جایگاه واقعی امام شناخته می‌شود.

و پیداست که سوره قدر به عمده و یا همه این امور، اشاره دارد.
به سخن دیگر سوره قدر، جایگاه تکوینی امام در عالم وجود را بیان و توصیف می‌کند.

از این رو از سوره قدر با تعبیر «نسبت اهل البيت» عليهم السلام یاد شده است، همچنان که از سوره توحید با تعبیر «نسبت خداوند» تبارک و

تعالی یاد شده است.

در آغاز ببینیم معنی «نسبت» چیست؟

نسبت مادی ما، همان نسبت بدن ماست که نشان می‌دهد از کدام پدر و مادر متولد شده‌ایم.

اما «نسبت واقعی» ما با نسبت بدن ما فرق دارد.

به تحقیق که خداوند تعالی نسبت انسان را در کتاب محکم خودش یاد کرده است. پس خداوند عزوجل در قرآن فرموده است:

«و به یقین، انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را [به صورت] نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم، و آنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم، بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم، آنگاه آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است. بعد از این [مراحل] قطعاً خواهید مرد. آنگاه شما در روز رستاخیز برانگیخته خواهید شد»^{۲۱}.

(۱) مؤمنون/۱۲-۱۶

(۲) روایت ۴۸

البته فهم خود این آیات، به خصوص فهم **تُمْ أَتَشْنَاهُ خَلْقًا** دشوار است. اگر این آیات فهمیده شود آن گاه نسبت واقعی انسان هم شناخته می‌شود.

آشنایی با کاربرد «وسیع نسبت»، مقدمه‌ای بود برای این که به سراغ «نسبة الرب» برویم.

از آن جایی که سوره توحید، جایگاه خداوند تبارک و تعالی را در عرصه وجود بیان می‌کند، از این سوره با تعبیر «نسبة الرب» یاد شده است.

سبب نزول سوره اخلاص این بود که یهود از رسول خدا ﷺ نسبت خداوند عزوجل را خواستند.

پس خداوند عزوجل این آیات را نازل کرد که: «او خدایی است یکتا، خدای صمد. نه کس را زاده، نه زاییده از کس، و او را هیچ همتایی نباشد.»^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: جبرئیل در بهترین شکل، خندان و بشارت دهنده نزد من آمد، سپس گفت ای محمد خداوند علیّ اعلیٰ به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید برای هر چیزی نسبتی است و

نسبت من قُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ است...^۱

حماد گفت از امام صادق علیه السلام از قُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ پرسیدم پس فرمود (این سوره بیانگر جایگاه و) نسبت خداوند به خلقتش است.^۲

در روایات متعددی از سوره توحید با عنوان نسبة الرب یاد شده است.^۳ با توجه به این دسته از روایات شاید مناسب باشد که از سوره توحید با عنوان «شناسنامه پروردگار» یاد کنیم.

پس از این مقدمه سراغ روایاتی می‌رویم که سوره قدر را به عنوان بیانگر جایگاه و نسبت اهل البيت علیهم السلام در عالم وجود معرفی می‌کند. امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج برده شد و خداوند سبحان اذان و اقامه و نماز را به او آموخت، (پس از آن) که پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستاد خداوند سبحان فرمان داد که در رکعت نخست سوره حمد و توحید را بخواند و به او فرمود این (سوره بیانگر) نسبت (و جایگاه و موقعیت) من (در عالم

(۱) روایت ۵۰

(۲) روایت ۵۱

(۳) روایت ۵۲-۵۸

تکوین) است.

و فرمان داد که در رکعت دوم سوره حمد و سوره قدر را بخواند و فرمود ای محمد این (سوره بیانگر) نسبت (و جایگاه و موقعیت) تو و نسبت اهل البیت تو تا روز قیامت است.^۱

خداوند عزوجل به سوی او وحی فرستاد که ای محمد نسبت پروردگارت - که تبارک و تعالی است - را بخوان: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. سپس خداوند از وحی خودداری کرد. پس رسول خدا ﷺ گفت واحد احد صمد. سپس خداوند به سوی او وحی فرستاد لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ... خداوند عزوجل به سوی او وحی فرستاد که سوره حمد را برای خداوند بخوان. پس حضرت آن را همانند آن چه در در رکعت اول قرائت کره بود قرائت کرد، سپس خداوند عزوجل به سوی او وحی فرستاد که إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ رَا بِخَوَان. واقعا که این سوره نسبت تو و نسبت اهل البیت تو تا روز قیامت می باشد....^۲

در بخشی از حدیث معراج آمده است:

خداوند به پیامبر ﷺ گفت قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ رَا آن چنان که نازل

(۱) روایت ۵۹

(۲) روایت ۶۰

کرده‌ام بخوان، زیرا این سوره نسبت و توصیف من است... سپس
به من گفت إِنَّكَ أَنْزَلْتَاهُ رَا بخوان زیرا این سوره نسبت تو نسبت
اهل البيت تو تا روز قیامت است...^۱

فهم نسبت اهل البيت عليه السلام، در گرو فهم نزول قرآن و روح است، و
فهم نزول این دو نیز در گرو معرفت و شناخت خود قرآن و روح القدس
است.

اگر این امور شناخته شود جایگاه بلند و محیر العقول اهل
البيت عليه السلام در عالم وجود شناخته خواهد شد.
علامه مجلسی رضوان الله علیه در توضیح این دسته از احادیث
فرموده است:

این سخن خداوند که سوره قدر نسبت پیامبر صلی الله علیه و آله است به این
معنی است که این سوره بیانگر شرافت و کرامت پیامبر صلی الله علیه و آله و
اهل البيت آن حضرت است...^۲

بر اساس روایات یاد شده می‌توان گفت سوره قدر، شناسنامه اهل
البيت عليه السلام است.

(۱) روایت ۶۱

(۲) مرآة العقول ج ۱۵ ص ۴۷۵

تفسیر دوم از شب قدر (فاطمه علیها السلام)

تفسیر دومی که در روایات از شب قدر شده، این است که شب قدر حضرت فاطمه علیها السلام است.

حمران گفت: (با اشاره به آیه ۴ سوره دخان) از امام صادق علیه السلام از آن چه در شب قدر فیصله می‌یابد پرسیدم. آیا آن، همانی است که خداوند در شب قدر مقدر می‌کند؟

حضرت فرمود: توانایی و قدرت خداوند توصیف نمی‌شود (و نمی‌توان معنی این آیه را آن چنان که باید و شاید شناخت) جز این که (می‌دانیم در این آیه) گفته است: «در آن [شب] هر [گونه] کاری [به نحوی] استوار فیصله می‌یابد.»^۱ پس چگونه (امر) حکیم می‌باشد جز آن (امری که تقدیر آن به خوبی) فیصله می‌یابد و قدرت خداوند سبحان (در این گونه امور) توصیف نمی‌شود. زیرا او هر چرا که بخواهد احداث می‌کند.

اما این سخن خداوند که «شب قدر بهتر از هزار ماه است» (از شب قدر) فاطمه علیها السلام را قصد کرده است.

و (این) سخن خداوند که «در آن [شب] فرشتگان، با روح، فرود آیند» فرشتگان در این موضع مؤمنینی هستند که مالک علم آل

محمد صلی الله علیه و آله می‌گردند.

روح (همان) روح القدس است و او در فاطمه علیها السلام است.
و این سخن خداوند که «از برای هر امری سلام است»
می‌فرماید از هر امری مسلمة^۱ است، تا طلوع فجر یعنی تا این
که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (ما [قرآن را] در
شب قدر نازل کردیم) «الليلة» (در این آیه) فاطمه علیها السلام است و
«القدر» خداوند است. پس کسی که فاطمه علیها السلام را واقعا بشناسد
به تحقیق شب قدر را درک کرده است.

و همانا فاطمه، فاطمه نامیده شد، زیرا خلق از شناخت او
منقطع (و ناتوان) شدند....

و (این) سخن خداوند که «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ
مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» یعنی شب قدر (که فاطمه علیها السلام است) بهتر از هزار
مؤمن است و او مادر مؤمنین است.

«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا» و فرشتگان (در این آیه همان)

(۱) این کلمه را نتوانستیم ترجمه کنیم.

(۲) روایت ۶۲

مؤمنین هستند که مالک علم آل محمد ﷺ می شوند.^۱

در این روایات لیلۃ القدر به «شب خداوند» تفسیر شده و بر حضرت صدیقه کبریٰ ﷺ تطبیق داده شده است. همچنین روح القدس نیز بر حضرت زهرا ﷺ، و فرشتگان نیز بر مؤمنین تطبیق داده شده است.

تفسیر سوم از شب قدر (نخستین آفرینش دنیا)

در روایات، تفسیر سومی برای سوره قدر آمده است که شب قدر نخستین شب از آفرینش دنیاست.

البته که خداوند جل ذکره لَیْلَةَ الْقَدْرِ را در اول آفرینش دنیا آفرید و البته که نخستین پیامبر و وصی را، در شب قدر آفرید، و به تحقیق حکم کرد در هر سال شبی باشد که در آن، تفسیر امور تا شبی مانند آن از سال آینده را فرود آورد، کسی که این را انکار کند واقعا که علم خدای عزوجل را ردّ (و انکار) کرده است....^۲

در برخی از احادیث آمده است که آسمان ها و زمین و تمام آن چه تا قیامت اتفاق می افتد، در شب قدر تقدیر شده است.

(۱) روایت ۶۳

(۲) روایت ۲۹

لذا محتمل است این دسته از احادیث را به تفسیر سوم ملحق نماییم.

با این توضیح که در آغاز آفرینش دنیا، خداوند ابتدا شب قدر را آفرید و سپس در همین شب، مقدرات آسمان‌ها و زمین و آن چه تا قیامت اتفاق می‌افتد را تقدیر نمود.

بر اساس این احتمال ممکن است گفته شود که مقصود از نخستین خلق از دنیا، نخستین خلق از کل جهان باشد. زیرا آفرینش آسمان‌ها پیش از آفرینش زمین بوده است. در نتیجه روایت خلق شب قدر، به مجموعه روایات «اول ما خلق الله» ملحق می‌گردد و تعبیر «لقد خلق فيها أول نبي يكون» نیز اشاره به خاتم انبیاء صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خواهد داشت.

مفضل گفت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را یاد کرد سپس فرمود چقدر فضل این سوره بر سایر سوره‌ها آشکار است! گفتم فضلش چیست؟ فرمود در آن، ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نازل شده است. گفتم در شب قدری که امید آن را از رمضان داریم؟ فرمود این شبی است که آسمان‌ها و زمین در آن تقدیر شده‌اند.^۱

علی بن ابی طالب علیه السلام گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی آیا معنی لَیْلَةِ الْقَدَرِ را می دانی؟ گفتم نه ای رسول خدا. فرمود به راستی که خداوند تبارک و تعالی در این شب، آن چه را که تا روز قیامت می باشد، تقدیر کرده است. پس در آن چه خداوند عزوجل تقدیر کرده، ولایت تو و ولایت ائمه از پسران تو تا روز قیامت است.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در نخستین روز از ماه رمضان در مسجد کوفه سخنرانی کرد:....

این ماه ماهی است که در آن شبی است که در آن شب فرشتگان از آسمان فرود می آیند، پس به اذن پروردگارشان تا طلوع صبح بر مردان و زنان روزه دار سلام می کنند و این شب لیلة القدر است که دو هزار سال پیش از این که آدم آفریده شود در آن شب، ولایت من مقدر شده است.^۲

طبق احتمالات یاد شده شب قدر، نخستین آفرینش خداوند است که در آن نور محمد و آل محمد علیهم السلام نیز آفریده شده و تقدیر تمامی جهان خلقت، در همان آغاز آفرینش صورت پذیرفته است.

(۱) روایت ۶۵

(۲) روایت ۶۶

تفسیر چهارم از شب قدر

تفسیر دیگری از شب قدر در روایت زیر آمده است. در روایت آمده است که شب قدر نوری است که خداوند بر دنیا نازل کرده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به شخصی به نام «بی‌هس» فرمود: اما (مقصود از) سخن خداوند تعالی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» پس نوری است که بر دنیا نازل کرده است.

سائل گفت: چگونه نازل کرده است؟ امام علیه السلام فرمود: هنگامی که ربّ (العالمین) بر عرش استیلاء و احاطه پیدا کرد، اراده کرد که به سبب نور ما پرتوی (ضوء) بدرخشد (استضاءه پیدا کند) در حالی که نور ما از نور خداوند است. پس خداوند فرمان داد که نور سخن بگوید. نور در اطراف عرش سخن گفت. فرشتگان به این امر (سخن نور) آگاه شدند، پس به خاطر شیرینی سخن نور ما، برای آن نور به سجده افتادند. برای همین هم قدر نامیده شد، پس آن (شب) از آن ما و هر کسی که ولایت ما را دارد، می‌باشد، برای غیر ما در آن نصیبی نیست، پس نزد عرش، نور ما در صبح، نامی (بالارونده یا رشد کننده) بود و فرشتگان بر ما سلام می‌کردند، هنگامی که خداوند آدم را آفرید، آدم سرش را بلند کرد به نور ما نگریست، آدم گفت الهی و سیدی از چه زمانی نور آنها زیر عرش تو هستند؟ خداوند تبارک و تعالی

فرمود: ای آدم بیست و چهار هزار سال پیش از آفریدن تو و آفریدن آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و دریاها و بهشت و آتش، و تو در بعضی از نورهای آنان هستی (و از بعضی از نور آنان استفاده می‌کنی یا خلق شده‌ای). هنگامی که آدم علیه السلام به دنیا فرود آمد دنیا تاریک بود پس آدم علیه السلام گفت: به اذن پروردگار آنان (یعنی پروردگار آل محمد صلی الله علیه و آله).

امام در ادامه به سائل گفت: آیا می‌دانی چه اذنی بود؟ گفت نه، امام فرمود خداوند تعالی به جبرائیل (وحی کرد که به آدم بگوید خداوند را این گونه بخوان) ای رب به حق محمد و علی تو را سوگند می‌دهم، مگر این که نوری که پیش از این برای من بود، بازگردانی. خداوند تبارک و تعالی آن نور را به زمین فرود آورد، پس آدم از نور ما استضاء می‌کرد، برای همین هم شب قدر نامیده شد.

هنگامی که آدم علیه السلام در دنیا ماند و چهارصد سال زندگی کرد، خداوند بر او تابوتی از نور فرود آورد که برای آن دوازده در بود، برای هر دری، وصیی ایستاده بود که به روش پیامبران عمل می‌کرد.

آدم گفت: ای پروردگار من اینها کیانند؟ خداوند عزوجل فرمود ای آدم اولین پیامبر تو هستی و دومین نوح و سومین ابراهیم و چهارمین موسی و پنجمین عیسی و ششمین محمد خاتم

پیامبران صلی الله علیه و آله و اما اوصیا، اولشان شیث پسر توس و دومین سام پسر نوح و سومین اسماعیل پسر ابراهیم و چهارمین یوشع پسر نون و پنجمین شمعون الصفا و ششمین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخر آنها قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله است که دینم را به وسیله او بر همه ادیان آشکار (و مسلط) می کنم و لو مشرکین را خوش نیاید.

امام فرمود پس آدم تابوت را به شیث داد و مُرد، برای همین خداوند تعالی فرمود: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** و به راستی که نور ما را خداوند به دنیا نازل کرده است تا این که مؤمنین به نور ما استضاءه کنند و کافران کور گردند...

و سخن خداوند که فرمود **مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ** یعنی سلام بر ما در صبح و شب از سوی هر کسی که در آسمان ها و در زمین تا روز قیامت است. شب قدر، نور ذریه من است، دنیا به وسیله (نور) ما استضاءه می کند تا مطلع فجر از ما تا روز قیامت...

سائل گفت پس به من خبر دهید که نورتان چیست؟ حضرت فرمود آری نوری است که زایل نمی شود و کم نمی شود و خاموش نمی شود، پس زمانی که شب قدر شد، از نور عرش پروردگار جهانیان در نور ما افزوده می شود، پس آن نور در نور ما و نور شیعیان و محبین ما داخل می شود...

سائل پرسید پس از این، نور شما به کجا می‌رود؟ امام علیه السلام فرمود: نور ما به آسمان بازمی‌گردد، پس زمانی که سال آینده شد و شب قدر آمد، نور ما به دنیا نزول می‌کند، پس هر کسی که از ما باشد به نور ما می‌نگرد و کسی که از ما نباشد، نور ما را نمی‌بیند و نمی‌شناسد. سائل گفت: ای امیرالمؤمنین در چه شبی نور شما را جستجو کنم؟ فرمود: در شب بیست و سوم از ماه رمضان یا شب بیست و هفتم و این شب کریم‌ترین (و پسندیده‌ترین و شریف‌ترین) شب نزد خداوند است....^۱

چون این حدیث مطالب بلندی دارد که از درک آن ناتوانم. لذا به ترجمه لفظی ناقص بسنده کردم.

همان‌گونه که پیش از این گذشت توجه به دو نکته ضروری است. نکته نخست این که طبقه‌بندی ارایه شده در تفسیر شب قدر، با صرف نظر از تنزیل و تأویل سوره قدر است. لذا ممکن است برخی از روایات بیان تنزیل شب قدر باشد و برخی دیگر بیان تأویل آن. نکته دوم هم این که هدف از طبقه‌بندی، تفکیک روایات برای تمرکز بیشتر بر بیانات متفاوت است. اما ممکن است همه این روایات در واقع بیان یک امر باشند و نه چند امر متفاوت.

ویژگی‌های مشترک قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیش از این درباره رابطه شب قدر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفتیم. یکی از شاخصه‌های مهم شب قدر، نزول قرآن است. شایسته است در این بخش نگاهی به رابطه قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشیم.

با اندک آشنایی با منابع وحی، شاهد ارتباطی ناگسستنی میان قرآن و ماه مبارک هستیم. شناخت ماه مبارک بدون شناخت قرآن، اگر نگوییم ناشدنی است، اما بی‌تردید شناختی ناقص است.

از این رو برای شناخت ماه مبارک، بایسته است حداقل نیم نگاهی هم به شناخت قرآن داشته باشیم.

از دیگر سو با درنگ شایسته در منابع وحی به مشترکاتی میان قرآن و امام معصوم برخورد می‌کنیم.

به سخن دیگر در قرآن و روایات، به برخی از ویژگی‌های امام معصوم اشاره شده است که قرآن هم به همان ویژگی‌ها ستوده شده است.

این مشترکات نشان از رابطه‌ای عمیق و فوق العاده میان قرآن و امام دارد.

مطالعه این ویژگی‌ها، قدم نخست در حرکت به سوی معارف الهی است. درایت این منابع نیز کلید گشایش دروازه معرفت و شناخت امام علیه السلام است.

باشد که در کنار این دروازه معرفت امام، شناختی هم نسبت به ماه مبارک رمضان پیدا نماییم.

از این رو در ادامه به مشترکاتی چند میان قرآن و امام معصوم اشاره می‌کنیم.

عَلَيْهِ السَّلَام
وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ

ناشناختگی، ویژگی مشترک قرآن و امام زمان

یکی از ویژگی‌های قرآن عمق بی‌نهایت آن است که مستلزم ناتوانی در احاطه به قرآن است.

برای قرآن ظاهری است و باطنی. پس ظاهرش حکمت است و باطنش علم. ظاهرش زیبایی خیره‌کننده دارد و باطنش عمیق (و حیرت‌افزا) و بر ستارگان (هدایت)ش ستارگانی است. شگفتی‌هایش گردآوری نمی‌گردد و تازه‌های کمیاب آن (غرائب)

کهنه نمی‌شود...^۱

خداوند بر پیامبرش صلی الله علیه و آله کتابی فرو فرستاده که... دریایی است که ژرفای آن درک نمی‌شود... دریایی است که هر چه از آن کشیده شود تمام نمی‌شود...^۲

ناتوانی مردم در درک مقام امامت آن چنان که باید و شاید نیز همانند ناتوانی در معرفت به حقیقت و کنه قرآن است.

در این زمینه به گزیده‌ای از یک روایت بسنده می‌کنیم.

آیا (مردم) قدر و موقعیت امامت را در میان امت می‌دانند، تا اختیار و انتخاب آنان در آن روا باشد؟! به راستی امامت اندازه‌ای فراتر و مقامی بالاتر و موقعی بالاتر و آستانی منيعتر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خود بدان رسند یا با رأی و نظر خود آن را درک کنند یا به انتخاب خود امامی بگمارند...
امام مانند آفتاب در عالم طلوع کند و بر افق قرار گیرد که دست و دیده مردم بدان نرسد...

امام یگانه روزگار خود است، کسی با او برابر نیست و دانشمندی با او مساوی نیست، جایگزین ندارد، مانند و نظیر

(۱) روایت ۶۸

(۲) روایت ۶۹

ندارد.

تمامی فضل الهی مختص امام شده است، بدون این که طلب و اکتسابی از سوی خود امام صورت بگیرد، بلکه اختصاص فضل به امام، از سوی خداوند تفضیل دهنده و بخشنده است.

کیست که به معرفت امام برسد یا تواند او را انتخاب کند؟! هیئات هیئات، خردها در باره اش گمراهند و احلام متحیر، عقلها سرگردان و چشمها درمانده، بزرگان در اینجا کوچکنند و حکیمان در حیرت و بردباران کوتاه‌نظر و هوشمندان گیج و نادان و شعراء لال و گنگ و ادباء درمانده و سخندانان بی‌زبان، شرح يك مقامش نتوانند و وصف یکی از فضائلش ندانند، همه به عجز معترفند.

چگونه توان کنهش را وصف کرد و اسرارش فهمید؟! چطور کسی به جای او ایستد و حاجت مربوط به او برآورد؟ نه، چطور؟! از کجا؟! او در مقام خود اختری است که بر افروزد و از دسترس دستیازان و وصف واصفان فراتر است.

انتخاب بشر کجا به این پایه رسد، عقل کجا و مقام امام کجا؟! کجا چنین شخصیتی یافت شود؟! کجا چنین شخصیتی یافت شود؟! کجا چنین شخصیتی یافت شود؟!

گمان برند که در غیر خاندان رسول ﷺ امامی یافت شود؟! خود تکذیب خود کنند، بیهوده آرزو برند و به گردنه بلند لغزانده‌ای

گام نهند که آنها را به عمق (دَرّه) پرتاب کند، خواهند به عقل نارسای خود امامی سازند و به رأی گمراه‌کننده خود پیشوائی پردازند، جز دوری از مقصود حق بهره نبرند.

خدا آنها را بکشد تا کی دروغ گویند؟!^۱ امر دشواری را قصد کردند و دروغ بافتند و سخت به گمراهی افتادند و به سرگردانی گرفتار شدند، دانسته و فهمیده امام خود را رها کردند و پرچم باطل افراشتند...^۲

روشن شد که قرآن و امام معصوم، در ویژگی ناتوانی مردم از شناخت حقیقت و کنه آنها، مشترک هستند.

بهار خلاق، ویژگی مشترک قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی دیگر از ویژگی مشترک قرآن و امام معصوم، توصیف آن دو به بهار دل‌ها است.
از قرآن آغاز می‌کنیم.

(۱) توبه/۳۰

(۲) روایت ۷۰

ترجمه کمره‌ای ج ۲ ص ۱۱۹ با اندکی تصرف

قرآن، بهار دلها

یکی از ویژگی‌های مهم ماه مبارک رمضان این است که بهار قرآن در این ماه اتفاق می‌افتد.

امام باقر (علیه السلام): برای چیزی بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است.^۱
مسئله وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانیم خود قرآن بهار دلها است.
آن وقت ماه رمضان می‌شود بهار اندر بهار!
به اندکی از بسیار توجه کنید:

کتاب خداوند تبارک و تعالی را بیاموزید که به راستی بهترین حدیث و رساترین پند است.

و در آن تفقه نمایید که واقعا کتاب خدا بهار دلها است و از نور او شفا بطلبید که قطعا قرآن شفای از دردهایی است که در سینه‌ها (پنهان) است....^۲

پس به راستی که این قرآن ریسمان محکم خداوند است در آن برپا داشتن عدالت و چشمه‌های علم و بهار دلها است...^۳
واقعا که خدای سبحان هیچ کس را به (امری) مانند این قرآن پند

(۱) روایت ۷۱

(۲) روایت ۷۲

(۳) روایت ۷۳

نداده است. راستی که قرآن ریسمان محکم خداوند و سبب امن خداوند است. و در آن، بهار دل و چشمه‌های دانش است و برای (زنگار) دل، جلا و صیقل دیگری جز او نیست...^۱

(خداوندا از تو می‌خواهم) قرآن را نور سینه من و بهار دل من و جلاء صیقل اندوه من و برطرف شدن غم من قرار دهی و به وسیله قرآن سینه‌ام را گشاده گردانی و امر مرا آسان نمایی و...^۲

(خداوندا از تو مسئلت می‌کنم) قرآن را بهار دلم و شفای سینه‌ام و نور دیده‌ام و برطرف شدن غم و غصه‌ام قرار ده...^۳

از تو مسئلت می‌کنم... قرآن را بهار دلم و نور سینه‌ام و جلاء اندوهم و برطرف شدن غصه‌ام قرار دهی...^۴

روشن شد که ماه رمضان، بهار قرآن است و قرآن، بهار دل‌ها است. در نتیجه ماه رمضان می‌شود بهار اندر بهار!

همین صفت بهار بودن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به کار رفته است.

(۱) روایت ۷۴

(۲) روایت ۷۵

(۳) روایت ۷۶

(۴) روایت ۱۳۸

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام ، بهار دلها

در زیارات و ادعیه، امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام به بهار توصیف شده‌اند.

در زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم:

بهار یتیمان و نگهدارنده مردمان بودی... برای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پسر و

برای قرآن نجات‌دهنده و برای امت بازو بودی...^۱

در برخی از دعاها، امام حسن عسکری این گونه توصیف شده

است:

خداوندا به حق) امام پاکیزه از گناهان، پاک از ستم‌ها، عالم

بزرگ، ماه تاریکی‌ها و بهار مردمان...^۲

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نیز به «بهار بودن» توصیف شده است.

سلام بر حق تازه و نو... سلام بر بهار مردمان و شادابی

روزگاران...^۳

در برخی از نقلها «ربیع الأیتام» آمده است.

مجموع سرفصلهای اخیر این شد که همچنان که قرآن، بهار دل‌ها

(۱) روایت ۷۷

(۲) روایت ۷۸

(۳) روایت ۷۹

و قلب‌ها است، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بهار دل‌ها و قلب‌ها است. اگر عمق این توصیف مشترک درک شود، شاید بتوان گفت همچنان که ماه رمضان بهار قرآن است ماه رمضان بهار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم هست.

نوریت، ویژگی قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

واژه «نور» در قرآن کاربردهای متفاوتی دارد.^۱ از جمله‌ی این کاربردها نور به معنی قرآن است.

آن چه مهم است این است که نور در قرآن، هم بر خود قرآن و هم، بر امام معصوم اطلاق شده است. لذا یکی دیگر از ویژگی مشترک قرآن و امام معصوم، توصیف آن دو به ویژگی نور است.

از توصیف قرآن به نور آغاز می‌کنیم.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا.^۲

(۱) حدیث مفصلی در جلد ۹۰ بحارالانوار موجود است که در صفحه ۲۰ به کاربردهای نور اشاره دارد.

ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است، و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم.

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ.^۱

قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشنگر آمده است.

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.^۲

پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ
أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.^۳

پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.

آن چه جالب است تفسیر نوری که خداوند نازل کرده است.

در برخی از روایات تصریح شده است که این نور قرآن است.

(۱) مائده/۱۵

(۲) تغابن/۸

(۳) اعراف/۱۵۷

«پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را [در برابر دشمنان] حمایت کردند و یاریش دادند و از نوری که بر او نازل شده پیروی نمودند، فقط آنان رستگارانند.»^۱ پس نور در این مکان همان قرآن است و مانند آن در سوره تغابن این سخن خدای تعالی است که می‌فرماید: «پس به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کردیم، ایمان آورید و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است»^۲ خداوند سبحان از این نور قرآن را اراده کرده است....^۳

اما تفسیر دیگری هم از «نور نازل» در روایات وارد شده است. از جمله روایت ابوخالد کابلی است.

ابوخالد کابلی از اصحاب خاص امام سجاد علیه السلام است.^۴

ابوخالد کابلی گفت: از امام باقر علیه السلام درباره سخن خداوند عزوجل (در آیه ۸ از سوره تغابن) پرسیدم که می‌فرماید: «پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فروفرستادیم ایمان آورید».

حضرت فرمود: ای اباخالد سوگند به خدا که (مقصود از) «نور»

(۱) اعراف/۱۵۷

(۲) تغابن/۸

(۳) روایت ۸۰

(۴) روایت ۸۱-۸۳

(در این آیه) ائمه از آل محمد علیهم السلام تا روز قیامت هستند.
و سوگند به خدا که آنان نور خدا می باشند که خداوند فرود
آورده است.

و سوگند به خدا که آنان نور خدا در آسمانها و در زمین هستند.
سوگند به خدا ای اباخالد به قطع و یقین، نور امام در دلهای
مؤمنین، درخشان تر از خورشید تابان در آسمان است.
و سوگند به خدا که آنان دلهای مؤمنین را روشن می کنند و (لکن)
خداوند عزوجل نور آنان را از هر کس که بخواهد می پوشاند پس
دلهای آنها تاریک می گردد.

سوگند به خدا ای اباخالد هیچ بنده ای ما را دوست ندارد و
ولایت ما را نمی پذیرد تا این که خداوند قلبش را پاک نماید و
خداوند قلب بنده ای را پاک نمی کند تا این که آن بنده تسلیم ما
گردد و سلم ما باشد. پس هنگامی سلم ما بود خداوند او را از
حساب شدید در سلامت قرار خواهد داد و از ترس بزرگ روز
قیامت ایمن خواهد ساخت.^۱

روایت پیشین با اختلافاتی در منابع مختلف آمده است.^۲ به

(۱) روایت ۸۴

(۲) روایت ۸۵-۸۶

همین مضمون احادیث دیگری نیز وجود دارد.^۱

در این روایات نوری که خداوند فرود آورده است بر امام تطبیق داده شده است.

نور نازل در آیه ۱۵۷ سوره اعراف نیز بر ائمه علیهم السلام تطبیق داده شده است.^۲

آن چه مطلب را جالب و پیچیده می کند این است که تطبیق نور بر امام علیه السلام، از تأویلات قرآن نیست بلکه خود ظاهر قرآن بر این امر دلالت دارد. به این روایت بسیار جالب که در تفسیر آیات ۸ و ۹ سوره صف^۳ آمده است توجه نمایید:

محمد بن فضیل گفت از امام کاظم علیه السلام درباره سخن خداوند

(۱) روایت ۸۷-۸۸

(۲) روایت ۸۹

(۳) يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. صف/ ۸-۹

شبیه این آیه در سوره توبه نیز آمده است:

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. توبه/ ۲۳-۳۳

عزوجل (آیه ۸ و ۹ سوره صف) پرسیدم که (فرموده است): «می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند» حضرت پاسخ داد می‌خواهند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با دهان خود خاموش کنند.

گفتم: «خداوند نور خود را کامل خواهد گردانید» فرمود: و خداوند امامت را کامل خواهد کرد.

(سپس حضرت ادامه داد) به دلیل این سخن خداوند عزوجل (آیه ۸ سوره تغابن که می‌فرماید) «کسانی که به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده‌ایم ایمان آورند» پس نور همان امام است. گفتم: (در آیه ۳۳ سوره توبه آمده است) «اوست کسی که فرستاده‌ی خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد» فرمود: اوست کسی که به رسولش فرمان (ابلاغ) ولایت برای وصیش داد و این ولایت (همان) دین حق است.

گفتم «تا آن که دینش را بر هر چه دین است فائق گرداند» فرمود: هنگام قیام قائم علیه السلام دینش را بر همه ادیان فائق گرداند. (امام در ادامه) فرمود خداوند می‌گوید «خداوند نور خود را کامل خواهد گردانید» (یعنی) ولایت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف (تمام کننده دین و تمام کننده امامت است) «هر چند کافران را ناخوش آید» (یعنی) به سبب (ابلاغ) ولایت علی (کافران ناراحت شوند).

گفتم: این (مطالبی که فرمودید ظاهر و) تنزیل قرآن است؟
فرمود آری، اما این سخن تنزیل است اما غیر این، تأویل است...^۱
روایاتی که بیانگر نوریت اهل البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است، آن چنان فراوان
است که گردآوری همه آنها دشوار است. برخی از این روایات در باب
۱۸ از جلد ۲۳ بحارالانوار آمده است.

البته هدف از اشارات اختصاری پیشین، بیان این بود که یکی از
ویژگی‌های مشترک قرآن و امام، نوریت این دو است. اما شگفت و
محیر العقول این است که طبق روایات یاد شده هم قرآن و هم امام،
هر دو مصداق «نور نازل» در سوره تغابن و اعراف هستند.

نور نازل در شب قدر

به تصریح قرآن اموری در شب قدر فرود آمده و یا می‌آیند که از جمله آنها «نور نازل» یا انواری است که نازل می‌شوند.

بیان نخست این است که «نور نازل» همان قرآن است که ضمیر **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** به آن اشاره دارد.

در روایات متعددی بیان شده است که مقصود از آن چه با ضمیر بیان شده است قرآن است.

(مقصود از) **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** قرآن است که همه آن با هم

به بیت المعمور نازل شده است و در طول بیست و سه سال به

تدریج بر رسول خدا ﷺ نازل شده است...^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیه السلام پیوسته می‌فرمود: **إِنَّا**

أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ راست گفت خدای عزوجل. خداوند قرآن را

در شب قدر نازل کرده است....^۱

بیان دوم در «نور نازل» این است که نوری است که همراه پیامبران و اوصیای آنان است.

امام جواد علیه السلام فرمود مردی از اهل البیت امام صادق علیه السلام از حضرت دربارهٔ اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ پرسید... حضرت فرمود اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ نوری نزد پیامبران و اوصیا است که هیچ حاجتی از آسمان و زمین اراده نمی‌کنند مگر این که آن را برای این نور ذکر می‌کنند و این نور آن را برایشان می‌آورد...^۲

اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ نوری مانند چشم بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله و اوصیا است. هیچ یک از ما امری از امور زمین یا (از امور ابتدای) آسمان تا (انتهای) حجابهایی که میان خداوند و عرش وجود دارد را اراده نمی‌کند، مگر این که چشمش را به سوی آن نور بلند می‌کند پس تفسیر آن چیزی را که می‌خواسته در آن نوشته شده می‌یابد.^۳

در روایت ۴۷ گذشت:

(۱) روایت ۹۲

(۲) روایت ۹۳

(۳) روایت ۹۴

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پس از این که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر شدم، این سوره را بر من قرائت کرد. سپس بر شانه راستم زد و فرمود ای بردارم و وصیم و والی امتم پس از من و ای جنگ کننده با دشمنانم تا روزی که مبعوث می شوند، این سوره پس از من، از آن توست... برای این سوره نور تابانی است که در قلب تو و اوصیای تو تا زمان طلوع صبح قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می درخشد.

در روایت ۶۷ گذشت:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» نوری است که بر دنیا نازل کرده است. سائل گفت: چگونه نازل کرده است؟ امام علیه السلام فرمود: هنگامی که ربّ (العالمین) بر عرش استیلاء و احاطه پیدا کرد، اراده کرد که به سبب نور ما پرتوی (ضوء) بدرخشد (استضاءه پیدا کند) در حالی که نور ما از نور خداوند است. پس خداوند فرمان داد که نور سخن بگوید. نور در اطراف عرش سخن گفت. فرشتگان به این امر (سخن نور) آگاه شدند، پس به خاطر شیرینی سخن نور ما، برای آن نور به سجده افتادند. برای همین هم قدر نامیده شد. آن (شب قدر) از آن ما و هر کسی که ولایت ما را دارد، می باشد، برای غیر ما در آن نصیبی نیست، پس نور ما در صبح نزد عرش، نامی (بالارونده یا رشد کننده) بود و فرشتگان بر ما سلام می کردند...

خداوند تعالی به جبرئیل (وحی کرد که به آدم بگوید خداوند را این گونه بخوان) ای رب به حق محمد و علی تو را سوگند می‌دهم، مگر این که نوری که پیش از این برای من بود، بازگردانی. خداوند تبارک و تعالی آن نور را به زمین فرود آورد، پس آدم از نور ما استضاءه می‌کرد، برای همین هم شب قدر نامیده شد...

امام فرمود پس آدم تابوت را به شیث داد و مُرد، برای همین خداوند تعالی فرمود: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ و به راستی که نور ما را خداوند به دنیا نازل کرده است تا این که مؤمنین به نور ما استضاءه کنند و کافران کور گردند...

و سخن خداوند که فرمود مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ یعنی سلام بر ما در صبح و شب از سوی هر کسی که در آسمان‌ها و در زمین تا روز قیامت است. شب قدر، نور ذریه من است، دنیا به وسیله (نور) ما استضاءه می‌کند تا مطلع فجر از ما تا روز قیامت...

سائل گفت پس به من از نور خودتان خبر دهید که چیست؟ حضرت فرمود آری نوری است که زایل نمی‌شود و کم نمی‌شود و خاموش نمی‌شود، پس زمانی که شب قدر شد، از نور عرش پروردگار جهانیان در نور ما افزوده می‌شود، پس آن نور در نور ما

و نور شیعیان و محبین ما داخل می‌شود...

سائل پرسید پس از این، نور شما به کجا می‌رود؟ امام علیه السلام فرمود: نور ما به آسمان بازمی‌گردد، پس زمانی که سال آینده شد و شب قدر آمد، نور ما به دنیا نزول می‌کند، پس هر کسی که از ما باشد به نور ما می‌نگرد و کسی که از ما نباشد، نور ما را نمی‌بیند و نمی‌شناسد.

سائل گفت: ای امیرالمؤمنین در چه شبی نور شما را جستجو کنم؟ فرمود: در شب بیست و سوم از ماه رمضان یا شب بیست و هفتم و این شب کریم‌ترین (و پسندیده‌ترین و شریف‌ترین) شب نزد خداوند است....

بیان سوم این است که «نور نازل» همان روح است. کاربردهای روح در قرآن و روایات متفاوت است. آن چه در این نوشتار مورد نظر است کاربرد روح در سوره قدر است. یکی از اسراری که در سوره قدر به آن اشاره شده نقش «روح» در شب قدر است.

در برخی از روایات نور نازل شده بر «روح» تطبیق داده شده است. روایات متعددی روح در سوره قدر را تفسیر کرده است که به حسب ظاهر تفسیر آنها متفاوت است. تفسیر نخست روح این است که روح آفریده‌ای غیر از فرشتگان و

بزرگتر از آنان است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ مردی که اصرار می‌کرد روح از فرشتگان است به این آیه استدلال فرمود که «فرمان حتمی خدا [در مورد عذاب کافران و مشرکان] فرا رسیده است، پس خواستار شتاب در آن نباشید؛ او منزّه و برتر است از آنچه شریک او قرار می‌دهند. فرشتگان را به فرمان خود با روح به هر کس از بندگانش که بخواهد [برای برگزیدنش به پیامبری] نازل می‌کند...»^۱ (این آیه ثابت می‌کند که) روح غیر از فرشتگان است.^۲

ابوبصیر گفت همراه امام صادق علیه السلام بودم پس حضرت چیزی از امر امام را ذکر کرد و فرمود هنگامی که امام متولد شود شایسته زیارت روح در شب قدر می‌گردد. عرض کردم فدای شما گردم آیا روح همان جبرئیل نیست؟ فرمود جبرئیل از فرشتگان است و روح آفریده‌ای بزرگتر از فرشتگان است آیا چنین نیست که خداوند در قرآن می‌فرماید فرشتگان و روح فرود می‌آیند.^۳

(۱) نحل ۱-۲

(۲) روایت ۹۵

(۳) روایت ۹۶

در روایت ۶۲ این چنین گذشت:

روح (همان) روح القدس است و او در فاطمه علیها السلام است.

مسئله روح القدس مسئله‌ای عمیق است و دامنه تحقیق پیرامون آن، آن چنان گسترده است که مجال آن در این نوشتار نیست. لذا به همین اشارات بسنده می‌کنیم و به سرفصل «نور نازل» خاتمه می‌دهیم.

چند بیان از «نور نازل» ذکر شد. پیدا است که تحقیق در هر یک از بیانات یاد شده تتبع گسترده‌ای را می‌طلبد. لذا به همین اشارات بسنده می‌شود.

سوره قدر شناسنامه‌ی اسرارآمیز اهل البیت علیهم‌السلام

پیش از این گذشت که سوره قدر شناسنامه اهل البیت علیهم‌السلام است.

اما خود این شناسنامه آن چنان مرموز و پیچیده است که درک آن نیازمند فقهاتی بس بلند است.

با درایت برخی از مطالبی که در لابلای روایات آمده است ممکن است به برخی از این اسرار دست یافت. اما پیداست که رمزگشایی از همه آنها اگر ناممکن نباشد بسیار دشوار است.

در ادامه به برخی از رازهای مطرح شده در روایات اشاره می‌شود.

راز ۱: گسترده‌ترین تقدیر جهان

یکی از برجسته‌ترین اموری که در شب قدر اتفاق می‌افتد، تقدیر سالانه تمامی امور آفرینش است.

لذا در علت نامگذاری این شب این گونه روایت شده است:

معنی شب قدر این است که خداوند در این شب عمرها و

روزی‌ها و هر امری که اتفاق می‌افتد از مرگ یا زندگی یا قحطی یا فراوانی یا خوبی یا بدی، همگی را خداوند در این شب تقدیر می‌کند. همچنان که خداوند در قرآن فرموده است «در آن شب تمام امور به شکل استواری فیصله می‌یابد» تا سال بعد، معنی سخن خداوند که «فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای هر کاری نازل می‌شوند» این است که فرشتگان و روح القدس بر امام زمان نازل می‌شوند و آن چه از تقدیرات را که نوشته (و تنظیم) کرده‌اند (برای تأیید نهایی) به امام می‌دهند.^۱

نکته بسیار مهم در این دسته از روایات این است تقدیری که در شب قدر مورد تأیید امام قرار می‌گیرد، تمامی امور جهان را شامل می‌گردد و محدود به هیچ دایره‌ای نیست.

در روایت ۴۲ پیامبر ﷺ از عمر و ابوبکر می‌پرسد:
آیا پس از این سخن خداوند «كُلِّ أَمْرٍ» چیزی باقی مانده است
(که در این شب تقدیر نشود)؟! آن دو می‌گویند نه.

راز ۲: نهایی شدن تقدیرات به امضای امام زمان علیهم السلام

تقدیر سالانه‌ی همه امور جهان توسط فرشتگان و کارگزاران الهی تدوین می‌گردد. اما این تقدیرات آن گاه اجرایی می‌شود که مورد امضای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

در روایت ۹۱ این چنین آمده است:

معنی سخن خداوند که «فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای هر کاری نازل می‌شوند» این است که فرشتگان و روح القدس بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل می‌شوند و آن چه از تقدیرات را که نوشته (و تنظیم) کرده‌اند (برای تأیید نهایی) به امام می‌دهند.^۱

راز ۳: عظمت شب قدر نماد رحمت رحیمیه خاصه

تعبیر «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (شب قدر، بهتر از هزار ماه است)، آینه تمام نمای ارزش فوق العاده شب قدر است.

اما مهم شناخت منشأ و مبدأ این امر است.

به امام عرض کردم لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ خداوند چه

چیزی از این قصد کرده است؟ حضرت فرمود کار نیکو در این شب از قبیل نماز و زکات و انواع خیرات بهتر است از کار در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد و (لی) اگر نبود آن چه که خداوند برای مؤمنین مضاعف می‌کند هرگز مؤمنین به این اجر نمی‌رسیدند، لکن خداوند است که کارهای نیکو را برای آنها مضاعف می‌کند.^۱

این روایت ناظر به این است که مبدأ ارزشمندی فوق العاده شب قدر، رحمت رحیمیه‌ی خاصه و ویژه خداوند است. به سخن دیگر آن چه شب قدر را برتر از هزار شب کرده است چیزی نیست جز عنایت ویژه پروردگار متعال. عنایتی که در سرتاسر زمان‌ها، نظیر و مانندی ندارد.

راز ۴: بداء، تنها محدودیت شب قدر

منجّز شدن و اجرایی شدن قدر و قضای الهی، چه حتمی آن و چه غیر حتمی آن، آن جا به اوج می‌رسد که هیچ حالت انتظاری باقی نمی‌ماند جز «بداء».

حمران از امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند عزوجل پرسید که **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ** حضرت فرمود آری این همان شب قدر است که در هر سال در دهه آخر ماه رمضان است. پس قرآن جز در شب قدر نازل نشده است. خداوند عزوجل فرموده است **فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ** یعنی در شب قدر هر چیزی که در این سال تا سال آینده اتفاق می‌افتد از خوبی یا بدی یا طاعت یا معصیت یا تولد یا أجل یا روزی پس هر چه در این شب مقدر شود و امضا گردد، آن امر از محتومات است و (تنها) برای خدا در آن مجال بداء و مشیت جدید وجود دارد. به امام عرض کردم **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** خداوند چه چیزی از این قصد کرده است؟ حضرت فرمود کار نیکو در این شب از قبیل نماز و زکات و انواع خیرات بهتر است از کار در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد و (لی) اگر نبود آن چه که خداوند برای مؤمنین مضاعف می‌کند هرگز مؤمنین به این اجر نمی‌رسیدند لکن خداوند است که کارهای نیکو را برای آنها مضاعف می‌کند.^۱

نکته مهم این روایت تعبیر بلند زیر است:

فما قدر في تلك الليلة وقضي فهو من المحتوم والله فيه المشية...
پس هر چه در این شب مقدر شود و امضا گردد آن امر از محتومات
است، و (تنها) برای خدا در آن مجال بداء و مشیت جدید وجود
دارد.

امکان «بداء» نماد حرّیت ذاتی و سلطنت مطلقه الهی است که در
سرتاسر آفرینش جاری و ساری است.
مطرح کردن قید امکان «بداء» نسبت به قضا و قدر در شب قدر،
در واقع بیان اوج قطعیت و تنجز تقدیر امام زمان علیه السلام در شب قدر
است.

راز ۵: شب قدر نماد سلطنت مطلقه امام زمان علیه السلام

اینک عصاره برخی از روایات را جمع بندی می‌کنیم:

(۱) شب قدر، گسترده‌ترین تقدیر جهانی است.

(۲) تقدیرات، به امضای امام زمان علیه السلام نهایی می‌گردد.

(۳) عظمت شب قدر، نماد رحمت رحیمیه خاصه است.

(۴) تنها محدودیت مقدرات شب قدر، حریت ذاتیه الهی است.

از ضمیمه کردن نکات مطرح شده در این روایات می‌توان نتیجه
گرفت که شب قدر، نماد سلطنت تام و مطلق امام زمان علیه السلام در تدبیر
و تولیت جهان است.

البته و صد البته مقید شدن این سلطنت به «بداء» مستلزم این است که سلطنت امام، سلطنت ذاتی نیست بلکه بالغیر و به عطای الهی است.

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْتُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ^۱

این عطای بی حساب ماست، [به هر کس خواهی] بی حساب ببخش و [از هر کس خواهی] دریغ کن.

به سخن دیگر بیان قید عقلی حریت ذاتی و سلطنت مطلقه، در واقع بیان حریت و سلطنت مطلقه است، اما این سلطنت امام زمان علیه‌السلام ذاتی نیست بلکه بالغیر است.

راز ۶: شب تقدیر تمام جهان تا روز قیامت

شب قدر تنها تقدیر سالانه نیست، بلکه تقدیر کلی جهان نیز در این ظرف اتفاق افتاده است.

علی بن ابی طالب علیه‌السلام گفت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به من فرمود ای علی آیا می‌دانی معنی لَيْلَةِ الْقَدْرِ چیست؟ گفتیم نه ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. حضرت فرمود به راستی که خداوند تبارک و تعالی در

این شب، تقدیر آن چه را که تا روز قیامت هست، رقم زده است.

از جمله آن چه خداوند عزوجل در شب قدر مقدر کرده است ولایت تو و ولایت امامان از نسل تو تا روز قیامت است.^۱

این روایت که ناظر به یکی از تفسیرهای شب قدر است بیان می‌کند که شب قدر، علاوه بر این که شب تقدیرات سالانه جهان است، علاوه بر این شب تقدیرات تمامی جهان آفرینش نیز بوده است.

راز ۷: شب قدر، نخستین تقدیر آفرینش

در یکی دیگر از تفسیرهای شب قدر، لَيْلَةُ الْقَدْرِ به عنوان نخستین آفریده معرفی شده است.

البته که خداوند جل ذکره لَيْلَةَ الْقَدْرِ را در اول آفرینش دنیا آفرید و البته که نخستین پیامبر و وصی را، در شب قدر آفرید و البته که مقدر فرمود که در هر سالی شبی باشد که در آن شب تفسیر اموری (که پیش از این به اجمال برای این سال مقدر شده بود) تا مانند همین شب از سال آینده، فرود آورد.

کسی که این را انکار کند در واقع علم خداوند عزوجل را رد کرده است....^۱

این روایت ناظر به بحث پیچیده و عمیق «اول ما خلق الله» (نخستین آفریده خدا) است.

توضیح این که نخستین آفریده خداوند با تعبیرات متفاوتی در روایات بیان شده است. برخی از این تعبیرات عبارت است از:

اول ما خلق الله الماء، النور، النور الظلی، نور النبی ﷺ، روح النبی ﷺ، امیرالمؤمنین علی، الحجب، حروف معجم، العقل، القلم و....

در نظر سطحی این دسته از روایات متعارض دیده می‌شوند. اما همچنان که برخی از بزرگان احتمال داده‌اند، جمع میان روایات ممکن است.

بر اساس جمع یاد شده، رابطه دقیقی میان عناوین مطرح شده به عنوان «اول ما خلق الله» تعریف می‌شود.

این رابطه هر چه که باشد، شب قدر را نیز به عنوان یکی از موارد «اول ما خلق الله» در بر می‌گیرد.

اینجاست که رازی دیگر از شب قدر نمایان می‌شود و دشواری درک شب قدر آشکارتر می‌گردد.

راز ۸:...

...

کلید اسرار شناسنامه اهل البیت علیهم‌السلام

از لابلائی مباحث پیشین روشن شد که شناخت شب قدر و شناخت امام زمان علیه‌السلام در گرو شناخت کلید واژه‌های اساسی و مهمی است. برخی از این کلید واژه‌ها عبارتند از:

حقیقت قرآن (تجلی رب)

کلمه و کلام و کتاب الهی

حقیقت عمود نور میان اهل البیت علیهم‌السلام و پروردگار عزوجل

حقیقت روح القدس

آفرینش نوری اهل البیت علیهم‌السلام

«اول ما خلق الله»

آشنایی با مباحث اسماء و صفات

و...

با اندک درنگی در عناوین یاد شده روشن می‌شود که:

۱) عنوان «سوره قدر شناسنامه‌ی اسرارآمیز اهل البيت علیه السلام» هرگز مبالغه‌آمیز نیست.

۲) کلید اسرار شناسنامه اهل البيت علیه السلام، مباحث اسرارآمیز دیگری است.

آن چه امر را شگفت‌تر و اسرارآمیزتر می‌کند این است که همه مباحث پیشین در حد فهم عبارات قرآن است و نه بیشتر.

توضیح این که پیش از این در روایت ۱ این چنین گذشت:

امام حسین علیه السلام فرمود: کتاب خدا بر چهار چیز است: بر عبارت و اشاره و لطائف و حقائق. عبارت آن برای عوام مردم و اشاره آن برای خواص مردم و لطائف آن برای اولیاء الهی و حقائق آن برای پیامبران است.

ناگفته پیداست که مطالب پیش روی شما نه از حقایق قرآن است و نه از لطایف آن.

اشارات آن هم که از آن خواص است.

بنا بر آن چه گفته شد در حوزه درایت عبارت قرآن است و بس.

اما آن چه مهم است این است که شناخت رازهای شب قدر و اسرار شناسنامه اهل البيت علیه السلام، حتی در حوزه درایت عبارت نیز در گرو شایستگی روحی ویژه‌ای است. آری شناخت قرآن و از جمله آن شناخت سوره قدر ممکن نیست، مگر این که:

عروسی حضرت قرآن نقاب آنگه براندازد
که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا
حاصل گردآوری ناقصی که در روایات مرتبط با شب قدر انجام
شد، این گردید که رابطه‌ای بس عمیق و اسرارآمیز میان شب قدر و
امام زمان ارواحنا له الفداء وجود دارد.
این رابطه هر چه که باشد، نشان از عظمت شب قدر و عظمت
مقام بقية اللهی صاحب الزمان علیه السلام دارد.
اما فهم و درایت این امور دیگر از عهده هر کسی ساخته نیست.
تایار که را خواهد و میلش به که باشد!
این نوشتار بهانه‌ای است برای توجه بیشتر به ماه فاطمه علیها السلام در ماه خدا!
آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
آیا بُود که گوشه چشمی به ما کنند
تردیدی نیست که اسرار شناسنامه اهل البیت علیهم السلام بسیار بیشتر از
سرفصل‌هایی است که برشمردیم.
لذا گتره نیست اگر بگوییم:
همچنان که رسیدن به کنه سوره توحید (نسبة الرب) ناشدنی است،
همچنین رسیدن به کنه سوره قدر (نسبة اهل البیت علیهم السلام) نیز محال است.

پیوستها

پیوست ۱: تحیت برتر

ادب، یکی از ویژگی‌های برجسته انسانی است که سرچشمه آن خداوند متعال است.

پیامبر ﷺ: پروردگار من مرا تأدیب کرد پس نیکو تأدیب نمود.^۱
هنگامی که این گفته خدای تعالی نازل شد که: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ
بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ^۲ (گذشت پیشه کن، و به [کار]
پسندیده فرمان ده، و از نادانان رُخ برتاب.) رسول خدا ﷺ فرمود
پروردگار من مرا به مکارم اخلاق تأدیب کرد.^۳

در روایت جالبی امیرالمؤمنین علیؑ به کمیل می‌فرماید:
ای کمیل واقعا که خداوند رسول خدا ﷺ را ادب کرده است و او

(۱) روایت ۹۸

(۲) اعراف/۱۹۹

(۳) روایت ۹۹

(نیز) مرا ادب کرده است و من مؤمنین را ادب می‌کنم و من
آدابِ اهل کرامت را به ارث می‌گذارم.^۱
در یکی از دعاها به ما آموزش داده‌اند که خداوند را این گونه
ستایش نماییم:

ستایش خدایی که... مرا ادب کرد و نیکو ادب نمود.^۲
یکی از آداب الهی، در مورد تحیت گفتن است. در این باره در قرآن
چنین آمده است:

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيباً.^۳

و چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود
گویید، یا همان را [در پاسخ] برگردانید، که خدا همواره به هر
چیزی حسابرس است.

امام علی(ع) درباره معنی تحیت در این آیه این چنین می‌فرماید:
تحیت، سلام و غیر سلام از کارهای نیک است.^۴

(۱) روایت ۱۰۰

(۲) روایت ۱۰۱

(۳) نساء / ۸۶

(۴) روایت ۱۰۲

اما نکته جالب این است که آغاز کننده تحیت، باز هم برتر از کسی است که پاسخ بهتر داده است. توجه کنید:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گوید، و هنگامی که دستی به تو نیکویی کرد پس به آن چه بر نیکی او می چربد جبران نما و (با این همه)، برتری با آن کسی است که شروع کننده بوده است.^۱

روایت زیر یکی از مصادیق تحیت را بیان می کند:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که یکی از شما عطسه کرد برای او دعا کنید. پس اگر دعا کننده گفت **يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ** پس در پاسخ او بگوئید **يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ يَرْحَمُكُمْ**. زیرا خداوند گفته است: **وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ....^۲**

امیرالمؤمنین علیه السلام : هنگامی که یکی از شما عطسه کرد پس شما برای او دعا کنید، بگوئید **يَرْحَمَكَ اللَّهُ وَ عَطَسَ كُنْ** به شما پاسخ می دهد **يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ يَرْحَمُكُمْ** (زیرا) خداوند تبارک و تعالی گفته است: **وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ....^۳**

(۱) روایت ۱۰۳

(۲) روایت ۱۰۴

(۳) روایت ۱۰۵

جریان زیر یکی از مصادیق جالب آیه تحیت است:

انس می‌گوید نزد امام حسین علیه السلام بودم. کنیزی بر حضرت وارد شد در که حالی شاخه گلی دستش بود پس آن را به عنوان احترام و خوشامدگویی به امام حسین علیه السلام داد. حضرت به او فرمود تو برای خدا آزادی (و او را از کنیزی آزاد ساخت. انس می‌گوید با تعجب) به حضرت عرض کردم این کنیز با یک شاخه گلی که ارزشی ندارد به شما احترام کرد، شما او را آزاد کردی؟! فرمود این چنین خداوند تعالی ما را مؤدب ساخته است و فرموده است: **وَإِذَا حُيِّتُمْ بِحِجَّةٍ...**^۱

از روایتی برمی‌آید که اگر تحیت کسی را مثل خودش رد کنیم، تحیت تقصیرکارانه است. توجه کنید:

ابو یزید بسطامی حکایت کرد که از بسطام به قصد زیارت خانه خدا بیرون آمدم پس از مسیر شام حرکت کردم، (رفتم) تا این که به دمشق رسیدم. هنگامی که در (منطقه) غوطه بودم از قریه‌ای از قرای آن گذشتم پس در یکی از قریه‌ها تل خاکی دیدم که بچه‌ای میان قامت (یا چهار ساله و یا...) با خاک بازی می‌کرد با خودم گفتم این بچه است اگر بر او سلام کنم، سلام را

نمی‌فهمد و اگر سلام نکنم، کار واجبی را ترک کردم (در آخر) تصمیم گرفتم بر این که بر او سلام کنم، پس بر او سلام کردم. آن کودک سرش را به طرف من بلند کرد و گفت سوگند به کسی که آسمان را برپاداشته و زمین را گسترانده، اگر نبود آن چه خدا فرمان داده، که سلام را پاسخ گوئیم، (هرگز) جواب سلامت را نمی‌گفتم. زیرا امر مرا کوچک شمردی و مرا برای کمی سنم حقیر شمردی. (سپس گفت) علیک السلام و رحمة الله و برکاته و تحياته و رضوانه.

و سپس گفت راست گفت خداوند که وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا و بعد ساکت شد. پس (ادامه آیه را خواندم و) گفتم «أَوْ رُدُّوها» گفت این کار تقصیر کننده‌ای مانند توست.

از این جریان دانستم که این بچه از اقطاب مورد تأیید است. سپس گفت ای بایزید چه چیزی تو را از شهر خودت بسطام به شام آورده است؟ گفتم ای سید من قصد خانه خدا کرده‌ام. (مدتی گذشت) تا این که بلند شد و گفت آیا تو وضو داری؟ گفتم نه، گفت دنبال من بیا پس به اندازه ده گام دنبالش رفتم، رودی را دیدم که از فرات بزرگتر بود، پس نشست و نشستم و بهترین وضو را گرفت و من هم وضو گرفتم، ناگهان دیدم

قافله‌ای می‌گذرد، نزد یکی از آنها رفتیم و از اسم رود پرسیدیم، گفت این رود جیحون (واقع در ازبکستان و ترکمنستان فعلی و شمال افغانستان) است و ساکت شد. سپس آن جوان به من گفت بلند شو با او بلند شدم و بیست قدم همراهش رفتم، ناگهان دیدم که در کنار رودی هستیم که بزرگتر از فرات و جیحون بود. به من گفت بنشین پس نشستیم و او رفت. در این هنگام مردمی سوار بر مرکب از پیش من گذشتند، از آنها پرسیدم که در چه مکانی هستیم؟ گفتند اینجا رود نیل مصر است و میان تو و مصر یک فرسخ یا کمتر فاصله است و رفتند. ساعتی نگذشته بود که رفیقم حاضر شد و به من گفت بلند شو، تصمیم گرفته شده، پس همراه او بلند شدم و به اندازه بیست قدم رفتم، پس هنگام غروب خورشید به درختان خرماي بسیاری رسیدیم و نشستیم سپس بلند شد و به من گفت مقدار کمی بیا پشت سر او رفتم ناگهان دیدم که در کنار کعبه هستیم... از مردی که کعبه را باز می‌کرد پرسیدم که این جوان کیست؟ گفت این آقای من محمد جواد صلی الله علیه است. پس گفتم خدا داناتر است که رسالتش را کجا قرار دهد.^۱

آن چه از این روایت شاهد ما است این نکته است که «ردّ تحیت» اگر مساوی با خود «تحیت» باشد، کار افراد مقصّر است و شایسته اولیای الهی نیست.

پیوست ۲: ذکر و دعای ما، آینه نگاه رب الارباب

بسیاری از توفیقات ما، ریشه در جایی دارد که ما از آن بی خبریم. به عنوان مقدمه به مطلبی با عنوان «چرا هنگام نام قائم می ایستیم؟» اشاره می کنیم:

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد:

در میان لقب های حجة بن الحسن، سبب این که (تنها) هنگام یاد کردن لقب «قائم» برمی خیزیم، چیست؟

امام فرمود:

زیرا برای او غیبتی طولانی است.

(در دوران غیبت) از شدت مهربانی امام زمان به دوستانش، حضرت به هر کسی که او را به این لقب یاد کند، (مهربانانه) می نگرد.

(ویژگی این لقب این است که) این لقب یادآور دولت امام زمان وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلُ در زمان ظهور و یادآور حسرت به خاطر غربت او در دوران پیش از ظهور است.

هنگام نگاه مولای جلیل به چنین کسی، (ادب در مقابل آن حضرت و) تعظیم به آن حضرت اقتضا می‌کند بنده‌ای که برای صاحب و مولایش خاضع است، بایستد و از خداوند تعجیل فرجش را بخواهد.^۱

از این حدیث روشن می‌شود که ایستادن و احترام ما نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، احترامی نیست که ما آغازگر آن باشیم، بلکه پاسخی است به نگاه مهربانانه آن حضرت.

از دیگر روایات برمی‌آید که در یاد خدا نیز ما آغازگر نیستیم، بلکه پیش از این که ما خدا را یاد کنیم او به ما نگریسته و از ما یاد کرده است.

قبل از هر چیزی اشاره‌ای به اهمیت یاد خدا می‌نماییم:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود آقا و سرور کارها(ی خوب) سه چیز است:

- ۱) آن چنان با مردم منصفانه برخورد کنی که چیزی برای خود نپسندی مگر این که مانند آن را برای آنها بپسندی.
- ۲) مساوات با برادر ایمانی در مال و ثروت (یعنی هر چه داری

میان خود برادرات مساوی تقسیم کنی.)

۳) یاد خداوند در تمامی حالات و یاد خداوند این نیست که تنها به زبان گفته شود «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر».

بلکه یاد خدا این است هنگامی که چیزی بر تو وارد شد که مورد امر الهی است، آن را انجام دهی و هنگامی که چیزی بر تو وارد شد که مورد نهی الهی است، آن را ترک کنی.^۱

پیداست که انصاف و مساوات یاد شده در این روایت تنها از کسانی برمی آید که به مقامات بلند کمال رسیده باشند. «یاد همیشگی خداوند» در ردیف امور فوق العاده مهمی مانند انصاف و مساوات آمده است. خود این امر نشان از جایگاه بلند ذکر خداوند دارد.

اینک سراغ مقدمه سوم می رویم. روایت مهمی است که کلید حل بسیاری از مطالب فوق العاده است. توجه کنید:

(حقیقت) یاد (خداوند)، نه از کارهای زبان است و نه از راه‌هایی (ی است که) فکر (می‌پیماید)، بلکه ذکر (حقیقتی است

که رتبه) اول و آغاز آن از (خداوندی است که) یاد شده است و (رتبه) دوم، از (بنده) یاد کننده است.^۱

بر اساس این روایت، پیش از این که ما خدا را یاد کنیم، نور توجه او بر دل ما تابیده است که دل را به تلاش برای یاد او وامی دارد.

بنا بر این، یاد خدا از بنده، در واقع آینه‌ای است از عنایت پیشین او و به همین جهت، بنده وامدار و مدیون خداست، نه این که خدمتی پیش دستانه از بنده به ساحت قدس الهی باشد.

پیوست ۳: ارزش شگفت دعای پشت سر برای مؤمن

دعای پشت سر برای برادر مؤمن، آثار و ویژگی‌های شگفتی دارد.

در این نوشتار به فهرست کردن برخی از سرفصلهای دعای پشت سر مؤمن بسنده می‌کنیم.

(۱) آثار دعا برای غیر

(۱،۱) دعا برای غیر روزی را فراوان می‌کند

(۱،۲) دعا برای غیر بلاء و مکروه را دفع می‌کند

(۱،۳) دعا برای غیر قطعاً برای غیر به استجاب می‌رسد

۲) ویژگی دعا برای غیر

۲،۱) هر چه دعا عمومی تر باشد استجابتش قطعی تر است

(فليعلم فإنه أوجب للدعاء)

۲،۲) دعا برای غیر سریع تر به اجابت می رسد (أسرع الدعاء

إجابة دعاء غائب لغائب)

۲،۳) دعا برای غیر جامع تر مستجاب می شود (أوسع دعوة و

أسرع إجابة دعوة المؤمن لأخيه بظهر الغيب)

۲،۴) دعا برای غیر مصداق دعا به زبانی است که با آن

معصیت نشده است بنا بر این به اجابت نزدیکتر است

(ادعني بلسان لم تعصني به فقال أنى لي بذلك فقال ادعني

بلسان غيرك)

۲،۵) دعا برای غیر استجابتش برای خود شخص ضمانت

شده است (فلم أحب أن أترك مائة ألف ضعف مضمونة

بواحدة - لا أدري يستجاب أم لا)

۳) ویژگی استجابت برای خود دعا کننده

۳،۱) دعا برای غیر، مانندش برای دعا کننده مستجاب

می شود (قال الملك فلك بمثل ذلك)

۳،۲) دعا برای غیر، دو برابر برای دعا کننده مستجاب می شود

(يقول له الملك لك مثلاه)

۳,۳) دعا برای غیر، به تعداد افرادی که برایشان دعا شده
فرشته برای دعا کننده دعا می‌کند (وکل الله به عن کل
مؤمن ملکا يدعو له)

۳,۴) به عدد افرادی که برایشان دعا شده است خود خداوند
دعا برای خود دعا کننده مستجاب می‌کند (رد الله عزوجل
مثل الذي دعا لهم من مؤمن أو مؤمنة مضى من أول الدهر أو
هوأت إلى يوم القيامة)

۳,۵) دعا برای غیر، صد هزار برابر برای دعا کننده مستجاب
می‌شود (نودي من العرش و لك مائة ألف ضعف فكرهت
أن أدع مائة ألف ضعف مضمونة لواحدة لا أدري يستجاب أم
لا)

۳,۶) دعا برای غیر، سه میلیون و هشتصد هزار برابر برای دعا
کننده مستجاب می‌شود!!!

برای دیدن روایاتی که سرفصل‌های آنها گذشت به بخش
مستندات روایی مراجعه نمایید.^۱

لذا در این جا تنها به دو روایت ناب بسنده می‌کنیم:
زید نرسی گفت: همراه معاویه بن وهب در عرفات بودم در حالی

(۱) به روایات ۱۱۱ تا ۱۳۱ مراجعه کنید.

که او مشغول دعا بود.

دعایش را زیر نظر گرفتم. ندیدم که به یک حرف برای خودش دعا کند. ولی برای فرد فرد مردم از سرزمینها (ی گوناگون) دعا می کرد و آنان را به نام خودشان و نام پدرانشان نام می برد. (پیوسته همین گونه دعا می کرد) تا (غروب شد و) مردم از عرفات کوچ کردند.

به او گفتم ای عمو البته که از تو کار شگفتی دیدم.

گفت از آن چه دیدی چه چیزی تو را شگفت زده کرد؟

گفتم ایثار تو برادرانت را نسبت به خودت در این مکان و رسیدگی تو به فرد فرد آنها.

معاویة بن وهب به من گفت نباید از این شگفت زده شوی. زیرا

من... از امام صادق علیه السلام به گوش خودم شنیدم که می فرمود:

کسی که برای برادرش در پشت سر او دعا کند فرشته ای از آسمان دنیا ندا می دهد: ای بنده خدا صد هزار برابر از آن چه دعا کردی برای تو باشد.

و فرشته ای از آسمان دوم ندا می دهد: ای بنده خدا دویست هزار

برابر از آن چه دعا کردی برای تو باشد.

و فرشته ای از آسمان سوم ندا می دهد: ای بنده خدا سیصد هزار

برابر از آن چه دعا کردی برای تو باشد.

و فرشته‌ای از آسمان چهارم ندا می‌دهد: ای بنده خدا چهارصد هزار برابر از آن چه دعا کردی برای تو باشد.

و فرشته‌ای از آسمان پنجم ندا می‌دهد: ای بنده خدا پانصد هزار برابر از آن چه دعا کردی برای تو باشد.

و فرشته‌ای از آسمان ششم ندا می‌دهد: ای بنده خدا ششصد هزار برابر از آن چه دعا کردی برای تو باشد.

و فرشته‌ای از آسمان هفتم ندا می‌دهد: ای بنده خدا هفتصد هزار برابر از آن چه دعا کردی برای تو باشد.

سپس خداوند تبارک و تعالی او را ندا می‌دهد: من بی‌نیازی هستم که (هرگز) نیازمند نمی‌شوم. ای بنده خدا یک میلیون برابر آن چه دعا کردی برای تو باشد.

(سپس معاویه بن وهب گفت) ای پسر برادرم (با توجه به دو میلیون و هشتصد هزار برابر دعا، در برابر یک دعای من) ارزش کدامیک از این دو بیشتر است؟ آن چه من برای خودم انتخاب کرده‌ام یا آن چه که تو به من دستور می‌دهی؟!^۱

امام صادق علیه السلام گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمنی نیست که برای مردان و زنان مؤمن دعا کند، جز این که خداوند عزوجل از

سوی همه مردان و زنان مؤمن که از اول روزگار گذشته‌اند یا مؤمنینی که تا روز قیامت می‌آیند، همانند آن چه که برای آنها دعا کرده به مؤمن دعاکننده باز می‌گرداند. واقعا که در روز قیامت دستور داده می‌شود که بنده (گنهکار) را به سوی آتش برند، آن بنده توسط فرشتگان عذاب بر روی زمین کشیده می‌شود (که به دوزخ انداخته شود، در این هنگام) مردان و زنان مؤمن می‌گویند ای پروردگار این بنده همانی است که برای ما دعا می‌کرده است، ما را شفیع او قرار ده (و او را از آتش نجات ده) پس خداوند عزوجل مؤمنین را شفیع او قرار می‌دهد و آن بنده نجات پیدا می‌کند.^۱

پیوست ۴: نیابت و شراکت در طاعات

تردید نیست که می‌توان ثواب اعمال را به دیگران هدیه کرد، خواه آن دیگری زنده باشد و خواه مرده. همچنین تردید نیست که می‌توان دیگران را در برخی از اعمال خود شریک گردانیم، خواه شراکت در دعا باشد و خواه شراکت در سایر عبادات.

همچنین تردیدی نیست که می‌توان برخی از عبادات را به نیابت از دیگران انجام داد، خواه این نیابت همراه با اجرت باشد و خواه رایگان و فی سبیل الله.

روایات رسیده از اهل البیت علیهم السلام نیز بر همه امور یاد شده، مهر صحت گذاشته است.

هر چند این گونه اعمال ارزش خاص خودش را دارد، اما آن چه مهم است این است که آیا ثوابی هم نصیب شخص انجام دهنده عمل می‌گردد یا خیر؟

برخی از روایات در این زمینه را مرور می‌کنیم:

عبدالرحمن بن سنان گفت نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی بر حضرت وارد شد. پس حضرت سی دینار به او عطا کرد تا از جانب اسماعیل (فرزند امام) حج به جا آورد و حضرت هیچ عملی از اعمال عمره تا اعمال حج را روا نکرد مگر این که بر آن مرد شرط کرد که همه این اعمال را انجام دهد. حتی بر او شرط کرد که از وادی محسّر سعی را انجام دهد.

سپس فرمود ای مرد به خاطر این که اسماعیل مالش در این امر انفاق کرده است هنگامی که تو این عمل را برای اسماعیل انجام

دهی، برای اسماعیل یک حج نوشته می‌شود، و(لی) به خاطر این که تو بدنت را خسته کرده‌ای برای تو ۹ حج نوشته می‌شود.^۱ اگر در نیابت با اجرت، ثواب عمل این گونه باشد، قطعاً در موردی که هدیه باشد و اجرتی در کار نباشد، ثواب بیشتری برای خود انجام دهنده در کار خواهد بود.

البته اجر چنین شخصی در روایات، مختلف نقل شده است. ممکن است اختلاف اجر، به خاطر اختلاف اخلاص شخص انجام دهنده باشد و ممکن است امور دیگری در بیان اختلاف اجر دخیل باشد.

در روایت دیگری این چنین آمده است:

به امام صادق علیه السلام گفتم مردی از جانب دیگری حج به جا می‌آورد. برای او چه اجر و ثوابی است؟ فرمود برای کسی که از جانب مرد دیگری حج به جا می‌آورد اجر و ثواب ده حج است.^۲ به سخن دیگر اجر کسی که عمل برای او به جا آورده شده، هیچ گاه اجر عامل را کم نمی‌کند، بلکه همیشه اجر بالاتر به خود عامل

(۱) روایت ۱۳۲

(۲) روایت ۱۳۳

داده می‌شود.

اما جالب‌تر این است که برای تمامی افرادی که آنان را در عمل خودت شریک می‌کنی، ثواب کامل نوشته می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود اگر هزار نفر را در حج خودت شریک کنی، البته که برای هر کدام از آنها اجر یک حج نوشته می‌شود، بدون این که از ثواب حج خودت کم گردد.^۱

حالا اگر عنوان دیگری هم بر عمل خودت منطبق باشد، بر حسب آن عنوان، اجر و ثواب اضافه می‌شود. توجه کنید:

امام صادق علیه السلام درباره مردی که پدر و برادر و نزدیکانش را شریک در حجش می‌کند، فرمود: در این هنگام برای تو (که دیگران را شریک کرده‌ای) یک حج مانند حج آنان نوشته می‌شود و (علاوه بر آن) به خاطر صله رحمی که کرده‌ای اجر تو زیادت‌ر می‌شود.^۲

حالا اگر کسی امام زمانش را شریک در اعمالش کند و با این شراکت، قصد صله رحم با پدر معنوی خودش، پیامبر صلی الله علیه و آله را داشته

(۱) روایت ۱۳۴

(۲) روایت ۱۳۵

باشد، ثواب صله رحم با پیامبر ﷺ نیز بر ثواب عمل خودش افزوده می‌گردد.

اما در این میان ارزش انجام عمل از جانب صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها، غوغاست. توجه کنید:

موسی بن قاسم گفت به امام جواد علیه السلام گفتیم: واقعا که می‌خواستم از جانب شما و پدر شما، طواف کعبه انجام دهم، (اما) به من گفته شد که از جانب اوصیاء طواف انجام نمی‌شود (و جایز نیست).

حضرت به من فرمود (این سخن درست نیست) بلکه هر چه می‌توانی (این گونه) طواف کن واقعا این کار جایز است.

بعد از سه سال (دوباره همین مطلب را نزد امام مطرح ساختم و) به حضرت گفتم به راستی که من از شما درباره انجام طواف از جانب شما و پدرت اجازه گرفتم و شما در این مورد به من اجازه فرمودی. پس به مقدار زیادی از جانب شما و پدرت طواف کردم.

سپس چیزی به دلم افتاد و به آن عمل کردم.

حضرت فرمود چه چیزی؟

گفتم یک روز از جانب رسول خدا ﷺ طواف کردم. حضرت (پس از شنیدن نام پیامبر ﷺ) سه مرتبه فرمود صلی الله علی

رسول الله. (بعد من ادامه دادم و گفتم) روز دوم از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام و روز سوم از جانب امام حسن علیه السلام و روز چهارم از جانب امام حسین علیه السلام و روز پنجم از جانب علی بن الحسین علیه السلام و روز ششم از جانب امام باقر علیه السلام و روز هفتم از جانب امام صادق علیه السلام و روز هشتم از جانب پدرت موسی کاظم علیه السلام و روز نهم از جانب پدرت علی بن موسی علیه السلام و روز دهم ای آقای من از جانب شما طواف کردم. این افراد کسانی هستند که من به ولایت اینان دیانت خدا را به جا می آورم. حضرت فرمود سوگند به خداوند که در این هنگام تدبیر دینی داری که از بندگان جز آن پذیرفته نمی شود.

(سپس) به حضرت گفتم و گاهی هم از جانب مادر شما فاطمه علیه السلام طواف می کنم و گاهی هم از جانب ایشان طواف نمی کنم. (نظر شما در این باره چیست؟)

حضرت فرمود از این طواف، خیلی انجام بده، چرا که ان شاء الله طواف از جانب فاطمه علیه السلام برتر از آن طوافهایی است که تو همیشه از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله و ما انجام می دهی.^۱

آری عمل به نیابت از فاطمه زهرا علیه السلام برتر از همه اعمال است!

سخن را با حدیثی درباره یکی از شیعیان زیرک و زرنگ به پایان می‌بریم.

فضل بن هشام می‌گوید به من از حج فراوان کردن شخصی به نام محمودی خبر داده شد. پس از او پرسیدم چقدر حج به جا آورده‌ای؟ (از من پنهان کرد) و تعداد حج‌هایش را به من نگفت. و (به شکل کلی) گفت خیر فراوانی روزی شدم و حمد از آن خداست.

به او گفتم از جانب خودت حج می‌کنی یا از جانب غیر خودت؟

گفت پس از انجام حجة الاسلام (حج واجب) از جانب غیر خودم حج به جا می‌آورم.

(به این ترتیب که اول به نیابت و) از جانب پیامبر ﷺ حج به جا می‌آورم.

و (بعد) هر آن چه که بر این عمل خداوند به من پاداش می‌دهد، برای اولیاء خدا (یعنی اهل البیت علیهم السلام) قرار می‌دهم.

و (بعد) ثواب هدیه به اولیاء خدا را به مردان و زنان مؤمن می‌بخشم.

به او گفتم در (نیت) حجت چه می‌گویی؟

گفتم می‌گویم خداوند به راستی که من حج انجام می‌دهم برای

رسول تو محمد ﷺ و پاداشی که از تو و از پیامبر ﷺ می‌گیرم
برای اولیاء طاهرین تو که سلام بر آنان باد قرار می‌دهم و این
ثواب خودم را به مردان و زنانی که به کتاب تو و سنت
پیامبر ﷺ تو ایمان آورده‌اند می‌بخشم....^۱

چه خوب است از این روایات درس بگیریم و زیرکی امثال
محمودی را به کار بندیم و در زمان‌ها و مکان‌های ویژه عبادت، مانند
ماه مبارک رمضان، امام زمان‌مان را در کارهای خیرمان شریک کنیم و
یا این که اعمال خیر را از جانب آن حضرت انجام دهیم!

و چه خوبتر که همه اعمال خیرمان را به نیابت از صدیقه طاهره
فاطمه زهرا علیها سلام انجام دهیم و ثواب آن را هدیه به همه
معصومین علیهم السلام و به خصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرجه نماییم و....

اگر فاطمه زهرا علیها سلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یک دعایی برای ما کنند،
قطعا اثرش از هزاران هزار دعای ما برای خود ما بیشتر است.

مستندات روایی «ماه در ماه»

مطالب نوشتار پیش رو مستند به روایات متعددی است. از آن جایی که برخی از این روایات مفصل است و متن عربی روایات مورد نیاز عموم فارسی زبانان نیست، در متن اصلی کتاب به ترجمه بخش مورد استشهاد آن روایات بسنده شد. اما به دلیل این که ممکن است مراجعه به روایات مورد نیاز برخی از محققین باشد، متن کامل روایات در این بخش ارایه می‌گردد.

روایت (۱)

قال الحسين بن علي عليه السلام كتاب الله عزوجل على أربعة أشياء على العبارة و الإشارة و اللطائف و الحقائق فالعبارة للعوام و الإشارة للخواص و اللطائف للأولياء و الحقائق للأنبياء.^۱

روایت (۲)

(۱) بحار الانوار ج ۷۵ ص ۲۷۸

عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: حديث تدريه خير من ألف ترويه ولا يكون الرجل منكم فقيها حتى يعرف معاريض كلامنا وإن الكلمة من كلامنا لتصرف على سبعين وجها لنا من جميعها المخرج^١.

(روایت ٣)

عن جابر الجعفي قال: سمعت الباقر عليه السلام يقول: عن تأويل قول الله عزوجل: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ^٢ فتنفس صعدا ثم قال: يا جابر أما السنة جدي رسول الله صلّى الله عليه وآله و شهورها الاثنا عشر من جدي أمير المؤمنين إلى الخلف المهدي من ولد الحسين اثنا عشر إماما وأما الأربعة الحرم منا فهم أربعة أئمة باسم واحد علي أمير المؤمنين و علي بن الحسين و علي بن موسى و علي بن محمد و الإقرار بهؤلاء الدِّينِ الْقَيِّمِ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ و تجعلوهم بالسواء جميعا^٣.

(روایت ٤)

(١) بحار الانوار ج ٢ ص ١٨٤

(٢) توبه/ ٣٦

(٣) الهداية الكبرى ٣٧٧

عن عبد الله بن عامر قال حدثني أبي عن الرضا عليه السلام أنه قال: إذا كان يوم القيامة زفت الشهور إلى الحشر يقدمها شهر رمضان عليه من كل زينة حسنة فهو بين الشهور يومئذ كالقمر بين الكواكب فيقول أهل الجمع بعضهم لبعض وددنا لو عرفنا هذه الصور فينادي مناد من عند الله جل جلاله يا معشر الخلائق هذه صور الشهور التي عدتها عند الله اثنا عشر شهراً في كتاب الله يوم خلق السماوات والأرض سيدة وأفضلها شهر رمضان أبرزتها لتعرفوا فضل شهري على سائر الشهور وليشفع للصائمين من عبادي وإمائي وأشفعه فيهم^٢.

روایت ۵

لا تقولوا رمضان و لا جاء رمضان قولوا شهر رمضان فإنكم لا تدرون ما رمضان^٣.

روایت ۶

إن الجنة لتعبر وتزين من الحول إلى الحول لدخول شهر رمضان^٤.

(۱) توبه/ ۳۶

(۲) فضائل الأشهر الثلاثة ص ۱۱۰

(۳) کافی ج ۴ ص ۶۹

(۴) بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۳۳۷

روایت (٧)

إن رمضان اسم من أسماء الله عزوجل فلا يقال له جاء و ذهب و
استقبل و الشهر شهر الله عزوجل و هو مضاف إليه^١.

روایت (٨)

إن شهر رمضان شهر عظيم^٢.

روایت (٩)

إن شهرکم هذا ليس كالشهور^٣.

روایت (١٠)

شهر هو عند الله أفضل الشهور^٤.

روایت (١١)

إن لرمضان حقا و حرمة لا يشبهه شيء من الشهور^٥.

روایت (١٢)

(١) فضائل الأشهر الثلاثة ص ٩٨

(٢) بحار الانوار ج ٩٣ ص ٣٦١

(٣) بحار الانوار ج ٩٣ ص ٣٦١

(٤) بحار الانوار ج ٩٣ ص ٣٥٦

(٥) کافی ج ٢ ص ٦١٧

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ 'فَغَرَّةُ الشُّهُورِ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَهُ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ قَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ نَزَلَ الْقُرْآنُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَاسْتَقْبِلِ الشَّهْرَ بِالْقُرْآنِ'.^٢

روایت (۱۳)

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله خطبنا ذات يوم فقال أيها الناس إنه قد أقبل إليكم شهر الله بالبركة والرحمة والمغفرة شهر هو عند الله أفضل الشهور وأيامه أفضل الأيام ولياليه أفضل الليالي وساعاته أفضل الساعات هو شهر دعيتم فيه إلى ضيافة الله و جعلتم فيه من أهل كرامة الله أنفاسكم فيه تسبيح و نومكم فيه عبادة و عملكم فيه مقبول و دعاؤكم فيه مستجاب... فإن الشقي من حرم غفران الله في هذا الشهر العظيم... و ارفعوا إليه أيديكم بالدعاء في أوقات صلاتكم فإنها أفضل الساعات ينظر الله عز وجل فيها بالرحمة إلى عباده يجيبهم إذا ناجوه و يليبهم إذا نادوه و يعطيهم إذا سألوه و يستجيب لهم إذا دعوه... أفضل الأعمال في هذا الشهر

(۱) توبه/۳۶

(۲) بحار الانوار ج ۵۵ ص ۳۷۶

الورع عن محارم الله....^١

(روایت ١٤)

الحمد لله الذي أكرمنا بك أيها الشهر المبارك....^٢

(روایت ١٥)

عن حفص بن غياث النخعي قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول إن شهر رمضان لم يفرض الله صيامه على أحد من الأمم قبلنا فقلت له فقول الله عزوجل يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^٣ قال إنما فرض الله صيام شهر رمضان على الأنبياء دون الأمم ففضل به هذه الأمة و جعل صيامه فرضا على رسول الله صلى الله عليه وآله وعلى أمته.^٤

(روایت ١٦)

لو علمتم ما لكم في شهر رمضان لزدتم لله شكرا....^٥

(١) بحار الانوار ج ٩٣ ص ٣٥٦

(٢) إقبال الأعمال ج ١ ص ٦٢

(٣) بقره/ ١٨٣

(٤) فضائل الأشهر الثلاثة ص ١٢٤

(٥) بحار الانوار ج ٨ ص ١٨٣

روایت (۱۷)

قال رسول الله ﷺ رب صائم حظه من صيامه الجوع والعطش و رب قائم حظه من قيامه السهر.^۱

روایت (۱۸)

قال أبو عبد الله عليه السلام إذا أصبحت صائماً فليصم سمعك و بصرک من الحرام و جارحتک و جميع أعضائك من القبيح....^۲

روایت (۱۹)

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الصيام ليس من الطعام و الشراب وحده إنما للصوم شرط يحتاج أن يحفظ حتى يتم الصوم و هو صمت الداخل أ ما تسمع ما قالت مريم بنت عمران إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا^۳ يعني صمتاً فإذا صمتم فاحفظوا ألسنتكم عن الكذب و غضوا أبصاركم و لا تنازعوا و لا تحاسدوا و لا تغتابوا و لا تماروا و لا تكذبوا و لا تباشروا و لا تخالفوا و لا تغاضبوا و لا تسابوا و لا تشاتموا و لا تفاتروا و لا تجادلوا و لا تتأذوا و لا تظلموا و لا تسافهوا و لا

(۱) بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۸۹

(۲) بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۹۲

(۳) مريم/ ۲۶

تضاجروا ولا تغفلوا عن ذكر الله و عن الصلاة و الزموا الصمت و
السكوت و الحلم و الصبر و الصدق و مجانبه أهل الشر و اجتنبوا قول
الزور و الكذب و الفري و الخصومة و ظن السوء و الغيبة و النميمة و
كونوا مشرفين على الآخرة منتظرين لأيامكم منتظرين لما وعدكم
الله متزودين للقاء الله و عليكم السكينة و الوقار و الخشوع و
الخضوع و ذل العبيد الخيف من مولاه خيرين خائفين راجين مرعوبين
مرهوبين راغبين راهبين قد طهرت القلب من العيوب و تقدست
سرائركم من الخبث و نظفت الجسم من القاذورات و تبرأت إلى الله
من عداه و واليت الله في صومك بالصمت من جميع الجهات مما قد
نهاك الله عنه في السرو العلانية و خشيت الله حق خشيته في شرك و
علانيتك و وهبت نفسك لله في أيام صومك و فرغت قلبك له و نصبت
نفسك له فيما أمرك و دعاك إليه فإذا فعلت ذلك كله فأنت صائم لله
بحقيقة صومه صانع له لما أمرك و كلما نقصت منها شيئاً فيما بينت
لك فقد نقص من صومك بمقدار ذلك و إن أبي عليه السلام قال سمع رسول
الله صلوات الله عليه وآله امرأة تساب جارية لها و هي صائمة فدعا رسول الله صلوات الله عليه وآله بطعام
فقال لها كلي فقالت أنا صائمة يا رسول الله فقال كيف تكونين

صائمه وقد سببت جاريتك إن الصوم ليس من الطعام والشراب وإنما جعل الله ذلك حجاباً عن سواهما من الفواحش من الفعل والقول يفطر الصائم ما أقل الصوم وأكثر الجوع.^١

روایت (۲۰)

قال أمير المؤمنين عليه السلام في بعض خطبه الصيام اجتناب المحارم كما يمتنع الرجل من الطعام والشراب.^٢

روایت (۲۱)

عن فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله أنها قالت ما يصنع الصائم بصيامه إذا لم يصن لسانه وسمعه وبصره وجوارحه.^٣

روایت (۲۲)

قال الصادق عليه السلام إذا صمت فليصم سمعك وبصرك وفرجك ولسانك وتغض بصرك عما لا يحل النظر إليه والسمع عما لا يحل استماعه إليه واللسان من الكذب والفحش.^٤

(۱) بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۹۲

(۲) بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۹۴

(۳) بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۹۵

(۴) بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۹۵

روایت (٢٣)

عن جعفر بن محمد عليه السلام أنه قال: لا صيام لمن عصى الإمام و لا صيام لعبد أبق حتى يرجع و لا صيام لامرأة ناشزة حتى تتوب و لا صيام لولد عاق حتى يبر.^١

روایت (٢٤)

اللهم أدخل على أهل القبور السرور اللهم أغن كل فقير اللهم أشبع كل جائع اللهم اكس كل عريان اللهم اقض دين كل مدين اللهم فرج عن كل مكروب اللهم رد كل غريب اللهم فك كل أسير اللهم أصلح كل فاسد من أمور المسلمين اللهم اشف كل مريض اللهم سد فقرنا بغناك اللهم غير سوء حالنا بحسن حالك اللهم اقض عنا الدين و أغننا من الفقر إنك على كل شيء قدير.^٢

روایت (٢٥)

أن أمير المؤمنين عليه السلام قال: أمرني رسول الله صلى الله عليه وآله أن أخرج فأنادي في الناس ألا من ظلم أجيرا أجره فعليه لعنة الله ألا من توالى غير مواليه فعليه لعنة الله ألا و من سب أبويه فعليه لعنة الله قال علي بن أبي

(١) بحار الأنوار ج ٩٣ ص ٢٩٥

(٢) البلد الأمين ص ٢٢٢

طالب عليه السلام فخرجت فنادت في الناس كما أمرني النبي صلى الله عليه وآله فقال لي عمر بن الخطاب هل لما ناديت به من تفسير فقلت الله ورسوله أعلم قال فقام عمر وجماعة من أصحاب النبي صلى الله عليه وآله فدخلوا عليه فقال عمر يا رسول الله هل لما نادى علي من تفسير قال نعم أمرته أن ينادي ألا من ظلم أجيرا أجره فعليه لعنة الله والله يقول قل لا أسئلكم عليه أجراً إلا المودة في القربى فمن ظلمنا فعليه لعنة الله وأمرته أن ينادي من توالى غير مواليه فعليه لعنة الله والله يقول النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم^۲ و من كنت مولاه فعلي مولاه فمن توالى غير علي فعليه لعنة الله وأمرته أن ينادي من سب أبويه فعليه لعنة الله وأنا أشهد الله وأشهدكم أني وعليا أبوا المؤمنين فمن سب أحدا فعليه لعنة الله فلما خرجوا قال عمر يا أصحاب محمد صلى الله عليه وآله ما أكد النبي صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام في الولاية في غدير خم ولا في غيره أشد من تأكيده في يومنا هذا قال خباب بن الأرت كان هذا الحديث قبل وفاة النبي صلى الله عليه وآله بتسعة عشر يوماً.^۳

روایت ۲۶)

(۱) شوری/۲۳

(۲) احزاب/۶

(۳) بحار الأنوار ج ۲۲ ص ۴۹۰

قال وإن لله تعالى في آخر كل يوم من شهر رمضان عند الإفطار ألف عتيق من النار فإذا كانت ليلة الجمعة و يوم الجمعة أعتق في كل ساعة منها ألف ألف عتيق من النار و كلهم قد استوجب العذاب فإذا كان في آخر شهر رمضان أعتق الله في ذلك اليوم بعدد ما أعتق من أول الشهر إلى آخره....^١

(روایت ٢٧)

عن علي بن المغيرة عن أبي الحسن عليه السلام قال: قلت له إن أبي سأل جدك عن ختم القرآن في كل ليلة فقال له جدك كل ليلة فقال له في شهر رمضان فقال له جدك في شهر رمضان فقال له أبي نعم ما استطعت فكان أبي يختمه أربعين ختمة في شهر رمضان ثم ختمته بعد أبي فربما زدت وربما نقصت على قدر فراغي و شغلي و نشاطي و كسلي فإذا كان في يوم الفطر جعلت لرسول الله صلى الله عليه وآله ختمة و لعلي عليه السلام أخرى و لفاطمة عليها السلام أخرى ثم للأئمة عليهم السلام حتى انتهيت إليك فصيرت لك واحدة منذ صرت في هذا الحال فأني شيء لي بذلك قال لك بذلك أن تكون معهم يوم القيامة قلت الله أكبر فلي بذلك قال

نعم ثلاث مرات. ^۱

روایت (۲۸)

عن الصادق عليه السلام: ليس الصيام مجرد الامتناع عن الطعام و الشراب، بل يجب أن تحفظوا ألسنتكم من الكذب و أعينكم من النظرة المحرمة و لا تنازعوا فيما بينكم و تجنبوا الحسد و الغيبة و الجدل و اليمين الكاذبة، بل الصادقة أيضا، و لا تسابوا و لا تظلموا و لا تعبثوا و لا تضجروا و لا تغفلوا عن ذكر الله و عن الصلاة و اسكتوا عما لا ينبغي لكم قوله و اصبروا و اصدقوا و اجتنبوا أهل الشر و قول السوء و الكذب و الافتراء و الخصومة مع الناس و سوء الظن و الغيبة و النمیمه، و أقصروا الأمل و كونوا في انتظار الفرج و ظهور قائم آل محمد وَجَاءَ الْمُرْتَضَى عَلَيْهِ السَّلَامُ و ارجوا ثواب الآخرة، و تزودوا بالأعمال الصالحة لسفر الآخرة و عليكم بالوقار و السكينة و الخضوع و الخشوع و الاستكانة و الانكسار و المذلة و كما يخاف العبد من سيده خافوا من عذاب ربكم، و ارجوا رحمته. ^۲

روایت (۲۹)

(۱) کافی ج ۲ ص ۶۱۸

(۲) زاد المعاد علامه مجلسی ص ۷۸

عن أبي جعفر عليه السلام: لقد خلق الله تعالى ليلة القدر أول ما خلق الدنيا
و لقد خلق فيها أول نبي يكون و أول وصي يكون و لقد قضى أن
يكون في كل سنة ليلة يهبط فيها بتفسير الأمور إلى مثلها من السنة
المقبلة فمن جحد ذلك فقد رد على الله تعالى علمه لأنه لا يقوم الأنبياء
و الرسل و المحدثون إلا أن يكون عليهم حجة بما يأتيهم في تلك الليلة
مع الحجة التي يأتيهم مع جبرئيل قال قلت و المحدثون أيضا يأتيهم
جبرئيل أو غيره من الملائكة قال أما الأنبياء و الرسل فلا شك في ذلك
و لا بد لمن سواهم من أول يوم خلقت فيه الأرض إلى آخر فناء الدنيا
من أن يكون على أهل الأرض حجة ينزل ذلك الأمر في تلك الليلة إلى
من أحب من عباده و هو الحجة و ايم الله لقد نزل الملائكة و الروح
بالأمر في ليلة القدر على آدم عليه السلام و ايم الله ما مات آدم إلا وله وصي و
كل من بعد آدم من الأنبياء قد أتاه الأمر فيها و وصفه لوصيه من بعده
و ايم الله إنه كان ليؤمر النبي فيما يأتيه من الأمر في تلك الليلة من آدم
إلى محمد صلى الله عليه وآله أن أوص إلى فلان و لقد قال الله تعالى في كتابه لولاة
الأمر من بعد محمد صلى الله عليه وآله خاصة وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ إِلَى

قوله هُمُ الْفَاسِقُونَ^١ يقول أستخلفكم لعلمي و ديني و عبادتي بعد نبيكم كما استخلفت وصاة آدم من بعده حتى يبعث النبي الذي يليه يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً يقول يعبدونني بإيمان أن لا نبي بعد محمد ﷺ فمن قال غير ذلك فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^٢ فقد مكن ولاية الأمر بعد محمد ﷺ بالعلم و نحن هم فاسألونا فإن صدقناكم فأقروا و ما أنتم بفاعلين أما علمنا فظاهر و أما إبان أجلنا الذي يظهر فيه الدين منا حتى لا يكون بين الناس اختلاف فإن له أجلا من ممر الليالي و الأيام إذا أتى ظهر الدين و كان الأمر واحدا و ايم الله لقد قضى الأمر أن لا يكون بين المؤمنين اختلاف و لذلك جعلهم الله شهداء على الناس ليشهد محمد ﷺ علينا و لنشهد نحن على شيعتنا و لتشهد شيعتنا على الناس أبى الله أن يكون في حكمه اختلاف أو بين أهل علمه تناقض ثم قال أبو جعفر عليه السلام ففضل إيمان المؤمن بحمله إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و بتفسيرها على من ليس مثله في الإيمان بها كفضل الإنسان على البهائم و إن الله تعالى ليدفع بالمؤمنين بها عن الجاحدين لها في الدنيا لكمال عذاب الآخرة لمن علم أنه لا يتوب منهم

ما يدفع بالمجاهدين عن القاعدين ولا أعلم في هذا الزمان جهادا إلا الحج والعمرة والجوار.^١

روایت (٣٠)

عن عمر بن يزيد قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام أ رأيت من لم يقر بما يأتاكم في لَيْلَةِ الْقَدْرِ كما ذكر ولم يجده قال أما إذا قامت عليه الحجة ممن يثق به في علمنا فلم يثق به فهو كافر وأما من لم يسمع ذلك فهو في عذر حتى يسمع ثم قال عليه السلام يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ^٢.

روایت (٣١)

عن عبد الله بن مسكان عن أبي جعفر و أبي عبد الله و أبي الحسن صلوات الله عليهم قال و حدثني أبي عن ابن أبي عمير عن يونس عن داود بن فرقند عن أبي المهاجر عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: يا أبا المهاجر لا يخفى علينا ليلة القدر إن الملائكة يطوفون

(١) بحار الأنوار ج ٢٥ ص ٧٤

(٢) توبه/٦١

(٣) بحار الأنوار ج ٩٤ ص ٢١

بنا فيها.^۱

روایت (۳۲)

عن أبي الهذيل عن أبي جعفر عليه السلام قال: يا أبا الهذيل أما لا يخفى علينا ليلة القدر إن الملائكة يطيفوننا فيها.^۲

روایت (۳۳)

عن زارة قال قال أبو عبد الله عليه السلام التقدير في ليلة تسع عشرة و الإبرام في ليلة إحدى وعشرين والإمضاء في ليلة ثلاث وعشرين.^۳

روایت (۳۴)

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: في ليلة تسع عشرة من شهر رمضان التقدير و في ليلة إحدى وعشرين القضاء و في ليلة ثلاث وعشرين إبرام ما يكون في السنة إلى مثلها لله جل ثناؤه **يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ** في خلقه.^۴

روایت (۳۵)

(۱) بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۱۳

(۲) بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۲۳

(۳) کافی ج ۴ ص ۱۵۹

(۴) کافی ج ۴ ص ۱۶۰

عن ابن عرادة قال: قيل للأمير المؤمنين عليه السلام أخبرنا عن ليلة القدر قال ما أخلو من أن أكون أعلمها فأستر علمها و لست أشك أن الله إنما يسترها عنكم نظرا لكم لأنكم لو أعلمكموها عملتم فيها و تركتم غيرها و أرجو أن لا تخطئكم إن شاء الله^١.

روایت (٣٦)

عن أبي ذر رضي الله عنه أنه قال قلت يا رسول الله صلى الله عليه وآله ليلة القدر شيء يكون على عهد الأنبياء ينزل فيها عليهم الأمر فإذا مضوا رفعت قال لا بل هي إلى يوم القيامة^٢.

روایت (٣٧)

عن داود بن فرقد قال: سمعت رجلا سأل أبا عبد الله عليه السلام عن ليلة القدر قال أخبرني عن ليلة القدر كانت أو تكون في كل عام فقال له أبو عبد الله عليه السلام لو رفعت ليلة القدر لرفع القرآن^٣.

روایت (٣٨)

و عن الصادق عليه السلام أنه قال: إنها باقية إلى يوم القيامة لأنها لو رفعت

(١) بحار الأنوار ج ٩٤ ص ٥

(٢) بحار الأنوار ج ٢٥ ص ٩٧

(٣) بحار الأنوار ج ٩٤ ص ١٧

لارتفع القرآن^۱.

روایت (۳۹)

عن أبي جعفر عليه السلام قال: يا معشر الشيعة خاصموا بسورة إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَفْلَجُوا فَوَ اللَّهِ إنها لحجة الله تبارك و تعالى على الخلق بعد رسول الله صلى الله عليه وآله و إنها لسيدة دينكم و إنها لغاية علمنا يا معشر الشيعة خاصموا ب حم و الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ^۲ فإنها لولة الأمر خاصة بعد رسول الله صلى الله عليه وآله يا معشر الشيعة يقول الله تبارك و تعالى وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ^۳ قيل يا أبا جعفر نذيرها محمد صلى الله عليه وآله قال صدقت فهل كان نذير و هو حي من البعثة في أقطار الأرض فقال السائل لا قال أبو جعفر عليه السلام أ رأيت بعثته أ ليس نذيره كما أن رسول الله صلى الله عليه وآله في بعثته من الله عز و جل نذير فقال بلى قال فكذلك لم يمت محمد إلا و له بعث نذير قال فإن قلت لا فقد ضيع رسول الله صلى الله عليه وآله من في أصلاب الرجال من أمته قال و ما يكفيهم القرآن قال بلى إن وجدوا له مفسرا قال و ما فسر رسول

(۱) بحار الانوار ج ۲۵ ص ۹۸

(۲) دخان ۱-۳

(۳) فاطر ۲۲

اللَّهُ ﷺ قال بلى قد فسرته لرجل واحد وفسر للأمة شأن ذلك الرجل و هو علي بن أبي طالب عليه السلام قال السائل يا أبا جعفر كان هذا أمر خاص لا يحتمله العامة قال أبى الله أن يعبد إلا سرا حتى يأتي إبان أجله الذي يظهر فيه دينه كما أنه كان رسول الله ﷺ مع خديجة مستترا حتى أمر بالإعلان قال السائل ينبغي لصاحب هذا الدين أن يكتم قال أ و ما كتم علي بن أبي طالب عليه السلام مع رسول الله ﷺ حتى ظهر أمره قال بلى قال فكذلك أمرنا حتى يبلُغ الكتابُ أَجَلُهُ^١ ٢

(روایت ٤٠)

قال رسول الله ﷺ إن الله اختار من الأيام الجمعة و من الشهور شهر رمضان و من الليالي ليلة القدر الخبر.^٣

(روایت ٤١)

قال أبو جعفر عليه السلام لما ترون من بعثه الله عز و جل للشقاء على أهل الضلالة من أجناد الشياطين و أزواجهم أكثر مما ترون خليفة الله

(١) بقره/٢٣٥

(٢) کافی ج ١ ص ٢٤٩

(٣) بحار الانوار ج ٨٦ ص ٢٧٣

الذي بعثه للعدل و الصواب من الملائكة قيل يا أبا جعفر و كيف يكون شيء أكثر من الملائكة قال كما شاء الله عز و جل قال السائل يا أبا جعفر إني لو حدثت بعض الشيعة بهذا الحديث لأنكروه قال كيف ينكرونه قال يقولون إن الملائكة أكثر من الشياطين قال صدقت افهم عني ما أقول إنه ليس من يوم و لا ليلة إلا و جميع الجن و الشياطين تزور أئمة الضلالة و يزور إمام الهدى عددهم من الملائكة حتى إذا أتت ليلة القدر فيهبط فيها من الملائكة إلى ولي الأمر خلق الله أو قال قيض الله عز و جل من الشياطين بعددهم ثم زاروا ولي الضلالة فأتوه بالإفك و الكذب حتى لعله يصبح فيقول رأيت كذا و كذا فلو سألت ولي الأمر عن ذلك لقال رأيت شيطاناً أخبرك بكذا و كذا حتى يفسر له تفسيراً و يعلمه الضلالة التي هو عليها و ايم الله إن من صدق ببليلة القدر ليعلم أنها لنا خاصة لقول رسول الله ﷺ لعلي عليه السلام حين دنا موته هذا وليكم من بعدي فإن أطعتموه رشدتم و لكن من لا يؤمن بما في ليلة القدر منكرو من آمن ببليلة القدر ممن على غير رأينا فإنه لا يسعه في الصدق إلا أن يقول إنها لنا و من لم يقل فإنه كاذب إن الله عز و جل أعظم من أن ينزل الأمر مع الروح و الملائكة إلى كافر فاسق فإن قال إنه ينزل إلى الخليفة الذي هو عليها فليس قولهم ذلك بشيء و إن قالوا إنه ليس ينزل إلى أحد فلا

يكون أن ينزل شيء إلى غير شيء وإن قالوا وسيقولون ليس هذا بشيء فقد ضلوا ضلالا بعيدا.^١

(روایت ٤٢)

عن أبي عبد الله عليه السلام قال كان علي بن أبي طالب عليه السلام كثيرا ما يقول التقينا عند رسول الله صلى الله عليه وآله والتميمي وصاحبه وهو يقول إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و يتخشع ويبكي فيقولان ما أشد رقتك بهذه السورة فيقول لهما إنما رقت لما رأت عيناى وعاء قلبي ولما رأى قلب هذا من بعدي يعني عليا عليه السلام فيقولان أ رأيت و ما الذي يرى فيتلو هذا الحرف تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ قال ثم يقول هل بقي شيء بعد قوله تبارك و تعالى كُلِّ أَمْرٍ؟ فيقولان لا فيقول هل تعلمان من المنزل إليه بذلك فيقولان لا والله يا رسول الله صلى الله عليه وآله فيقول نعم فهل تكون ليلة القدر من بعدي فيقولان نعم قال فهل تنزل الأمر فيها فيقولان نعم فيقول إلى من فيقولان لا ندرى فيأخذ برأسي فيقول إن لم تدريا هو هذا من بعدي قال فإن كانا يفرقان تلك الليلة بعد رسول الله صلى الله عليه وآله من شدة ما يدخلهما من الرعب.^٢

(١) کافی ج ١ ص ٢٥٢

(٢) بحار الأنوار ج ٩٤ ص ٢١

روایت (۴۳)

عن داود بن فرقد قال: سألته عن لَيْلَةِ الْقَدْرِ التي تَنْزَلُ فِيهِ الْمَلَائِكَةُ فقال تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْذَنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ قال ثم قال لي أبو عبد الله عليه السلام ممن و إلى من و ما ينزل؟!^۱

روایت (۴۴)

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أمضاه ثم أنهاه قال قلت إلى من جعلت فداك فقال إلى صاحبكم و لو لا ذلك لم يعلم ما يكون في تلك السنة....^۲

روایت (۴۵)

يقول أهل الخلاف لأمر الله عزوجل مضت ليلة القدر مع رسول الله صلی الله علیه و آله فهذه فتنة أصابتهم خاصة و بها ارتدوا على أعقابهم لأنهم إن قالوا لم تذهب فلا بد أن يكون لله عزوجل فيها أمر و إذا أقروا بالأمر لم يكن له من صاحب بد....^۳

(۱) بحار الانوار ج ۹۴ ص ۲۳

(۲) بحار الانوار ج ۹۴ ص ۲۰

(۳) کافی ج ۱ ص ۲۴۹

روایت (٤٦)

عن الحسن بن عباس بن حريش أنه عرضة على أبي جعفر عليه السلام فأقربه قال فقال أبو عبد الله عليه السلام إن القلب الذي يعاين ما ينزل في ليلة القدر لعظيم الشأن قلت وكيف ذاك يا أبا عبد الله قال ليشق والله بطن ذلك الرجل ثم يؤخذ إلى قلبه و يكتب عليه بمداد النور فذلك جميع العلم ثم يكون القلب مصحفا للبصر و يكون اللسان مترجما للأذن إذا أراد ذلك الرجل علم شيء نظربصره و قلبه فكأنه ينظر في كتاب قلت له بعد ذلك و كيف العلم في غيرها أ يشق القلب فيه أم لا قال لا يشق لكن الله يلهم ذلك الرجل بالقذف في القلب حتى يخيل إلى الأذن أنه تكلم بما شاء الله [من] علمه و الله واسع عليم^١.

روایت (٤٧)

عن أبي عبد الله عليه السلام قال سمعته يقول قال لي أبي محمد بن علي عليه السلام قرأ علي بن أبي طالب عليه السلام إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و عنده الحسن و الحسين عليه السلام فقال له الحسين عليه السلام يا أبتا كأن بها من فيك حلاوة فقال له يا ابن رسول الله و ابني إني أعلم فيها ما لم تعلم إنها لما

نزلت بعث إلي جدك رسول الله ﷺ فقرأها علي ثم ضرب علي كتفي الأيمن و قال يا أخي و وصيي و والي أمتي بعدي و حرب أعدائي إلى يوم يبعثون هذه السورة لك من بعدي و لولدك من بعدك إن جبرئيل أخي من الملائكة حدث إلي أحداث أمتي في سنتها و إنه ليحدث ذلك إليك كأحداث النبوة و لها نور ساطع في قلبك و قلوب أوصيائك إلى مطلع فجر القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف^١.

روایت (۴۸)

و قد ذكر الله تعالى ذكره نسبة الإنسان في محكم كتابه فقال عزوجل وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ^٢....^٣

روایت (۴۹)

(۱) بحار الانوار ج ۲۵ ص ۷۱

(۲) مؤمنون / ۱۲-۱۶

(۳) بحار الانوار ج ۵۷ ص ۳۵۳

كان سبب نزول سورة الإخلاص أن اليهود سألوا رسول الله ﷺ عن نسبة الله عز وجل فأنزل الله جل وعز هو الله الأحد الواحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد^١.

(روایت ٥٠)

قال رسول الله ﷺ جاءني جبرئيل في أحسن صورة ضاحكا مستبشرا فقال يا محمد العلي الأعلى يقرئك السلام ويقول إن لكل شيء نسبا ونسبتي قل هو الله أحد...^٢

(روایت ٥١)

عن حماد بن عمرو النصيبى عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألت أبا عبد الله عن قل هو الله أحد فقال نسبة الله إلى خلقه...^٣

(روایت ٥٢)

قال كان يكثر قل هو الله أحد قائما وقاعدا و ماشيا و آناء الليل و النهار استكثروا منها فإنها نسبة ربكم...^٤

(١) بحار الأنوار ج ٨٢ ص ٥٣

(٢) بحار الأنوار ج ٨٩ ص ٣٥٤

(٣) کافی ج ١ ص ٩١

(٤) بحار الأنوار ج ٨٩ ص ٣٥٢

روایت ۵۳

عن أبي جعفر عليه السلام قال: خلق الله نورا، فخلق من ذلك النور قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وخلق لها ألف جناح من نور، وأهبطه إلى أرضه مع أمنائه من الملائكة، لا يمرون بملا من الملائكة إلا خضعوا له وقالوا: نسبة ربنا، نسبة ربنا.^۱

روایت ۵۴

قال أمير المؤمنين عليه السلام من أحب أن يخرج من الدنيا وقد تخلص من الذنوب كما يتخلص الذهب الذي لا كدر فيه ولا يطلبه أحد بمظلمة فليقل في دبر الصلوات الخمس نسبة الرب تبارك وتعالى اشتي عشرة مرة....^۲

روایت ۵۵

عن الصادق عليه السلام قال له اقرأ قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلَّ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ عِنْدَ مَنَامِكَ فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشِّرْكِ وَقُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نسبة الرب عز وجل.^۳

(۱) مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۸۴

(۲) من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۳۲۴

(۳) بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۹۵

روایت (٥٦)

وإن لم تحسنها فاقراً الحمد ونسبة الرب تعالى قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...^١

روایت (٥٧)

عن أبي عبد الله عليه السلام لما نزلت قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خلق الله لها أربعة آلاف جناح فما كانت تمر بملا من الملائكة إلا خشعوا لها وقالوا هذه نسبة الرب تبارك وتعالى.^٢

روایت (٥٨)

قال رسول الله ﷺ كنت أخشى العذاب بالليل والنهار حتى جاءني جبرئيل بسورة قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فعلمت أن الله لا يعذب أمتي بعد نزولها فإنها نسبة الله عز وجل...^٣

روایت (٥٩)

عن الباقر عليه السلام أنه قال: لما عرج بالنبي ﷺ و علمه الله سبحانه الأذان والإقامة والصلاة فلما صلى أمره سبحانه أن يقرأ في الركعة الأولى بالحمد والتوحيد وقال له هذا نسبتي وفي الثانية بالحمد و

(١) مصباح المتهجد ج ١ ص ٣٤٢

(٢) الخرائج والجرائح ج ٢ ص ٦٨٦

(٣) بحار الانوار ج ٨٣ ص ٦٠

سورة القدر و قال يا محمد هذه نسبتيك و نسبة أهل بيتك إلى يوم
القيامة.^۱

روایت (۶۰)

ثم أوحى الله عزوجل إليه اقرأ يا محمد نسبة ربك تبارك و تعالى قُلْ
هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ثم
أمسك عنه الوحي فقال رسول الله ﷺ الواحد الأحد الصمد فأوحى
الله إليه لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ... ثم أوحى الله
عزوجل إليه اقرأ بالحمد لله فقرأها مثل ما قرأ أولاً ثم أوحى الله
عزوجل إليه اقرأ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فَإِنهَا نسبتيك و نسبة أهل بيتك إلى يوم
القيامة....^۲

روایت (۶۱)

فقال له اقرأ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كما أنزلت فإنها نسبتي و نعتي... ثم
قمت فقال يا محمد اقرأ الحمد فقرأتها مثل ما قرأتها أولاً ثم قال لي
اقرأ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فَإِنهَا نسبتيك و نسبة أهل بيتك إلى يوم القيامة....^۳

(۱) بحار الأنوار ج ۲۵ ص ۹۸

(۲) کافی ج ۳ ص ۴۸۵

(۳) علل الشرائع ج ۲ ص ۳۱۶

روایت (٦٢)

عن حمران قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عما يفرق في لَيْلَةِ الْقَدْرِ هل هو ما يقدر الله فيها قال لا توصف قدرة الله إلا أنه قال فيها يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ فكيف يكون حكيماً إلا ما فرق ولا توصف قدرة الله سبحانه لأنه يحدث ما يشاء وأما قوله لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ يعني فاطمة عليها السلام وقوله تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا والملائكة في هذا الموضع المؤمنون الذين يملكون علم آل محمد عليهم السلام وَالرُّوحُ روح القدس وهو في فاطمة عليها السلام مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ يقول من كل أمر مسلمة حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ يعني حتى يقوم القائم صلى الله عليه وآله ^{عَمَّا لَمْ يَنْتَهِ} ^{فَرَحَةً الْقَرِيفِ} ١.

روایت (٦٣)

معنعنا عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ الليلة فاطمة عليها السلام والقدر الله فمن عرف فاطمة عليها السلام حق معرفتها فقد أدرك ليلة القدر وإنما سميت فاطمة عليها السلام لأن الخلق فطموا عن معرفتها أو من معرفتها الشك من أبي القاسم وقوله وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ يعني خير من ألف مؤمن وهي أم المؤمنين تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا والملائكة المؤمنون الذين يملكون علم آل

محمد ﷺ^١.

روایت (٦٤)

عن المفضل بن عمر قال: ذكر أبو عبد الله الصادق ﷺ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فقال ما أبين فضلها على السور قال قلت و أي شيء فضلها قال نزلت ولاية أمير المؤمنين ﷺ فيها قلت في لَيْلَةٍ الْقَدَرِ التي نرتجئها من رمضان قال هي ليلة قدرت السماوات والأرض فيها^٢.

روایت (٦٥)

عن علي بن أبي طالب ﷺ قال: قال لي رسول الله ﷺ يا علي أ تدري ما معنى لَيْلَةِ الْقَدَرِ فقلت لا يا رسول الله فقال ﷺ إن الله تبارك وتعالى قدر فيها ما هو كائن إلى يوم القيامة فكان فيما قدر عز وجل ولايتك و ولاية الأئمة من ولدك إلى يوم القيامة^٣.

روایت (٦٦)

عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه ﷺ قال: خطب أمير المؤمنين ﷺ في أول يوم من شهر رمضان في مسجد الكوفة...

(١) تفسير فرات كوفي ٥٨١

(٢) بحار الانوار ج ٩٤ ص ١٨

(٣) بحار الانوار ج ٩٤ ص ١٨

هو شهر فيه ليلة نزلت الملائكة فيها من السماء فتسلم على الصائمين والصائمات بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى مَطْلَعِ الْفَجْرِ وهي ليلة القدر قدر فيها ولايتي قبل أن خلق آدم ﷺ بألفي عام....^١

روایت ٦٧

قال ﷺ: أما قوله تعالى إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فنور أنزل على الدنيا. قال: كيف انزل؟ قال ﷺ: لما استوى الرب على العرش أراد أن يستضيء ضوء بنورنا وإن نورنا من نوره، فأمر الله النور أن ينطق فنطق حول العرش فعلمت الملائكة بذلك فخرؤا له سجدا لحلاوة كلام نورنا، فلذلك سميت القدر فإنها لنا و لمن يتولانا، و ليس لغيرنا فيه نصيب فكان نورنا عند العرش ناميا صباحا، و الملائكة يسلمون علينا، فلما أن خلق الله آدم رفع رأسه فنظر إلى نورنا فقال آدم: إلهي و سيدي منذ كم نورهم تحت عرشك؟ فقال الله تبارك و تعالى: يا آدم من قبل أن خلقتك و خلقت السماوات و الأرض و الجبال و البحار و الجنة و النار بأربعة و عشرين ألف عام و أنت في بعض أنوارهم، فلما أن هبط آدم إلى الدنيا كانت الدنيا مظلمة، فقال آدم: يا ذن ربهم. أ تدري أي إذن كان؟ قال: لا. قال: أنزل الله تعالى إلى جبرائيل يا رب

بحق محمد و علي إلا رددت علي النور الذي كان لي، فأهبطه الله تبارك وتعالى إلى الدنيا فكان آدم يستضيء بنورنا، فلذلك سمي ليلة القدر؛ فلما بقي آدم عليه السلام في الدنيا وعاش فيها أربعمئة سنة أنزل الله عليه تابوتا من نور له اثنا عشر بابا، لكل باب وصي قائم يسير بسيرة الأنبياء.

قال: يا رب من هؤلاء؟ قال الله عزوجل: يا آدم أول الأنبياء أنت و الثاني نوح و الثالث إبراهيم و الرابع موسى و الخامس عيسى و السادس محمد خاتم الأنبياء صلی الله علیه و آله. و أما الأوصياء أولهم شيث ابنك و الثاني سام بن نوح و الثالث إسماعيل بن إبراهيم و الرابع يوشع بن نون و الخامس شمعون الصفا و السادس علي بن أبي طالب عليه السلام و آخرهم القائم عجل الله تعال فرجه الشريف من ولد محمد صلی الله علیه و آله الذي أظهر به ديني على الدين كله و لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^١. قال: فسلم آدم التابوت إلى شيث و قبض آدم، فلذلك قال الله تعالى إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ و إن نورنا أنزله الله إلى الدنيا حتى يستضيء بنورنا المؤمنون و يعمى الكافرون.

و أما قوله تَنَزَّلَ الْمَلَائِكَةُ فَإِنَّهُ لما بعث الله محمدا صلی الله علیه و آله و معه تابوت

من در أبيض له اثنا عشر بابا، فيه رق أبيض فيه أسامي الاثني عشر
 فعرضه على رسول الله ﷺ وأمره عن ربه أن الحق لهم وهم أنوار.
 قال: ومن هم يا أمير المؤمنين؟ قال: أنا وأولادي الحسن والحسين و
 علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر
 وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي و
 محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليهم أجمعين، و
 بعدهم أتباعنا وشيعتنا المقرون بولائتنا المنكرون لولاية أعدائنا.

وقوله مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ مِنْ كُلِّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي
 الْأَرْضِ عَلَيْنَا صَبَاحًا وَمَسَاءً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، هي نور ذريتي، تستضاء
 بنا الدنيا حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ عَنَّا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وأول ما يسأل العبد في
 ذلك اليوم يسأل عن ولايتنا فَإِنْ كَانَ مَنَّا نَجَا وَإِلَّا دَحِيَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ.
 قال: صدقت يا أمير المؤمنين أشهد أنك وصي محمد ﷺ حقا،
 فأخبرني عن نوركم ما هو؟

قال: نعم، نور لا يزول ولا ينقص ولا يطفأ فإذا كان ليلة القدر زيد
 فيه من نور عرش رب العالمين فيدخل في نورنا ونور شيعتنا ومحبينا.
 قال: من شيعتك و محبوبك؟ قال ﷺ: المؤمنون والمؤمنات من
 يتولانا ولا يتولى عدونا.

قال: يا أمير المؤمنين فبعد ذلك أين يذهب نوركم؟ قال ﷺ: يرجع

نورنا إلى السماء فإذا كان العام القابل و تأتي ليلة القدر ينزل نورنا إلى الدنيا فمن كان منا نظر إلى نورنا و من لم يكن منا لم ير نورنا و لم يدر. قال: يا أمير المؤمنين ففي أي ليلة نلتمس أنواركم؟ قال: في الليلة الثالثة والعشرين من شهر رمضان أو سبعة وعشرين و هي أكرم ليلة على الله و أشرفها....^(۱)

روایت ۶۸)

عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله أيها الناس إنكم في زمان هدنة و أنتم على ظهر السفر و السير بكم سريع فقد رأيتم الليل و النهار و الشمس و القمر يبليان كل جديد و يقربان كل بعيد و يأتيان بكل موعود فأعدوا الجهاز لبعد المفاض فقام المقداد فقال يا رسول الله ما دار الهدنة قال دار بلاء و انقطاع فإذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن فإنه شافع مشفع و ماحل مصدق من جعله أمامه قاده إلى الجنة و من جعله خلفه ساقه إلى النار و هو الدليل يدل على خير سبيل و هو كتاب تفصيل و بيان و تحصيل و هو الفصل ليس بالهزل و له ظهر و بطن فظاهره حكمة و باطنه علم ظاهره أنيق و باطنه عميق له نجوم و

(۱) إلزام الناصب ج ۱ ص ۱۰۵

على نجومه نجوم لا تحصى عجائبه و لا تبلى غرائب فيه مصابيح الهدى
و منازل الحكمة و دليل على المعروف لمن عرفه.^١

روایت ٦٩)

من خطبة طويلة له عليه السلام ثم أنزل عليه الكتاب نورا لا تطفأ
مصابيح و سراجا لا يخبو توقده و بحرا لا يدرك قعره و منهاجا لا يضل
نهجه و شعاعا لا يظلم ضوءه و فرقانا لا يخمد برهانه و تبيان لا تهدم
أركانها و شفاء لا تخشى أسقامه و عزا لا تهزم أنصاره و حقا لا تخذل
أعدائه فهو معدن الإيمان و بحبوحته و ينابيع العلم و بحوره و رياض
العدل و غدرانه و أثافي الإسلام و بنيانه و أودية الحق و غيطانه و بحر لا
ينزفه المستنزفون و عيون لا ينضبها الماتحون و مناهل لا يغيضها
الواردون و منازل لا يضل نهجها المسافرون و أعلام لا يعمى عنها
السائرون و آكام لا يجوز عنها القاصدون جعله الله ريا لعطش العلماء
و ربيعا لقلوب الفقهاء و محاج لطرق الصلحاء و دواء ليس بعده داء و
نورا ليس معه ظلمة و حبلا وثيقا عروته و معقلا منيعا ذروته و عزا لمن
تولاه و سلما لمن دخله و هدى لمن اتتم به و عذرا لمن انتحل به و برهانا لمن
تكلم به و شاهدا لمن خاصم به و فلجا لمن حاج به و حاملا لمن حمله و

مطية لمن أعمله و آية لمن توسم و جنة لمن استلأم و علما لمن وعى و
حديثا لمن روى و حكما لمن قضى^١.

(روایت ۷۰)

هل يعرفون قدر الإمامة و محلها من الأمة فيجوز فيها اختيارهم إن
الإمامة أجل قدرا و أعظم شأنًا و أعلى مكانا و أمنع جانبًا و أبعد غورا
من أن يبلغها الناس بعقولهم أو ينالوها بأرائهم أو يقيموا إماما
باختيارهم... الإمام كالشمس الطالعة المجللة بنورها للعالم و هي في
الأفق بحيث لا تنالها الأيدي... الإمام واحد دهره لا يدانيه أحد و لا يعادله
عالم و لا يوجد منه بدل و لاله مثل و لا نظير مخصوص بالفضل كله
من غير طلب منه له و لا اكتساب بل اختصاص من المفضل الوهاب
فمن ذا الذي يبلغ معرفة الإمام أو يمكنه اختياره هيهات هيهات ضلت
العقول و تاهت الحلوم و حارت الأبواب و خسأت العيون و تصاغرت
العظماء و تحيرت الحكماء و تقاصرت الحلماء و حصرت الخطباء و
جهلت الألباء و كلت الشعراء و عجزت الأدباء و عييت البلغاء عن
وصف شأن من شأنه أو فضيلة من فضائله و أقرت بالعجز و التقصير
و كيف يوصف ب كله أو ينعت بكنهه أو يفهم شيء من أمره أو يوجد

من يقوم مقامه و يغني غناه لا كيف و أنى و هو بحيث النجم من يد المتناولين و وصف الواصفين فأين الاختيار من هذا و أين العقول عن هذا و أين يوجد مثل هذا أ تظنون أن ذلك يوجد في غير آل الرسول محمد ﷺ كذبتهم و الله أنفسهم و منتهم الأباطيل فارتقوا مرتقى صعبا دحضا تزل عنه إلى الحضيض أقدامهم راموا إقامة الإمام بعقول حائرة بائرة ناقصة و آراء مضلة فلم يزدادوا منه إلا بعدا قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ^١ و لقد راموا صعبا و قالوا إفكا و ضلوا ضلالا بعيدا و وقعوا في الحيرة إذ تركوا الإمام عن بصيرة....^٢

روایت (٧١)

عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: لكل شيء ربيع و ربيع القرآن شهر رمضان.^٣

روایت (٧٢)

و تعلموا كتاب الله تبارك و تعالى فإنه أحسن الحديث و أبلغ الموعظة و تفقهوا فيه فإنه ربيع القلوب و استشفوا بنوره فإنه شفاء لما في

(١) توبه/٧٣٠

(٢) کافی ج ١ ص ١٩٩

(٣) کافی ج ٢ ص ٦٣٠

الصدور....^۱

روایت (۷۳)

فإن هذا القرآن حبل الله المتين، فيه إقامة العدل، و ينابيع العلم، و

ربيع القلوب....^۲

روایت (۷۴)

إن الله سبحانه لم يعط أحدا بمثل هذا القرآن فإنه حبل الله المتين و

سببه الأمين و فيه ربيع القلب و ينابيع العلم و ما للقلب جلاء غيره....^۳

روایت (۷۵)

أن تجعل القرآن نور صدري و ربيع قلبي و جلاء حزني و ذهاب غمي
و اشرح به صدري و يسره أمري و اجعله نورا في بصري و نورا في مخي
و نورا في عظامي و نورا في عصبي و نورا في قصبي و نورا في شعري و نورا
في بشري و نورا من فوقی و نورا من تحتي و نورا عن يميني و نورا
عن شمالي و نورا في مطعمي و نورا في مشربي و نورا في محشري و نورا
في قبري و نورا في حياتي و نورا في مماتي و نورا في كل شيء مني

(۱) نهج البلاغه ۱۶۴

(۲) بحار الانوار ج ۲۱ ص ۳۱۷

(۳) نهج البلاغه ۲۵۴

حتى تبلغني به إلى الجنة يا نور يا نور يا نور السماوات والأرض....^١

روایت (٧٦)

أن تجعل القرآن ربيع قلبي وشفاء صدري و نور بصري و ذهاب همي و حزني....^٢

روایت (٧٧)

كنت ربيع الأيتام وعصمة الأنام و عز الإسلام و معدن الأحكام و حليف الإنعام سالكا طرائق جدك و أبيبك مشبها في الوصية لأخيك و في الذمم رضي الشيم ظاهر الكرم متهجدا في الظلم قويم الطرائق كريم الخلائق عظيم السوابق شريف النسب منيف الحسب رفيع الرتب كثير المناقب محمود الضرائب جزيل المواهب حلیم رشید منيب جواد عليم شديد إمام شهيد أوامه منيب حبيب مهيب كنت للرسول ﷺ ولدا و للقرآن منقدا و للأمة عضدا....^٣

روایت (٧٨)

و بالإمام المنزه عن المآثم المطهر من المظالم الحبر العالم بدر الظلام

(١) بحار الأنوار ج ٨٧ ص ٤١

(٢) بحار الأنوار ج ٨٧ ص ٢٠١

(٣) بحار الأنوار ج ٩٨ ص ٣٢٠

و ربيع الأنام التقى الطاهر الزكي مولاي أبي محمد الحسن بن علي العسكري....^١

روایت (۷۹)

زيارة أخرى مستحسنة يزار بها صلوات الله عليه و سلامه تقول السلام على الحق الجديد... السلام على ربيع الأنام ونصرة الأيام....^٢

روایت (۸۰)

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^٣ فالنور في هذا الموضع هو القرآن و مثله في سورة التغابن قوله تعالى فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلْنَاْ يعني سبحانه القرآن....^٥

روایت (۸۱)

ثم علي بن الحسين، و هو أقلهم أصحابا، كان أصحابه: أبو خالد

(۱) بحارالانوار ج ۹۲ ص ۳۸۵

(۲) بحارالانوار ج ۹۹ ص ۱۰۱

(۳) اعراف/ ۱۵۷

(۴) تغابن/ ۸

(۵) بحارالانوار ج ۹۰ ص ۲۰

الكابلي، ويحيى ابن أم الطويل، وسعيد بن المسيب، وعامر بن واثلة،
وجابر بن عبد الله الأنصاري، وهؤلاء شهود له على ما احتج به.^١

روایت ٨٢)

قال أبو عبد الله عليه السلام كان سعيد بن المسيب والقاسم بن محمد بن
أبي بكر وأبو خالد الكابلي من ثقات علي بن الحسين عليه السلام....^٢

روایت ٨٣)

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ارتد الناس بعد الحسين عليه السلام إلا ثلاثة أبو
خالد الكابلي ويحيى ابن أم الطويل وجبير بن مطعم ثم إن الناس
لحقوا وكثروا.^٣

روایت ٨٤)

عن أبي خالد الكابلي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله
عز وجل فَأَمِّمُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالتَّوْرِ الَّذِي أَنْزَلْنَا فَقَالَ يَا أَبَا خَالِدٍ النُّورُ
اللَّهُ الْأئِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ وَاللَّهُ نَوْرُ اللَّهِ الَّذِي

(١) بحار الانوار ج ٧ ص ٢٨٤

(٢) كافي ج ١ ص ٤٧٢

(٣) بحار الانوار ج ٤٦ ص ١٤٤

(٤) تغابن ٨/

أنزل وهم والله نور الله في السماوات وفي الأرض والله يا أبا خالد لنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار وهم والله ينورون قلوب المؤمنين ويحجب الله عزوجل نورهم عمن يشاء فتظلم قلوبهم والله يا أبا خالد لا يحبنا عبد ويتولانا حتى يطهر الله قلبه ولا يطهر الله قلب عبد حتى يسلم لنا ويكون سلما لنا فإذا كان سلما لنا سلمه الله من شديد الحساب وآمنه من فزع يوم القيامة الأكبر.^١

روایت ٨٥

عن أبي خالد الكابلي قال سألت أبا جعفر عليه السلام عن قوله: فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا^٢ فقال يا أبا خالد. النور والله الأئمة من آل محمد عليهم السلام إلى يوم القيامة، وهم والله نور الله الذي أنزل وهم والله نور الله في السماوات والأرض، يا أبا خالد! لنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار وهم والله ينورون قلوب المؤمنين ويحجب الله نورهم عمن يشاء فتظلم قلوبهم، والله يا أبا

(١) کافی ج ١ ص ١٩٤ بحار ٢٣ ص ٣٠٨ تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة

خالد! لا يحبنا عبد و يتولانا حتى يطهر الله قلبه و لا يطهر الله قلب عبد حتى يسلم لنا و يكون سلما لنا فإذا كان سلما لنا سلمه الله من شديد الحساب و آمنه من فزع يوم القيامة الأكبر.^١

روایت (٨٦)

عن أبي خالد يزيد الكناسي، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزوجل فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالتَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلْنَا^٢ فقال: يا أبا خالد النور و الله الأئمة عليهم السلام، يا أبا خالد لنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار، و هم الذين ينورون قلوب المؤمنين، و يحجب الله نورهم عمن يشاء فتظلم قلوبهم و يغشاها، لذلك ران الكفر. و الله يا أبا خالد لا يحبنا عبد و يتولى الإمام منا إلا كان معنا يوم القيامة، و نزل منازلنا، و لا يحبنا عبد و يتولانا حتى يطهر الله قلبه، و لا يطهر الله قلبه حتى يسلم لنا و يكون سلما لنا (فإذا كان سلما) لنا سلمه الله من شدائد الحساب، و آمنه من فزع يوم القيامة الأكبر.^٣

روایت (٨٧)

(١) تفسير القمي ج ٢ ص ٣٧١

(٢) تغابن / ٨

(٣) مختصر البصائر ص ٢٧٥

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا^۱ وَ النور أمير المؤمنين عليه السلام^۲.

روایت ۸۸

أبو خالد الكابلي عن الباقر عليه السلام في قوله فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ
الَّذِي أَنْزَلْنَا^۳ يا أبا خالد النور والله الأئمة من آل محمد عليه السلام قوله أَتَمَّمْ
لَنَا نُورَنَا^۴ ألحق بنا شيعتنا.^۵

روایت ۸۹

تفسير القمي فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ يعني برسول الله صلى الله عليه وآله وَعَزَّوْهُ وَنَصْرُوهُ وَ
اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ^۶ يعني أمير المؤمنين.^۷

روایت ۹۰

عن محمد بن الفضيل عن أبي الحسن الماضي عليه السلام قال: سألته عن

(۱) تغابن/ ۸

(۲) تفسير القمي ج ۲ ص ۳۷۱

(۳) تغابن/ ۸

(۴) تحریم/ ۸

(۵) بحار الانوار ج ۲۳ ص ۳۱۵ مناقب ج ۳ ص ۸۱

(۶) اعراف/ ۱۵۷

(۷) بحار الانوار ج ۲۳ ص ۳۰۹

قول الله عزوجل يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ^١ قال يريدون ليطفئوا ولاية أمير المؤمنين عليه السلام بِأَفْوَاهِهِمْ قُلْتُ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ قَالَ وَ اللَّهُ مَتَمِّمُ الإِمَامَةِ لقوله عزوجل الَّذِينَ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا^٢ فالنور هو الإمام قلت هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ^٣ قال هو الذي أمر رسوله بالولاية لوصيه و الولاية هي دين الحق قلت لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ قَالَ يَظْهَرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عجل الله تعالى فرجه الشريف قَالَ يَقُولُ اللَّهُ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ ولاية القائم وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ بولاية علي قلت هذا تنزيل قال نعم أما هذا الحرف فتنزيل و أما غيره فتأويل....^٥

روایت (٩١)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَهُوَ الْقُرْآنُ أَنْزَلَ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ جملة واحدة، و على رسول الله صلی الله علیه و آله في طول ثلاث و عشرين سنة و ما أدراك ما ليلة القدر و معنى لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَنَّ اللَّهَ يَقْدِرُ فِيهَا الْأَجَالَ وَ

(١) صف/٨

(٢) تغابن/٨

(٣) توبه/٣٣

(٤) صف/٨

(٥) کافی ج ١ ص ٤٣٢

الأرزاق و كل أمر يحدث من موت أو حياة أو خصب أو جذب أو خير أو شر كما قال الله فيها يُفَرِّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ إِلَى سَنَةِ قَوْلِهِ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا قَالَ تنزل الملائكة و روح القدس على إمام الزمان و يدفعون إليه ما قد كتبوه من هذه الأمور.^١

روایت ۹۲

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان علي بن الحسين عليه السلام يقول إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ صدق الله عز و جل أنزل الله القرآن في ليلة القدر....^٢

روایت ۹۳

عن أبي جعفر عليه السلام قال: سأل أبا عبد الله عليه السلام رجل من أهل بيته عن سورة إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فقال ويليكَ سألت عن عظيم إياك و السؤال عن مثل هذا فقام الرجل قال فأتيته يوما فأقبلت عليه فسألته فقال إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ نور عند الأنبياء و الأوصياء لا يريدون حاجة من السماء و لا من الأرض إلا ذكروها لذلك النور فأتاهم بها فإن مما ذكر علي بن أبي طالب عليه السلام من الحوائج أنه قال لأبي بكر يوما وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ

(١) بحار الانوار ج ٨٢ ص ٥٢

(٢) کافی ج ١ ص ٢٤٨

قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ^١ فاشهد أن رسول الله ﷺ مات شهيدا فإياك أن تقول إنه ميت و الله ليأتينك فاتق الله إذا جاءك الشيطان غير متمثل به فعجب به أبو بكر أو فقال إن جاءني و الله أطمعته و خرجت مما أنا فيه قال فذكر أمير المؤمنين لذلك النور فخرج إلى أرواح النبيين فإذا محمد ﷺ قد ألبس وجهه ذلك النور و أتى و هو يقول يا أبا بكر آمن بعلي عليه السلام و بأحد عشر من ولده إنهم مثلي إلا النبوة و تب إلى الله برد ما في يديك إليهم فإنه لا حق لك فيه قال ثم ذهب فلم ير فقال أبو بكر أجمع الناس فأخطبهم بما رأيت و أبرأ إلى الله مما أنا فيه إليك يا علي على أن تؤمني قال ما أنت بفاعل و لولا أنك تنسى ما رأيت لفعلت قال فانطلق أبو بكر إلى عمر و رجع نوراً أَنزَلْنَاهُ إِلَى عَلِيٍّ فَقَالَ لَهُ قَدْ اجْتَمَعَ أَبُو بَكْرٍ مَعَ عُمَرَ فَقُلْتُ أَوْ لَعَنَ النُّورَ قَالَ إِنْ لَهُ لِسَانًا نَاطِقًا وَ بَصَرًا نَاقِدًا يَتَجَسَّسُ الْأَخْبَارَ لِلْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَسْتَمِعُ الْأَسْرَارَ وَ يَأْتِيهِمْ بِتَفْسِيرِ كُلِّ أَمْرٍ يَكْتُمُ بِهِ أَعْدَاؤُهُمْ فَلَمَّا أَخْبَرَ أَبُو بَكْرٍ الْخَبَرَ عُمَرَ قَالَ سَحَرَكُ وَ إِنَّهَا لَفِي بَنِي هَاشِمٍ لَقَدِيمَةٌ قَالَ ثُمَّ قَامَا يَخْبِرَانِ النَّاسَ فَمَا دَرِيَا مَا يَقُولَانِ قُلْتُ لِمَاذَا قَالَ لَأَنْهُمَا قَدْ نَسِيَاهُ وَ جَاءَ النُّورُ فَأَخْبَرَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ خَبَرَهُمَا فَقَالَ بُعْدًا

لَهُمَا كَمَا بَعَدَتْ ثُمَّ دُۡ. ۲

روایت ۹۴

عن أبي جعفر عليه السلام قال قال أبو عبد الله عليه السلام إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ نُورَ كَهَيْئَةِ
العين على رأس النبي صلى الله عليه وآله والأوصياء لا يريد أحد منا علم أمر من أمر
الأرض أو أمر من أمر السماء إلى الحجب التي بين الله وبين العرش إلا
رفع طرفه إلى ذلك النور فرأى تفسير الذي أراد فيه مكتوبا. ۳

روایت ۹۵

عن سعد الإسكاف قال: أتى رجل أمير المؤمنين عليه السلام يسأله عن
الروح أليس هو جبرئيل فقال له أمير المؤمنين عليه السلام جبرئيل من الملائكة
و الروح غير جبرئيل فكرر ذلك على الرجل فقال له لقد قلت عظيما
من القول ما أحد يزعم أن الروح غير جبرئيل فقال له أمير المؤمنين عليه السلام
إنك ضال تروي عن أهل الضلال يقول الله تعالى لنبيه صلى الله عليه وآله أَتَى أَمْرُ اللَّهِ
فَلَا تَسْتَعْجِلْهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ يُنْزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ وَ

(۱) هود/ ۹۵

(۲) بحار الانوار ج ۲۵ ص ۵۱

(۳) بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۳۵

(۴) نحل/ ۱-۲

الروح غير الملائكة^١.

روایت ٩٦)

عن أبي بصير قال: كنت مع أبي عبد الله عليه السلام فذكر شيئاً من أمر الإمام إذا ولد قال واستوجب زيارة الروح في ليلة القدر فقلت جعلت فداك أليس الروح جبرئيل فقال جبرئيل من الملائكة و الروح خلق أعظم من الملائكة أليس الله يقول تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ^٢.

روایت ٩٧)

و محمد بن مسلم عن حمران أنه سأل أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عزوجل إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ^٣ قال نعم هي ليلة القدر و هي في كل سنة في شهر رمضان في العشر الأواخر فلم ينزل القرآن إلا في ليلة القدر قال الله عزوجل فيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ^٤ قال يقدر في ليلة القدر كل شيء يكون في تلك السنة إلى مثلها من قابل من خير أو شر أو طاعة أو معصية أو مولود أو أجل أو رزق فما قدر في تلك الليلة و

(١) كافي ج ١ ص ٢٧٤

(٢) بحار الانوار ج ٢٥ ص ٦٤

(٣) دخان/ ٣

(٤) دخان/ ٤

قضي فهو من المحتوم والله فيه المشية قال قلت له لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ
أَلْفِ شَهْرٍ أَي شَيْءٍ عَنِ بَها قال العمل الصالح فيها من الصلاة و
الزكاة وأنواع الخير خير من العمل في ألف شهر ليس فيها ليلة القدر و
لو لا ما يضاعف الله للمؤمنين لما بلغوا ولكن الله عزوجل يضاعف
لهم الحسنات بحبنا.^١

روایت ۹۸

قال ﷺ أدبني ربي فأحسن تأديبي.^٢

روایت ۹۹

فلما نزل قوله تعالى خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ^٣
قال رسول الله ﷺ أدبني ربي بمكارم الأخلاق.^٤

روایت ۱۰۰

يا كميل إن رسول الله ﷺ أدبه الله و هو ﷺ أدبني و أنا أؤدب

(۱) کافی ج ۴ ص ۱۵۷

(۲) بحار الانوار ج ۱۶ ص ۲۱۰

(۳) اعراف/ ۱۹۹

(۴) ارشاد القلوب ج ۱ ص ۱۶۰

المؤمنين وأورث الآداب المكرمين.^١

روایت (١٠١)

الحمد لله الذي خلقني فأحسن خلقي وصورني فأحسن صورتي و
أدبني فأحسن أدبي.^٢

روایت (١٠٢)

قال عليه السلام: غيره من البر.^٣

روایت (١٠٣)

وقال عليه السلام: إذا حييت بتحية فحي بأحسن منها وإذا أسديت إليك يد
فكافئها بما يربي عليها والفضل مع ذلك للبادئ.^٤

روایت (١٠٤)

قال أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام: في خبر طويل إذا عطس
أحدكم فسمتوه فإن قال يرحمكم الله فقولوا يغفر الله لكم و
يرحمكم فإن الله قال وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ

(١) بحار ٧٤ ص ٢٦٧

(٢) بحار الأنوار ج ٨٣ ص ١٣٨

(٣) بحار ٧٣ ص ٧

(٤) شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد ج ١٨ ص ٢٠١

رُدُّوها^۱.

روایت (۱۰۵)

إذا عطس أحدكم فسمتوه قولوا يرحمك الله و هو يقول لكم
يغفر الله لكم و يرحمكم قال الله تبارك و تعالى و إذا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ
فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها^۳.

روایت (۱۰۶)

قال أنس: كنت عند الحسين عليه السلام دخلت عليه جارية بيدها طاقة
ريحان فحيته بها، فقال لها: أنت حرة لوجه الله تعالى. فقلت: تحييك
بطاقة ريحان لا خطر لها فتعتها! فقال: كذا أدبنا الله تعالى، قال و
إذا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها فكان أحسن منها
عتقها^۶.

(۱) نساء/ ۸۶

(۲) بحار الانوار ج ۷۳ ص ۵۱

(۳) نساء/ ۸۶

(۴) بحار الانوار ج ۷۳ ص ۵۴

(۵) نساء/ ۸۶

(۶) نزهة الناظر و تنبيه الخاطر ص ۸۳

روایت (١٠٧)

حكى أبو يزيد البسطامي قال: خرجت من بسطام قاصدا لزيارة البيت الحرام، فمررت بالشام إلى أن وصلت إلى دمشق، فلما كنت بالغوطة مررت بقرية من قراها، فرأيت في القرية تل تراب، و عليه صبي رباعي السن يلعب بالتراب، فقلت في نفسي: هذا صبي إن سلمت عليه لما يعرف السلام و إن تركت السلام أخلت بالواجب، فأجمعت رأيي على أن أسلم عليه فسلمت عليه، فرفع رأسه إلي و قال: و الذي رفع السماء و بسط الأرض لو لا ما أمر الله به من رد السلام لما رددت عليك، استصغرت أمري و استحققتني لصغر سني، عليك السلام و رحمة الله و بركاته و تحياته و رضوانه، ثم قال: صدق الله و إذا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا و سكت. فقلت: أَوْرُدُّوها فقال: ذاك فعل المقصر مثلك، فعلمت أنه من الأقطاب المؤيدين فقال: يا بايزيد ما أقدمك إلى الشام من مدينتك بسطام؟ فقلت: يا سيدي قصدت بيت الله الحرام إلى أن قال: فنهض و قال: أ على وضوء أنت؟ قلت: لا فقال: اتبعني فتبعته قدر عشر خطا، فرأيت نهرا أعظم من الفرات، فجلس و جلست و توضأ أحسن وضوء و توضأت، و إذا قافلة مارة

فتقدمت إلى واحد منهم و سألته عن النهر؟ فقال: هذا جيحون، فسكت ثم قال لي الغلام: قم، فقممت معه و مشيت معه عشرين خطوة و إذا نحن على نهر أعظم من الفرات و جيحون، فقال لي: اجلس فجلست و مضى، فمر علي أناس في مركب لهم فسألتهم عن المكان الذي أنا فيه؟ فقالوا نيل مصر و بينك و بينها فرسخ أو دون فرسخ و مضوا، فما كان غير ساعة إلا و صاحبي قد حضر و قال لي: قم قد عزم علينا، فقممت معه قدر عشرين خطوة فوصلنا عند غيبوبة الشمس إلى نخل كثير و جلسنا، ثم قام و قال لي: امش فمشيت خلفه يسيرا و إذا نحن بالكعبة إلى أن قال: فسألته الرجل الذي فتح الكعبة فقال: هذا سيدي محمد الجواد صلى الله عليه فقلت: الله أعلم حيث يجعل رسالاته.^١

روايت ١٠٨

سئل الصادق عليه السلام عن سبب القيام عند ذكر لفظ القائم من ألقاب الحجة، قال لأن له غيبة طولانية، و من شدة الرأفة إلى أحبته ينظر إلى كل من يذكره بهذا اللقب المشعر بدولته و الحسرة بغربته و من تعظيمه أن يقوم العبد الخاضع لصاحبه عند نظر المولى الجليل إليه

(١) الهداة بالنصوص و المعجزات ج ٤ ص ٤١١

بعينه الشريفة فليقم وليطلب من الله جل ذكره تعجيل فرجه.^١

روایت (١٠٩)

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول سيد الأعمال ثلاثة إنصاف الناس من نفسك حتى لا ترضى بشيء إلا رضيت لهم مثله و مواساتك الأخ في المال و ذكر الله على كل حال ليس سبحانه الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر فقط و لكن إذا ورد عليك شيء أمر الله عزوجل به أخذت به أو إذا ورد عليك شيء نهى الله عزوجل عنه تركته.^٢

روایت (١١٠)

الذكر ليس من مراسم اللسان و لا من مناسم الفكر ولكنه أول من المذكور و ثان من الذاكر.^٣

روایت (١١١)

عن الصادق عليه السلام قال: إن دعاء المؤمن لأخيه بظهر الغيب مستجاب و يدر الرزق و يدفع المكروه.^٤

(١) إلزام الناصب ج ١ ص ٢٤٩

(٢) كافي ج ٢ ص ١٤٤

(٣) غرر الحكم ١١٨

(٤) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٨٣

روایت (۱۱۲)

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من قدم أربعين رجلا من إخوانه فدعا لهم ثم دعا لنفسه استجيب له فيهم وفي نفسه.^۱

روایت (۱۱۳)

و من دعا لمؤمن بظهر الغيب قال الملك فلك بمثل ذلك و ما من عبد مؤمن دعا للمؤمنين و المؤمنات بظهر الغيب إلا رد الله عزوجل مثل الذي دعا لهم من مؤمن أو مؤمنة مضى من أول الدهر أو هو آت إلى يوم القيامة.^۲

روایت (۱۱۴)

رأيت عبد الله بن جندب بالموقف فلم أر موقفا أحسن من موقفه ما زال ماداً يديه إلى السماء و دموعه تسيل على خديه حتى تبلغ الأرض فلما صدر الناس قلت له يا أبا محمد ما رأيت موقفا أحسن من موقفك قال و الله ما دعوت إلا لإخواني و ذلك أن أبا الحسن موسى بن جعفر عليه السلام أخبرني أنه من دعا لأخيه بظهر الغيب نودي من العرش و لك مائة ألف ضعف فكرهت أن أدع مائة ألف ضعف مضمونة لواحدة لا

(۱) بحار الانوار ج ۹۰ ص ۳۸۳

(۲) بحار الانوار ج ۹۰ ص ۳۸۴

أدري يستجاب أم لا.^١

روایت (١١٥)

يسوق إلى الداعي الرزق و يصرف عنه البلاء و يقول له الملك لك

مثلاه.^٢

روایت (١١٦)

عن أبي الحسن عليه السلام أنه كان يقول من دعا لإخوانه من المؤمنين

وكل الله به عن كل مؤمن ملكا يدعو له.^٣

روایت (١١٧)

قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله إذا دعا أحدكم فليعم فإنه أوجب للدعاء.^٤

روایت (١١٨)

و عليك بالدعاء لإخوانك بظهر الغيب فإنه يهيل الرزق يقولها ثلاثا.^٥

روایت (١١٩)

(١) کافی ج ٢ ص ٥٠٨

(٢) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٨٦

(٣) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٨٦

(٤) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٨٦

(٥) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٨٧

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الدعاء لأخيك بظهر الغيب يسوق إلى الداعي الرزق و يصرف عنه البلاء و يقول الملك و لك مثل ذلك.^١
روایت (۱۲۰)

قال النبي صلى الله عليه وآله أسرع الدعاء إجابة دعاء غائب لغائب.^٢
روایت (۱۲۱)

عن أبي جعفر عليه السلام قال: أوسع دعوة و أسرع إجابة دعوة المؤمن لأخيه بظهر الغيب.^٣
روایت (۱۲۲)

و عنه عليه السلام أسرع الدعاء نجاحا للإجابة دعاء الأخ لأخيه بظهر الغيب يبدأ بالدعاء لأخيه فيقول له ملك موكل أمين و لك مثله.^٤
روایت (۱۲۳)

عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: كانت فاطمة عليها السلام إذا دعت تدعو

(۱) بحار الانوار ج ۹۰ ص ۳۸۷

(۲) بحار الانوار ج ۹۰ ص ۳۸۷

(۳) بحار الانوار ج ۹۰ ص ۳۸۷

(۴) بحار الانوار ج ۹۰ ص ۳۸۷

للمؤمنين والمؤمنات ولا تدعون أنفسها فقيل لها فقاتل الجار ثم الدار.^١

روایت (١٢٤)

عن الصادق عليه السلام من قدم أربعين من المؤمنين ثم دعا استجيب له و يتأكد بعد الفراغ من صلاة الليل.^٢

روایت (١٢٥)

عن الباقر عليه السلام أوشك دعوة وأسرع إجابة دعوة المؤمن لأخيه بظهر الغيب.^٣

روایت (١٢٦)

أن الله عزوجل أوحى إلى موسى عليه السلام ادعني بلسان لم تعصني به فقال أنى لي بذلك فقال ادعني بلسان غيرك.^٤

روایت (١٢٧)

مولانا الصادق عليه السلام يقول من دعا لأخيه المؤمن بظهر الغيب نودي من أعنان السماء لك يا هذا مثل ما سألت في أخيك و لك مائة ألف

(١) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٨٨

(٢) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٨٩

(٣) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٩٠

(٤) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٩٠

ضعف مثله فلم أحب أن أترك مائة ألف ضعف مضمونة بواحدة لا أدري يستجاب أم لا.^۱

روایت (۱۲۸)

قال دعوت لإخواني سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول من دعا لأخيه بظهر الغيب وكل الله به ملكا يقول ولك مثلاه فأردت أن أكون إنما أدعو لإخواني ويكون الملك يدعو لي لأنني في شك من دعائي لنفسي ولست في شك من دعاء الملك لي.^۲

روایت (۱۲۹)

عن زيد النرسي قال: كنت مع معاوية بن وهب في الموقف وهو يدعو فتفقدت دعاءه فما رأيته يدعو لنفسه بحرف ورأيته يدعو لرجل رجل من الآفاق ويسميه ويسمي آباءهم حتى أفاض الناس فقلت له يا عم لقد رأيت منك عجا قال وما الذي أعجبك مما رأيت قلت إيثارك إخوانك على نفسك في هذا الموضع وتفقدك رجلا رجلا فقال لي لا يكون تعجبك من هذا يا ابن أخي فإني سمعت مولاي ومولاك ومولى كل مؤمن ومؤمنة وكان والله سيد من مضى وسيد من بقي

(۱) بحار الانوار ج ۹۰ ص ۳۹۱

(۲) کافی ج ۴ ص ۴۶۶

بعد آباءه عليه السلام وإلا صمنا أذنا معاوية و عميتا عيناه و لا نالته شفاعة محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم إن لم يكن سمعت منه و هو يقول من دعا لأخيه في ظهر الغيب نادى ملك من السماء الدنيا يا عبد الله لك مائة ألف ضعف مما دعوت و ناداه ملك من السماء الثانية يا عبد الله و لك مائتا ألف ضعف مما دعوت و ناداه ملك من السماء الثالثة يا عبد الله و لك ثلاثمائة ألف ضعف مما دعوت و ناداه ملك من السماء الرابعة يا عبد الله و لك أربعمائة ألف ضعف مما دعوت و ناداه ملك من السماء الخامسة يا عبد الله و لك خمسمائة ألف ضعف مما دعوت و ناداه ملك من السماء السادسة يا عبد الله و لك ستمائة ألف ضعف مما دعوت و ناداه ملك من السماء السابعة يا عبد الله و لك سبعمائة ألف ضعف مما دعوت ثم يناديه الله تبارك و تعالى أنا الغني الذي لا أفترق يا عبد الله لك ألف ألف ضعف مما دعوت فأبي الخطرين أكبر يا ابن أخي ما اخترته أنا لنفسي أو ما تأمرني به.^١

روایت (١٣٠)

كتاب زيد النرسي، قال: رأيت معاوية بن وهب البجلي في الموقف و هو قائم يدعو فتفقدت دعاءه فما رأيته يدعو لنفسه بحرف واحد و

(١) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٨٧

سمعته يعد رجلا رجلا من الآفاق يسميهم و يدعو لهم حتى نضر الناس فقلت له يا أبا القاسم أصلحك الله رأيت منك عجا قال يا ابن أخ فما الذي أعجبك مما رأيت مني فقال رأيتك لا تدعو لنفسك و أنا أرمقك حتى الساعة فلا أدري أي الأمرين أعجب ما أخطأت من حظك في الدعاء لنفسك في مثل هذا الموقف أو عنايتك و إثارة إخوانك على نفسك حتى تدعو لهم في الآفاق فقال يا ابن أخ فلا تكثرن تعجبك من ذلك إني سمعت مولاي و مولاك و مولى كل مؤمن و مؤمنة - جعفر بن محمد عليه السلام و كان و الله في زمانه سيد أهل السماء و سيد أهل الأرض و سيد من مضى منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة بعد آبائه رسول الله و أمير المؤمنين و الأئمة من آبائه صلى الله عليهم يقول و إلا صمت أذنا معاوية و عميت عيناه و لا نالته شفاعة محمد و أمير المؤمنين من دعا لأخيه المؤمن بظهر الغيب ناداه ملك من السماء الدنيا يا عبد الله لك مائة ألف مثل ما سألت و ناداه ملك من السماء الثانية يا عبد الله لك مائتا ألف مثل الذي دعوت و كذلك ينادي من كل سماء تضاعف حتى ينتهي إلى السماء السابعة فيناديه ملك يا عبد الله لك سبعمائة ألف ضعف مثل الذي دعوت فعند ذلك يناديه الله عبدي أنا الله الواسع الكريم الذي لا ينفد خزائني و لا ينقص رحمتي شيء بل وسعت رحمتي كل شيء لك ألف ألف مثل الذي

دعوت فأبي حظاً أكثر يا ابن أخ من الذي اخترته أنا لنفسي قال فقلت لمعاوية أصلحك الله ما قلت في أبي عبد الله عليه السلام من الفضل من أنه سيد أهل الأرض وأهل السماء وسيد من مضى و من بقي شيء قلته أنت أم سمعته منه يقوله في نفسه قال يا ابن أخ أتراني كل داحرة على الله أن أقول فيه ما لم أسمع منه بل سمعته يقول ذلك و هو كذلك والحمد لله^١.

روایت (١٣١)

عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام في قوله تبارك و تعالى وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ^٢ قال هو المؤمن يدعو لأخيه بظهر الغيب فيقول له الملك آمين و يقول الله العزيز الجبار و لك مثلاً ما سألت و قد أعطيت ما سألت بحبك إياه^٣.

روایت (١٣٢)

عبد الرحمن بن سنان قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام إذ دخل عليه رجل فأعطاه ثلاثين ديناراً يحج بها عن إسماعيل و لم يترك شيئاً

(١) بحار الانوار ج ٩٠ ص ٣٨٨

(٢) شوری ٢٦/

(٣) کافی ج ٢ ص ٥٠٧

من العمرة إلى الحج إلا اشترطه عليه حتى اشترط عليه أن يسعى عن وادي محسر ثم قال يا هذا إذا أنت فعلت هذا كان لإسماعيل حجة بما أنفق من ماله و كان لك تسع بما أتعبت من بدنك.^١

روایت (۱۳۳)

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له الرجل يحج عن آخر ما له من الأجر والثواب قال للذي يحج عن رجل أجر وثواب عشر حجج.^٢

روایت (۱۳۴)

قال أبو عبد الله عليه السلام لو أشركت ألفا في حجتك لكان لكل واحد حجة من غير أن تنقص حجتك شيئاً.^٣

روایت (۱۳۵)

عن أبي عبد الله عليه السلام في الرجل يشرك أباه وأخاه وقربته في حجه فقال إذا يكتب لك حج مثل حجهم وتزداد أجرا بما وصلت.^٤

روایت (۱۳۶)

(۱) کافی ج ۴ ص ۳۱۲

(۲) کافی ج ۴ ص ۳۱۲

(۳) کافی ج ۴ ص ۳۱۷

(۴) کافی ج ۴ ص ۳۱۶

عن موسى بن القاسم قال: قلت لأبي جعفر الثاني عليه السلام قد أردت أن أطوف عنك و عن أبيك فقل لي إن الأوصياء لا يطاف عنهم فقال لي بل طف ما أمكنك فإن ذلك جائز ثم قلت له بعد ذلك بثلاث سنين إني كنت استأذنتك في الطواف عنك و عن أبيك فأذنت لي في ذلك فطفعت عنكما ما شاء الله ثم وقع في قلبي شيء فعملت به قال و ما هو قلت طفعت يوما عن رسول الله صلى الله عليه وآله فقال ثلاث مرات صلى الله على رسول الله ثم اليوم الثاني عن أمير المؤمنين عليه السلام ثم طفعت اليوم الثالث عن الحسن عليه السلام و الرابع عن الحسين عليه السلام و الخامس عن علي بن الحسين عليه السلام و السادس عن أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام و اليوم السابع عن جعفر بن محمد عليه السلام و اليوم الثامن عن أبيك موسى عليه السلام و اليوم التاسع عن أبيك علي عليه السلام و اليوم العاشر عنك يا سيدي و هؤلاء الذين أدين الله بولايتهم فقال إذا و الله تدين الله بالدين الذي لا يقبل من العباد غيره قلت و ربما طفعت عن أمك فاطمة عليها السلام و ربما لم أطف فقال استكثر من هذا فإنه أفضل ما أنت عامله إن شاء الله^١.

(روایت ١٣٧)

سمعت الفضل بن هشام الهروي، يقول، ذكر لي كثرة ما يحج

المحمودي، فسألته عن مبلغ حجاته فلم يخبرني بمبلغها، وقال: رزقت خيرا كثيرا و الحمد لله، فقلت له فتحج عن نفسك أو عن غيرك فقال: عن غيري بعد حجة الإسلام أحج عن رسول الله (ص)، وأجعل ما أجازني الله عليه لأولياء الله، وأهب ما أثاب على ذلك للمؤمنين و المؤمنات، فقلت فما تقول في حجك فقال، أقول: اللهم إني أهلت لرسولك محمد ﷺ و جعلت جزائي منك و منه لأوليائك الطاهرين عليهم السلام، و وهبت ثوابي لعبادك المؤمنين و المؤمنات بكتابك و سنة نبيك، إلى آخر الدعاء.^١

روایت (۱۳۸)

أسألك بكل اسم سميت به نفسك و أنزلته في كتابك أو علمته أحدا من خلقك أو استأثرت به في علم الغيب عندك أن تجعل القرآن ربيع قلبي و نور صدري و جلاء حزني و ذهاب همي.^٢

روایت (۱۳۹)

عن حسين بن علوان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ ما من مؤمن دعا للمؤمنين و المؤمنات إلا رد الله عز و جل عليه مثل

(١) رجال الكشي ٥١١

(٢) بحار الأنوار ج ٩٢ ص ٢٧٩

الذي دعا لهم به من كل مؤمن و مؤمنة مضى من أول الدهر أو هو آت
إلى يوم القيامة إن العبد ليؤمر به إلى النار يوم القيامة فيسحب فيقول
المؤمنون و المؤمنات يا رب هذا الذي كان يدعو لنا فشفعنا فيه
فيشفعهم الله عز وجل فيه فينجو.^١

آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

آن چه تا کنون از سایت «آشتی با خرد» چاپ شده است:

- ۱. از کرامت درویشانه تا کرامت انسانی
- ۲. اشراق خورشید (جهان در عصر طلایی ظهور)
- ۳. علل غیبت خورشید (دلایل حرمان از امام زمان ع)
- ۴. شاقول اخباریت و اصولیت
- ۵. پیشینه نص زدگی (اخباریت لابلای تاریخ و روایات)
- ۶. درنگی نو بر لایه های تقلید
- ۷. ستون استوارِ دین (مرجعیت امینانِ دنیا و دین)
- ۸. پرسش ها و هیاهوها پیرامون مرجعیت و تقلید
- ۹. إعجاز و کرامت از واقعیت تا پندار
- ۱۰. فتنه وهابیت قوچان
- ۱۱. رسالة فی جواب عن شبهات کشف الارتیاب
- ۱۲. جواهر ناشناخته زندگینامه شیخ عبدالله ریزگی
- ۱۳. برترین لبیک به آیه ی نُّفَر، شناسنامه قرآنی طلبگی
- ۱۴. کافر در سه مدارِ آفرینش، انسانیت و احکام
- ۱۵. فاطمه ؑ به میدان آمد تا علی ؑ زنده بماند
- ۱۶. ماه در ماه، امام زمان عجل الله فرجه در ماه رمضان
- ۱۷. توطئه ازدواج، پوشاندن رسوایی سقیفه